

مرزده آن بندگان مرا که سخن ها گوش فرامید بند و از بهترین آنها پیروی میکنند

پرسشها از دکتر حسن رضائی و پاسخها از ابوالحسن بنی صدر

## قرآن در اندیشه موازنه عدمی -

### بخش سوم

پیش از بررسی چهارمین حکم موجود در مقدمه بحث (= فهم عقلانی و عصری از قرآن یا سازگاری آن با مدرنیته)، بجاست یادآور شوم که نقد نظرها-بدان سان که در مقدمه پرسشها آمده اند- این فایده را دارد که معلوم می کند کنار گذاشتن بخشی از قرآن چگونه خلاء یا خلاءهایی به وجود می آورد که به جای آنها بناگزیب باید از بیان یا بیانهای رایج وام گرفت. اما بیانهای رایج در دنیا و رایج تر از همه نیز لیبرالیسم، همگی بیانهای قدرت هستند. لیبرالیسم، برای مثال، بیان آزادی نیست، بیان قدرت و مرام سرمایه داری است. گذاشتن لیبرالیسم به جای بیان آزادی امری تجربه شده است، هم در ایران و هم در کشورهای دیگر. در ایران و در همین رژیم کنونی، بنا بر طبیعت استبدادی ای که دارد، همچنان به منظور تداوم ستمگری، تجربه روی آوری به هر بیانی به جز بیان آزادی در حال تکرار است. به ویژه در قلمرو اقتصاد، این رژیم ادامه دهنده بیراهه رژیم پهلوی است. زیرا با قرار گرفتن در موقعیت زیر سلطه، کار اقتصاد، به خصوص وقتی که صفت لیبرال پیدا می کند، جریان دادن ثروتها و استعدادهای و دیگر نیروهای محرکه به سوی اقتصاد مسلط می شود. نوع دیگری از جانشینی نیز در بخش بزرگ دیگری از جهان آزمایش شده است: مارکسیسم-لنینیسم، که حاصل آن تجربه نیز شکست بود. هم اینکه ما در دوره ای به سر می بریم که برخی از اندیشمندان امروزه در خود غرب معترف اند که از یافتن اندیشه راهنمای جدیدی ناتوان اند، چه رسد به بیان آزادی. کسی چون گراهام فولر، استاد تاریخ، حتی بر اینست که اندیشه راهنمای درخور «عصر جدید» را در ایران و هند یا کشورهای چین و مصر باید سراغ گرفت. روشنفکران فرانسوی، در دیدارشان با گرباچف، سخنی با این مضمون به او گفته اند که "ما به آخر خط رسیده ایم مگر این که در آن سو، اندیشه راهنمایی تولد یابد." اندیشه راهنمایی که بکار بیرون رهندن انسان و جانداران و محیط زیست از مرگ در بن بست باشد که استبداد فراگیر سرمایه داری پدید آورده است، همانا بیان آزادی است و گرنه، یک بیان قدرت را جانشین بیان قدرت دیگری کردن به این زعم که این بیان تازه «عصری» است یا «مدرن» است یا «فرامدرن» و نظائر آن، مرگ در بن بست را زودرس تر می کند. به هنگام پاسخ دادن تفصیلی به پرسشهای مطرح شده به این موضوع بازخواهم گشت و در باره امر مهمی که منطبق صوری آن را از چشم خرد می پوشاند به بررسی بیشتر خواهیم پرداخت. اما اکنون به بررسی ای که در نوبت پیشین پیرامون نظرهای ذکر شده یا به تعبیر روشن تر «احکام» ده گانه ای که در مقدمه پرسشها آمده بود و آنها را در نوشته اول احصاء کرده بودم ادامه می دهم تا نوبت به اصل پرسشها رسد. در بخش دوم مقاله سه حکم از این احکام ده گانه را مورد بحث و بررسی همه جانبه قرار دادم. اکنون به باقی احکام می پردازم.

حکم چهارم؛ فهم عقلانی و عصری از قرآن یا سازگار کردن آن با مدرنیته؛

این حکم به غایت مبهم است. بخاطر غفلتهائی که عقل صادر کننده این حکم از خودش نشان داده است، باید نتیجه گرفت روش کار او منطق صوری بوده است. توضیح بیشتر این که:

۱. پرسیدنی است از کدام عقل سخن به میان است؟ عقلی که به قول نیچه، قدرت را مدار می کند یا عقل آزاد؟ روشن سخن این که آیا باید قرآن را موافق عقل حاکم بر دولت های غربی که امثال بوش و سارکوزی و برلوسکنی در آن به قدرت می رسند «عقلانی» کرد و از این طریق بقا در روابط مسلط-زیر سلطه را توجیه کرد؟ یا باید عقل را آزاد کرد و از او خواست در آزادی از روابط قوا حق را از نا حق تمیز دهد؟ آیا همین «فهم عقلانی و عصری»، فلسفه عقل را در غرب گرفتار بن بست نساخته است و مدتهاست یکی از پروژه های اصلی خود فیلسوفان «مدرن» و «پست مدرن» گشودن این بن بست نیست؟ آیا بناست تحت این شعار زیبا قرآن را با توقعات قدرت در محتوی و شکلی که در غرب جسته است تطبیق دهیم و بنا بر این بر صدور نیروهای محرکه خود همچنان بیفزائیم تا فقر کامل و تا سوختن کامل به آتش خشونت هم بدین کار خویش ادامه دهیم؟

در صفحه ۲

# انقلاب اسلامی

هجرت

شماره ۶۹۶ از ۹ تا ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۷

## «مذاکره محرمانه»

◀ گفتگوهای پنهان و صف بندیهای آشکار، خاورمیانه را در بحرانها

نگاه داشته اند: ص ۴

◀ اجماعی از کشورهای عرب و اسرائیل در برابر ایران؟! - تهدید به جنگ: ص ۵

◀ گردانندگان حزب سیاسی مسلح - ۲: ص ۷

◀ دولت مافیایا - جنگ ۸ ساله همچنان موضوع روز - تغییر «وزیر»

و نارضائی از «انتخابات» ...: ص ۹

◀ عنان گسیخته ها: واردات، نقدینگی، تورم، نقدینه و...: ص ۱۱

◀ سلول شکنجه و از پاپ تا پاپ - کارگران و دانشجویان قربانیان

تجاوز به حقوق انسان: ص ۱۲

انقلاب اسلامی: خوانندگان این نشریه می دانند که بطور مرتب، خبرها در باره مذاکره ها و معامله های پنهانی رژیم، با غرب، بخصوص آمریکا را انتشار داده است. در شماره پیش، پیش از انتشار مصاحبه توماس پیکرینگ با ایندپندنت، خبرهای اینگونه گفتگوها را انتشار داد. فصل اول را به گفتگوهای محرمانه از سوئی و سرانجام نگرفتن گفتگوهای علنی بر سر عراق و رابطه رژیم با دولتهای منطقه را از نظر خوانندگان می گذرانیم.

در فصل دوم، «ماجرای اتم» و احتمال جنگ را از زبان خبرها و نظرها پی می گیریم.

در فصل سوم، قسمتی دیگر از تحقیق در باره سازمان سیاسی مسلح را می آوریم. در این قسمت، گردانندگان این حزب معرفی شده اند.

در فصل چهارم خبرهای گویای درون رژیم و رابطه اش با جامعه ملی را می آوریم.

در فصل پنجم، خبرها و داده های اقتصادی را می آوریم که گزارشگر وخامت بار تر شدن بازهم بیشتر وضعیت اقتصادی کشور است.

در فصل ششم، خبرهای تجاوزها به حقوق انسان را گرد می آوریم:

در صفحه ۴

محمد جعفری

### امور خارج از محدوده رسالت و پیامبری در قرآن - ۴

خداوند در آیات بینانی که گذشت هر نوع بیانه ای را که بشود، پیامبر آنرا فکر و یا دستما به کند و با کمک آن وکالت خود را بر مردم تحمیل نماید، بشدت از وی سلب می کند و با صراحت هر چه تمامتر به رسول خود گوشزد می کند که: به بهانه هدایت مردم به راه راست. به بهانه گمراه و به ضلالت دچار نشدن مردم. به بهانه تکذیب خود پیامبر بوسیله مردم. به بهانه اینکه مردم دوستان و یا اولیائی غیر از خدا برای خود می گیرند. به بهانه اینکه پیامبر علم و آگاهی بیشتر نسبت به مردم دارد. در صفحه ۱۴

جهانگیر گلزار

### تورم در دولت احمدی نژاد

آقای احمدی نژاد در پیام نوروزی خود، چنین اظهار نظر کرده است: «در طول سال ۸۶ دولت در یک کار بسیار فشرده و مستمر با حضور صاحب نظران و کارشناسان، یک طرح بزرگ تحولی اقتصاد را آماده کرده است. طرحی برای ریشه کن کردن نابسامانیهای موجود در عرصه اقتصاد.»

آقای احمدی نژاد در سخنان خود هیچ اشاره ای به جزئیات این طرح نکرد. وی گفت: «در طول یک سال بیش از دو برابر سال های مشابه کار، سازندگی و پیشرفت انجام شد. رشد بالای اقتصادی و تک رقمی شدن نرخ بیکاری از دستاوردهای این تلاش بزرگ است.» او در ۲۷ فروردین ۸۷ در جمع روحانیون استان خراسان رضوی گفت: 'دولت در قطع دستهای فاسد، کاملا جدی است.'

در صفحه ۱۵

ج - پاکنژاد

### نظام حاکم بر ایران، "دولت امام زمان" یا آلت فعل مافیایا؟

آقای خمینی از زمانی که وسوسه قدرت و شاه شدن بر او غلبه کرد و بر آن شد تا راه آزادی و در خدمت مردم بودن را رها سازد و دیکتاتوری پیشه کند، بیان تمامی معنادان، که همواره اعتیاد خود را منکر میشوند، او نیز اعتیاد خود به قدرت را منکر میشد و به هشدارها که در این مورد به او داده میشدند نه تنها بی توجه بود، بلکه اغلب هشدار دهندگان را مورد عتاب نیز قرار میداد. کم کم ناصحان صالح را دفع و ناکسان چاپلوس را جذب کرد. قدرت قانون خود را دارد و به جویندگانش تحمیل میکند. هر نقد، حتی سازنده را بر نمیتابد.

در صفحه ۱۳



۲. مدرنیته چیست؟ این پرسش نیاز به بحثی دراز دارد. در مطالعه ای که درباره دموکراسی به انجام رسانده ام، بخشی از آن به موضوع رشد و نظریه های رشد در قرن گذشته تعلق دارد که در ضمن به این پرسش با تفصیل پرداخته ام و به همین دلیل این بخش از مطالعه دو کتاب شده است: یکی در باره رشد در غرب و دیگری پیرامون رشد انسان و اصل نو به نو شدن، وقتی انسان از روابط قدرت آزاد است. در کتاب اول، رشدی را که نخست در غرب و سپس در بقیه دنیا اسطوره شد و البته سرانجامش را که شکست است، بررسی کرده ام. امیدوارم این کتابها به زودی در اختیار هموطنان ام قرار گیرند. «رشد» در قرن گذشته اسطوره گشت زیرا سرمایه جانشین رشد انسان شد و جباری می باید می گشت که کسی نتواند در باره اش چون و چرا کند. روند سرمایه سالاری که بر زندگی انسانها و محیط زیست حاکم گشت، و برانگیز حیات هم خود بشر و هم دیگر مخلوقات خدا، از سطح زمین تا اعماق اقیانوسها گشت، تا جایی که افزون از دو سوم فرآورده های بشر امروز ویرانگر شدند و همچنان هستند. مصرف گرایی دیوانه وار و توسعه صنایع جنگ و خشونت تا انواع فساد های مالی و اقتصادی (به گونه ای که در آمریکا مجموع ثروت یک درصد مردم به اندازه ثروت ۹۰ درصد جامعه است) و افزایش دائمی مخدرها و سرگرمی ها و بورس بازی و بحران شدید انرژی بس نبودند، به تازگی قیمت های سر به آسمان کشیده مواد غذایی در سراسر جهان نه تنها زنگ خطر را برای بخش فقیر نشین جهان به صدا درآورده اند بلکه در خود غرب هم طبقه گرسنگان را به وجود آورده اند. مغازه هرگز بر غر ب از مواد غذایی هستند اما تعداد زیادی از مردم به طور فزاینده ای دیگر قادر به خرید کالاهای اساسی خود نیستند. (۱) باری، اگر مدرنیته سرمایه سالاری و آسیبها و نابسامانیهای روز افزونش باشد که غرب و نیز تمامی جهان را هم اینک گرفتار سرانجام خشونت بار کنونی کرده است، منطبق کردن قرآن با آن، اگر هم ممکن باشد، تنها ابعاد فاجعه را بزرگ خواهد کرد. و هرگاه عقل مداری باشد و عقل خودبنیاد غربی اسطوره از کار در آید و نه تنها آزادی تجوید بلکه پیوسته بر بر مدار قدرت کار کند (به قول نیچه)، کار فلسفه اش به بن بست می کشد و فیلسوفان ناگزیر می شوند بن بست را بکشایند و یا از خیر این مدرنیته درگذرند.

۳. اما هرگاه عصری گری و مدرنیته، پذیرفتن و بکار بستن حقوق انسان و حقوق ملی و حقوق جامعه جهانی و تنظیم رابطه ها بر اصل موازنه عدمی (= آزادی انسان و جامعه از روابط قدرت) و رشد انسان به مثابه مجموعه ای از استعدادها، از جمله استعداد های ابتکار و خلق و دانش و فن جوئی و انس (= حق صلح و زیستن در صلح و رشد در آزادی) معنا شود، که حق هم همین هست، نیاز به دو کار است: یکی باز ایستادن از تعریف حق و آزادی بر محور قدرت که فرآورده «مدرنیته» غرب است و دیگری جستن بیان آزادی که بدان انسانها خویشتر را بمثابه دارنده حقوق ذاتی در هستی باز یابند. در این معنا مدرنیته می شود کاستن از نقش قدرت (= زور) در زندگی فرد و در رابطه فرد با فرد و گروه با گروه و جامعه با جامعه و جریان دادن نیروهای محرکه در رشد انسان و عمران طبیعت، یعنی نو به نو شدن واقعی که فرق دارد با تجدد

## قرآن در اندیشه موازنه عدمی - بخش سوم

**حکیم پنجم: اگر بخواهیم راهی برای اعتبار تفاسیر و برداشتهای گوناگون از متن باز کنیم، می باید آن را متنی فرآورده انسان بفهمیم؛**

معنای ضمنی این حکم این است که قرآن مثل هر متن بشری همه بخش های آن حقیقت نیست و حتی ممکن است دارای تعارضها و بسا تناقض هایی نیز باشد.

این حکم در بردارنده سخنی بس شگرف و استفاده ای بیش از اندازه از منطق صوری است. چرا که:

۱. حق می باید شفاف و سراسر باشد و نیازمند «تفاسیر و برداشتهای گوناگون» نباشد. بدین قرار، هرگاه موضوعی آیه های قرآن، حقوق باشد، یک برداشت حق بیشتر از آن نمی توان کرد. راست بخواهی، هرگاه آیه ها را بر وفق اصول راهنمای قرآن بخوانیم، معانی شفاف و سراسر و دقیق می شوند. برای تقریب به ذهن، فرض کنیم اعلامیه جهانی حقوق بشر متنی فرآورده انسان باشد. هرگاه قرار باشد موادش مبهم باشند و هر کس از آنها برداشت دلخواه خود را بکند، چه سرنوشتی را پیدا می کند؟

۲. مراجعه به متن قرآن، اگر برای یافتن حق است، در این صورت، «اعتبار تفسیر و برداشت» در خود آن تفسیر و برداشت است. توضیح این که اگر واجد حق بود معتبر و اگر نبود، بی اعتبار است. البته این قاعده کار در مورد هر متنی است. اگر متن مورد تفسیر متن قرآن هم نبود اما نویسنده ای داشت و او مدعی بود جز حق در آن نیست، باز اعتبار تفسیر و برداشت در گرو اینست که خود متن واجد حق هست یا نیست.

۳. هرگاه این احتمال را بدهیم که علاوه بر حقوق، ناهق هایی نیز در متن وجود دارد، از آنجا که ناهق جز پوشاندن حق با دروغ نیست، تفسیر یا برداشتی عادلانه است که آن حتی را که صاحب تفسیر یا برداشت مدعی است در متن (اینجا قرآن) ناهق گشته است، اظهار کرده و نوع پوشش دروغ را که بدان، حق ناهق شده است جسته، به این طریق بکوشد امر حق را فاش سازد و آن را به عنوان دلیل مدعی خود ذکر کند. بنابراین، «فرآورده انسان» دانستن یا ندانستن متن، تغییری در کار جوینده حق بوجود نمی آورد. ای بسا، بدین خاطر که قرآن کلام خدا خوانده می شود، جستجوی حق در این کلام بایسته تر از هر متن دیگری است. زیرا به هر حال یکی از دو نتیجه را بیار می آورد: یا این که حقوق جسته می آیند و مانع از آن می شوند که «تفسیرها و برداشتهای عقلی قدرتمندار، ناهق ها را به این عنوان که کلام خدا هستند جانشین حق ها کنند، یا این که در کنار حق ها، تصدیق و تکذیب هائی را می یابند که تشخیص حق بودن یا نبودنش دشوار است و بسا بنظر برخی ناهق می آیند. در حالت دوم، آدمی نخست می باید مطمئن شود که خود او ناهق نمی گوید زیرا حق خاصه های خود را دارد. از جمله این خاصه را دارد که در خود تناقض و با حق دیگری تضاد ندارد. بنا بر این، هرگاه کسی این یا آن تصدیق یا تکذیب قرآن را بر حق نمی داند، نخست می باید مطمئن شود که خود او گرفتار تناقض نیست و ادعایش

خود را از ساختن و اظهار این حکم نابحق اظهار کنند.

در ادامه دو حکم ششم و هشتم را از آنجا که مدعای یکسانی دارند در یک بخش به نقد می گذاریم.

**حکیم ششم: وحی، بخشیدن یک نوع توانائی به پیامبر است که اینگونه سخن گوید، وگرنه گزینش کلمه ها و جمله ها و حتی معانی از خود پیامبر است؛**

**حکیم هشتم: آنچه پیامبر از خداوند دریافت می کند مضمون وحیانی دارد ولی کلام از پیامبر است و از این رو در قرآن خطا و اشتباه وجود دارند؛**

این حکم، به ترتیبی که در نقد عمومی نظرها در بخش نخست این مطالعه معلوم شد، تناقضهای بسیار بار می آورد و از عقل آزادی که در جستجوی حق است، چنین حکمی صادر نمی شود. از راه فایده نگرار، از نو یادآور می شوم که هر کلامی در درون خودش یا واجد حقوق هست و یا نیست. چه فرق می کند که آن را قول خدا بدانیم و یا قول رسول خدا؟ ممکن است پاسخ داده شود: فرقی اینست که وقتی گفتیم «کلمه ها و جمله ها و حتی معانی از خود پیامبر هستند» قابل نقد می شود. اگر چنین گوید، پاسخ می دهیم پس شما اعتبار و حقانیت کلام را نه در خود کلام که در گوینده آن می دانید و از این روست که گرفتار تناقض گوئیهای بسیار می شوید. این تناقض گوئیها در نقد عمومی نظرها بر شمرده شدند. در این جا تنها یاد آور می شوم که «نقد برای نقد» انجام نمی گیرد بلکه یا بقصد پیراستن موضوع نقد از ناهق است و یا جانشین کردن موضوع نقد با دلخواه خود. هرگاه بنا بر این شود که، در مقام نقد قول، اصل «ما قال» است، اقتضای صداقت اینست که منتقد قصد خویش را شفاف و از آغاز بیان کند.

در زیر، دیگر تناقضهای موجود در متن چنین حکمی را می جویم:

۱. تلقی وحی به عنوان «نوعی توانائی بخشیدن به پیامبر که اینگونه سخن بگوید» بدان معنا است که تمامی قرآن ساخته پیامبر است. لاجرم این حکم با حکم دوم خود همین صاحب نظر که در جای دیگر می گوید «گزینش کلمه ها و جمله ها و حتی معانی از خود پیامبر است» تناقض پیدا می کند. زیرا بنا بر قسمت دوم، مضمونهای آیه ها به پیامبر وحی می شده است و او آنها را در قالب جمله ها باز می گفته است.

۲. هرگاه صاحب نظر بگوید مقصودش توانائی دریافت مضامینی است که خداوند در آیه ها اظهار کرده است، جمله گویای خلاف این مقصود و گویای ایرادات آشکاری است که در نقد عمومی نیز تبیین شد. ایراد اول این ادعا آن است که خداوند را می باید این توانائی باشد که رهنمودهای خود را در کلامی روشن و سر راست به پیامبر ابلاغ کند. ایراد دوم این است که بفرض که یافتن کلمه و ساختن جمله و حتی معنی را بر عهده پیامبر می گذارد، خداوند چرا نتواند به پیامبر آن توانائی را بدهد که او از خود معنی ناسازگار با مضمون وحی را در صفحه ۳

ناقص حقی نیست، و آنگاه، ادعای خود و قول قرآن را به محک خاصه های حق بسنجد. (۲) با انجام این دو کار، چون علم آدمی فراگیر نیست، مفسر نظر خویش را به جریان اندیشه ها بسپرد تا آزادانه نقد شود و سرانجام، آراء به یمن نقد بگذرد، به حق رسند و در آن توحید بجویند. این سرسختی در حق جوئی است که مانع از آن می شود برداشتهای نابجا، به این عنوان که کلام خدا هستند وسیله فریب مخاطبان متن شوند.

۴. اما این حکم پنجم، با صورت مقبولی که به خود داده است، غفلت بزرگی را پوشانده است: غفلت از این واقعیت که تفسیرهایی که از قرآن شده اند، از اندازه بیرون است. در این تفاسیر، عموماً ثنویت ارسطویی و منطق صوری او بکار رفته است. حاصلهای تفسیرها هم، در نتیجه، ساخته شدن انواع بیانهای قدرت شده اند. این تفسیرها خود گویای این واقعیت هستند که قرآن موافق اصول راهنمایش و با روش تشخیص آن امر واقعی که موضوع حکم است، فهم نشده است و به این دلیل است که کسانی قرآن را متنی پر از تناقض می بینند. غافل از این که حق در خود تناقض ندارد و ناهق هیچ حقی نیز نمی شود. پس اگر، برای مثال، اطاعت از «ولی امر» (به خصوص مفاد آیه اولی الامر) معنایش همان برداشتی باشد که مدعیان ولایت مطلقه فقیه از آن می کنند، این تفسیر با «امرهم شوری بینهم» و با «بعضهم اولیاء بعض» و با «هرکس خود خویشتر را هدایت می کند» و «تو ای پیامبر وکیل مردم نیستی، نگهبان آنان نیستی، بر کسی سلطه نداری... تناقض پیدا می کند. همچنین با استعداد رهبری که در هر انسانی هست و حق او بر تعیین سرنوشت خودش به عنوان یک انسان تضاد می جوید.

بدین قرار، از قرآن بیش از دو برداشت نمی توان داشت: یکی براساس ثنویت که برداشتی موافق دلخواه قدرتمندارها است و دیگری بر اساس موازنه عدمی. به همان اندازه که عقل آزاد باشد، دخالتش در معانی که آیه ها دارند کمتر و اندریافت او به حقیقت (= منظور نظر صاحب قرآن) نزدیک تر می شود. هرگاه قرآن بیان آزادی باشد، بر اصل ثنویت، به خصوص ثنویت تک محوری، محال است چنین بیانی از قرآن دریافت شود، و بسا ضد آن، که یکسره ساختگی و بیان استبداد فراگیر است، جعل می شود. نمونه ای از این نوع برداشت که هم اکنون مردم ایران گرفتار آنند، ولایت مطلقه فقیه است.

۵. عقل وقتی آزاد است از گوینده نیز آزاد است و کار به «آنچه گفته شده است» دارد. چون حق است خدا می فرماید نه چون خدا می فرماید حق است. این حکمی است که عقل توجیه گر نمی تواند درک کند. زیرا در نظر این عقل اصل «ماقال» نیست. پس نسبت دادن قرآن به پیامبر به هیچ رو بدین خاطر نمی تواند باشد که گویا شرط قابل نقد کردنش اینست که آن را باید اول «فرآورده» انسان، گرداند. بلکه صاحب یا صاحبان نظر می باید شجاعت داشته باشند و انگیزه واقعی



نسازد و جانشین مضمون وحی نکند؟  
۳. دوگانگی مضمون و معنی چه معنی می دهد و از چه رو است؟ آیا این پرسش به ذهن صاحب یا صاحبان نظر نرسیده است یا قصد داشته یا داشته اند حکمی مبهم صادر کنند؟ مضمون، خود درکی است که انسان از کلامی پیدا می کند (المضمون من الجملة ما يفهم منها). مضمون نا برگرفته از کلام، خدا هم نیافرید! در حقیقت، معنی از کلمه و جمله جدائی ناپذیر است و بر مضمون مقدم است.

۴. هر معنایی که به پیامبر وحی شده است، لاجرم در همان زمان در کلمه ها و جمله ای بیان شده است. پس مجالی برای پیامبر نمی ماند تا برای آن معانی، کلمه ها و جمله بوجود بیاورد. گرچه بنا بر اصل ثنویت، می توان، در ذهن، معنی را بر کلمه مقدم گرداند اما عقلی که گرفتار این سان دوگانه سازیها می شود، لاجرم در نمی یابد که ادعایش ناممکن و متناقض است.

۵. هرگاه قائل به وحی باشیم، بنا بر قرآن، خداوند به آفریده های خود، از جمله به زنبور نیز وحی می کند. ولی عقل انسانی برای دریافت وحی خداوند، می باید توانائی «به دل اندیشیدن» را یافته و آزادی کامل جستجو باشد. وحی ای که چنین انسانی دریافت می کند، در کلامی دریافت می شود که تغییر حتی یک کلمه، معنی را تغییر می دهد. بنا بر این، هرگاه بگوئیم کلمه ها و جمله ها و بسا معانی را پیامبر گزیده است، او دیگر امین و صادق نیست و کسی است که به عمد کلام خدا را تغییر داده است. همانطور که در نقد عمومی خاطر نشان کردم، این تناقض به هیچ رو قابل حل نیست مگر به انکار وحی و یا انکار صداقت و قابلیت پیامبر.

۶. افزون بر این، هرگاه فرض کنیم خداوند وحی نکرده است و قرآن فرآورده پیامبر است، باز اگر عقل او را آزاد بشماریم، فرآورده های این عقل، بر اصل موازنه عدمی نمی توانند متناقض باشند. می توانند از نقص به کمال روند اما به ترتیبی که یادآور شدم، وجود تناقض افشاگر قدرتمندار بودن عقل است. پس هرگاه قرآن فرآورده پیامبر خوانده شود و واجد تناقض ها و ملغمه ای از حقیقت ها و خلاف حقیقت ها باشد بی شک عقل پیامبر قدرتمندار بوده است.

**حکیم هفتم: پیامبر خودش ادعا نکرده است که قرآن کلام خداست؛**

فرض کنیم نه قرآن تصریح کرده است که کلام خدا است و نه پیامبر گفته است قرآن کتاب خدا است. اما از آنجا که او خود را «پیامبر» نامیده است، برای این وصف لوازمی وجود دارد؛

۱. اگر وی در مقام بیان حتی سکوت نیز می کرد، پیامبری خود را تکذیب کرده بود. زیرا کسی از «رسول» نمی پذیرفت که از سوئی بگوید 'بر رسول جز ابلاغ پیام نیست' و چون از او پرسند پیام از کیست؟ سکوت کند. و اگر او نمی گفت پیام خداوند است، خویش را در ادعای پیامبری تکذیب کرده بود و کل بعثت بی معنا می گشت و...

ممکن است کسی بگوید که پیامبر به رهبری برانگیخته گشته ولی کار ابداع و ابلاغ اصول و هدف و روش راهنما و تمیز حق از باطل و... برعهده خود او گذاشته شده است. اما باز بنا بر این فرض، برعهده او بود که شرط امانت و صداقت را بجا می آورد. اما او هر گاه می گفت چنین مأموریتی دارد، مصلحی می شد (که فرق دارد با

## قرآن در اندیشه موازنه عدمی - بخش سوم

تقلین؛ «اما بعد، ای مردم! در حالی شما را ترک می کنم که دو چیز سنگین میان شما می گذارم؛ «کتاب الله» و اهل بیت خود...» و یا «من انسانی مثل شما هستم و گمان به خطا یا صواب می برم ولی هر چه را بگویم خدا گفته است، (قول خدا است). من هرگز به دروغ (قولی را) به خدا نسبت نمی دهم» (کلام پیامبر ۹۴، صفحه ۳۴۴ نهج الفصاحه)، و یا «ای مردم! (امر و نهی ای را) از من نشمارید. من حلال نکردم مگر آنچه را خداوند حلال کرده است و حرام نکردم مگر آنچه را خداوند حرام کرده است» (کلام پیامبر ۱۰۴۷، صفحه ۳۶۶ نهج الفصاحه) و...

**حکیم نهم: اگر پیامبر در محیط دیگری زندگی می کرد، بسیاری از احکام مثل احکام جرائم و مجازاتها احتمالا بخشی از پیام او نمی بودند؛**

پیامبر به گواه تاریخ و به قول علی (ع) «در شوره زار زندگی» مبعوث شد و پیام او همین شوره زار را به مزرعه نمونه زندگی بدل کرد. موفقیت اسلام در جامعه عربستان آن روز، دلیلی بر حقانیتش بود و چون بیان آزادی بود حصارهای سانسور قادر نبودند برای مدت طولانی مانع از انتشار این پیام به دیگر نقاط جهان شوند. گردش روزگار را ببین! استبدادها اسلام را چه اندازه می باید از خود بیگانه کرده باشند که دلیل حقانیت اسلام (=آزادی) به دلیل واپسگرائی و خشونت گرایش بدل شده باشد!

با این وجود، بنا را بر این بگذاریم که قرآن، اصول راهنمایی برای دادگستری در برداشته باشد و چون در باره قرآن است که بحث می کنیم، بنا را بر این بگذاریم که موضوع بحث ما، به طور خاص، مقوله جرائم و مجازاتها در قرآن هستند. زیرا که در ذهنیت های مدرن از بحث انگیزترین بخش های قرآن همین موضوعات جزایی اند. با این دو پیش فرض، باید پرسیم:

۱. در حالی که آیات جزایی در قرآن بسیار محدودند، در کدامیک از جامعه های آن روز، دامنه جرائم محدود به جرمهای مندرج در قرآن و مجازاتها خفیف تر از مجازاتهای مقرر در قرآن بوده اند؟ آیا در فقه یهودی و در جامعه های یهودی و مسیحی جرائم کم شمار تر و مجازاتها خفیف تر بوده اند و یا در قلمرو اسلام؟ بدون کمترین تردید، جرائم و مجازاتها در قرآن، خفیف ترینها بوده اند.

۲. در اروپائی که تحت ولایت مطلقه پاپ در می آمد و وارد دوران تفتیش عقاید می شد، جرم ها و مجازاتهای سنگین و بس وحشیانه بر هم افزوده می شدند و تا پایان قرن ۱۸ و مدت طولانی پس از وقوع رنسانس و «عصر روشنگری» و انقلاب کبیر فرانسه، اروپا گرفتار دادرسی های خودکامانه و قاضیان شرع خودکامه و مجازاتهای سبانه بود. در عصر روشنائی، مراجعه به دیگر تمدن ها از جمله به اسلام به منظور دوری جستن از این میراث خشن، بود. توجه به اصل کرامت انسان، اصالت انسان و تردید در حقیقت داشتن «گناه اولیه» و پذیرش فطرت خوب انسان و حقوق طبیعی، که در رنسانس و پس از آن در عصر روشنگری پذیرفته شدند (۳)، هیچیک مأخذی جز قرآن نمی داشتند. خوب

بود گویندگان این سخن، به خطابه معروف جیوانی پیکو دلامیراندولا (1463-1494 میلادی) با عنوان "کرامت انسان" (Oration on the Dignity of Man) که نزد تاریخ دانان دوره رنسانس به مانیفست رنسانس در غرب مشهور است، توجه می کردند. او در این خطابه معروف سخنش را با تأثیری که از کلام مسلمانان در باره اصالت انسان پذیرفته است آغاز می کند. در نیمه قرن هیژدهم در برخی از کشورهای اروپائی شکنجه ممنوع شد، اما در قرن بیستم، شکنجه و جرم عقیده و بسیاری جرائم دیگر بازگشتند و امروز، در کاخ سفید «سلول شکنجه» ایجاد می شود و آنگونه که محققان اجتماعی می گویند سیر تشدید مجازاتهای سرکوب گرایانه در نظام های غربی مدتی است در حال برگشت است!

۳. تنها عقل توجیه گر است که جرائم و مجازاتها را از "سامانه" (سیستم) (۴) ای جدا می کند که در محدوده آن مقرر شده اند. پدرم می گفت: احکام دین مجموعه ای را تشکیل می دهند که باید با هم اجرا شوند و اگر قرار باشد احکامی اجرا و احکامی اجرا نشوند، نه داد گستر که ستمگستر می شوند. بسا آن فقیهان که نه تنها مخالف اجرای حدود در زمان غیبت بوده اند، بلکه اجرای عبادت جمعی ای چون نمازجمعه را هم درست نمی دانسته اند چنین دیدگاهی داشته اند و در تشخیص و اجرای حدود، دست کم به اصل عدالت و نص قرآن (آیه های ۱۵۰ تا ۱۶۰) که پذیرفتن بعضی احکام و نپذیرفتن بعضی دیگر را ستمگری می داند و نیز به تجربه های ستمگرانه در تاریخ خلافت های اسلامی، توجه داشته اند. (۵)

در حقیقت، هرگاه اصول راهنمای قضاوت و عدالت اجتماعی لحاظ نشوند به ترتیبی که نیازهای مسبب جرم و جنایت برآورده نشوند، نیازهایی مانند نیاز به نان و مسکن، نیاز به بهداشت و آموزش و پرورش، نیاز به برابری در امکانها و فرصتها، نیاز به آزادی و استقلال واقعی، نیاز به محبت، به برادری و تفاهم، نیاز به منزلت و کرامت، نیاز به رشد و نیاز به معنویت و خشونت زدائی، هیچ سامانه جزائی عادلانه و انسانی نخواهد شد و دولتی که از دین، به اجرای حدود بسنده کند و یا به اجرای حدود تقدم ببخشد، جز توسعه استبداد و ستمگستری، نمی تواند کرد و نمی کند. و البته چنین سرنوشتی در انتظار دولتی هم هست که به اجرای سامانه جزائی مستقل از سامانه عمومی دست بزند. زیرا که سامانه جزائی تابعی از سامانه عمومی است و یکی بدون دیگری هرگز بسامان نخواهد گشت هر قدر هم افراد درگیر در سامانه جزایی خیرخواه باشند. به دلایل زیر:

۱/۳ - اگر تگویی مهمترین، در شمار مهمترین غفلتهای عقل توجیه گر غفلت از این امر است که بر محور قدرت محض، سامانه ای که قابل پیشنهاد به مردم باشد و مردم آن را بپذیرند، اصلاً اندیشدنی و پیشنهاد کردنی نیست. زیرا حق با قدرت در تضاد است و از

این رو، ابداع سامانه ای که حقوق فرد انسان و جمع انسانها و جانداران و محیط زیست را در بر گیرد، بر این محور شدنی نیست. هیچ قدرتی تن به قبول و اجرای یک سامانه را نمی دهد. زیرا عمل به حقوق و رعایت حقوق نافه موجودیت قدرت هستند. از این رو، دولتهای قدرت مدار ولو به سامانه بخاطر اخذ مشروعیت نیاز دارند، اما وقتی کارشان (=سلطه گری) را می آغازند به «جزایات» است که تقدم می بخشند. برای مثال، دین سالاران که قدرت را جانشین آزادی و استقلال، بمثابه یکی از بزرگترین انقلابهای صلح آمیز تاریخ بشریت کردند، از اولین کارهایشان یکی این بود که دادگاه های شرع برپا ساختند و نه احکام جزائی مخصوص در قرآن و اصول راهنمای قضاوت که از فقیه و یا پیش خود، فراوان جرم و مجازات ساختند و خشونت گسترند. و این البته واقعیتی است که هر ایرانی روزانه آن را خود تجربه می کند.

پیامبران خدا، موسی و عیسی و محمد (ص)، بنا بر آیه های ۱۵۰ تا ۱۶۰ سوره نساء چون با رفتار عقلهای توجیه گر سر و کار داشته اند به تجربه فهمیده بودند که ایمان به بعضی و کفر به بعضی دیگر، بکار قدرتمندارها می آید و به آنها امکان می دهد به قدرت (= زور مشروعیت بدهند و انسان حقوقمند را موجودی تکلیف مند و مطیع طبع گردان قدرت کنند. هرگاه ما ایرانیان از آیه های فوق غفلت نمی کردیم و می دانستیم که انکار سامانه و پذیرفتن بخشی و انکار بخشی دیگر، امری جدید نیست، و هشدار سخت ارزشمند قرآن را می شنیدیم و آن را آویزه گوش می کردیم، بسا ایران گرفتار فاجعه ولایت مطلقه فقیه نمی گشت.

برای این که هشدار قرآن آویزه گوش شود و در جنبش برای آزادی و حقوق بکار آید، یادآور می شوم که تا پیش از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، بر زبان آقای خمینی کلمه ای در باره «اجرای جزایات فقه» بر زبان نیامد چه رسد به اختیار فقیه در جعل جرم و مجازات. اما از زمانی که بنا بر استبداد شد، نخست «قانون قصاص» بود که تنظیم گشت و به اجرا در آمد. آقای دکتر سنجایی بهوش بود و در نوفل لوشاتو به آقای خمینی گفت: قانون مدنی را مجتهدان تراز اول نوشته اند و موافق با احکام شرع است. آقای خمینی تصدیق کرد. آقای دکتر سنجایی ادامه داد: قانون جزائی کنونی نیز مابینتی با اسلام ندارد. آیا شما بنا دارید آن را تغییر دهید؟ آقای خمینی پاسخ داد: ما بنا نداریم این قانون را تغییر بدهیم. بنا بر تغییر قوانینی داریم که مخالفت مسلم با اسلام دارند. اما در موقع برگشت از پاریس، چون بنا بر اجرای احکام قصاص و جعل انواع جرم و مجازات به قصد سلب آزادی ها شد، آقای دکتر سنجایی اعتراض کرد و رفتار آقای خمینی را «نقض عهد» دانست. ولی راستی اینست که این تنها عهدی نبود که نقض شد. ولایت جمهور مردم و بیان انقلاب عهدی بود با مردم ایران، و در برابر مردم جهان،



## گفتگوهای پنهان و صف بندیهای آشکار، خاورمیانه را در بحر آنها نگاه داشته اند

انقلاب اسلامی: خبرها و موضعگیریها را در دو قسمت از نظر خوانندگان می گذرانیم:

**گفتگوهائی که بمدت ۵ سال ادامه داشته اند و یکی از چند رشته گفتگوهای غیر علنی هستند. انواع مجاری ارتباط میان رژیم با امریکا:**

◀ بنا بر گزارش ایندپندت لندن (۱۴ آوریل ۲۰۰۸)، مشاوران سیاسی دو کشور متخاصم، ایران و ایالات متحده، در این پنج سال اخیر از طریق کانال غیررسمی روابط محرمانه داشته اند و در باره برنامه اتمی ایران و روابط دیپلماتیک و روابط عمومی تر بین دو کشور صحبت می کرده اند. یکی از شرکت کنندگان در این گفتگوها دیپلمات سابق امریکائی ۷۷ ساله، توماس پیکرینگ، توضیح می دهد که گروه مذاکره از حدود دوازده دیپلمات سابق که سازمان UN Association of the USA (انجمن امریکائی طرفدار سازمان ملل) آنها را سازماندهی کرده است و از انستیتوی بین المللی صاح استهلکلم Stockholm International Peace Research Institute، که یک مؤسسه اندیشه ساز دولتی است و ریاست آن با Rolf Ekeus، رئیس سابق بازرسی سلاح سازمان ملل در عراق بود، حمایت می شود. این گروه با متخصصین، با دانشگاهیان و مشاوران سیاسی ایرانی، در مناطق مختلف غیر از ایران و امریکا، ملاقات کرده اند. هیچیک از آنها مقام دولتی ندارند اما بعضی از ایرانیها با مقامات رسمی کشور روابط دارند. زمانی که مسئله اتمی در راس اخبار بود، «ما در باره مسائل داخلی هر دو کشورمان و درباره مسائل کلی تر که بر روابط دیپلماتیک ایالات متحده و ایران تأثیر می گذارند، صحبت می کردیم. هر طرف مقامات دولت خویش را از نتایج گفتگوها مطلع می کردند. دولت بوش ما را نا امید نکرد. این نوع روابط محرمانه تأثیر عمده ای در حل برخوردهای خیلی سخت دیپلماتیک داشته است. معمولاً زمانی این روابط به آگاهی عموم می رسند که توافقی بعمل بیاید، مثلاً در ایرلند شمالی یا موافقتنامه اسلو در مورد خاور میانه و یا به شکست بیانجامد مثل روابط محرمانه اسرائیل و سوریه.

آشکار شدن روابط محرمانه ایران و امریکا از طریق کانال غیر رسمی هم زمان شد با انتشار اخیر پیشنهادات سه نفر از اعضای امریکائی، از جمله توماس پیکرینگ، برای بیرون آمدن از بن بست روابط ایران و غرب در باره مسئله اتمی. این طرح به ایران پیشنهاد می کند که در ازای حق حساس بر غنی سازی اورانیوم در خاک خویش

## « مذاکره محرمانه »

نیز از قول روبرت ماله که مسئول پرونده خاور میانه در گروه فکری بحران بین المللی (که آقای توماس پیکرینگ، یکی از رؤسای آن است) می نویسد: « این تماس، یکی از کانالهای مختلف است که در واشنگتن درباره مسئله ایران فعال هستند. متخصصین از وجود آن آگاهی داشتند و تنها «بیست دو» حساب میشد (بزان دیپلماتیک، ترک دو، یعنی غیر رسمی بر خلاف «بیست یک یا یک و نیم» که مخفی هستند).

پیشنهادها به ایران امکان می دهد که ثابت کند فعالیتهای هسته ایش هدف صلح آمیز دارند. غنی سازی زیر نظر کنسوسیوم بین المللی قرار می گیرد. شروطی که با ایران به مذاکره گذاشته می شوند عبارتند از:

- قطع نامه سازمان ملل که اجازه توافق را بدهد و متذکر شود که اگر ایران توافق را زیر پا گذاشت، کشورهای عضو اجازه خواهند یافت عملیات تنبیهی انجام دهند.
- ایران اجازه نخواهد یافت اورانیوم با درجه بالا غنی کند، چرا که اورانیوم غنی شده تا درجه بالا مورد استفاده در ساختن سلاح هسته ای است و همچنین اجازه تولید پلوتونیم را نیز که برای همین کار است نخواهد داشت.

- ایران باید بازرسی های غیر مترقبه که در پروتوکل منع شیوع سلاحهای اتمی آمده است را بپذیرد.
- ایران باید بپذیرد که تنها نیروگاههای با آب سبک امن بسازد. وجود گفتگوهای محرمانه مداوم را سه عضو گروه امریکائی مذاکره کننده، یک ماه پیش، بهنگام انتشار پیشنهادها برای خارج کردن ایران و غرب از بن بست پرونده اتمی علنی کرده اند. این سه توماس پیکرینگ و ویلیام لورنس و جیم والش هستند.

## \* حکومت بوش گفتگوهای

محرمانه را تکذیب می کند اما

این گفتگوها یکی از چند رشته

گفتگوها هستند:

◀ لوموند (۱۵ آوریل ۲۰۰۸) این اطلاعات جدید را در اختیار می گذارد:

- در ۱۴ آوریل، کاخ سفید وجود گفتگوهای محرمانه « با ایران را، پیرامون مسئله اتمی، تکذیب کرد. روزنامه این تکذیب را اقدامی از باب مصلحت تلقی می کند. زیرا یک ماه از علنی شدن این گفتگوها می گذرد اگر خبر دروغ بود، کاخ سفید، برای تکذیب، یک ماه صبر نمی کرد.
- گروه امریکائی یکی از مجاری گفتگوهای امریکا و ایران هستند. روبرت مالی که مسئول پرونده خاورمیانه در مؤسسه اینترناشونال کرایس گروپ است، می گوید: این مجرا یکی از مجاری است که در واشنگتن، در مورد ایران، فعال هستند. کارشناسان از وجود این مجرا اطلاع داشتند.
- یک دیپلمات امریکائی که در بغداد مشغول بکار است، می گوید: در حکومت بوش، هیچکس بطور جدی در فکر حمله نظامی به ایران نیست. کرورک سفیر امریکا در بغداد و ژنرال پتروآس با این حمله مخالفند و بر این نظر هستند که اثر حمله به ایران اثرات

فاجعه بارتتری بر وضعیت عراق، در مقایسه با تخلیه پیش از هنگام عراق دارد.

## \* حکومت بوش گفتگوهای خصوصی غیر رسمی را تشویق می کند!:

◀ به گزارش آسوشیتد پرس (۱۵ آوریل)، در ۱۴ آوریل، سخنگوی وزارت خارجه امریکا، توم کیسی، گفته است: حکومت امریکا تماس ها میان امریکائیان - از جمله مقامات پیشین - و ایرانیان را تشویق می کند. اما گشودن مجرای گفتگوی محرمانه با ایران را تکذیب می کند.

او گفت: آقای پیکرینگ پیش از دیدار با ایرانیها و گفتگو با آنها، ما را از مقاصد خود آگاه کرده است و ما به او گفته ایم وزارت خارجه امریکا هیچگونه مخالفتی با دیدار با ایرانیها و گفتگو با آنها ندارد. این کار مباحث خصوصی میان افراد خصوصی است و ما خوشحالیم که انجام بگیرد و به پیش برود. اما فرق است میان این نوع گفتگوها و گفتگوهای رسمی و غیر رسمی میان مقامات دو کشور. این مجرا، مجرائی نیست برای گفتگو و گفتگویی برای رد و بدل کردن پیامها نیز نیست.

- در ۱۴ آوریل، پیکرینگ، در مصاحبه با واشنگتن پست، در پاسخ این پرسش: آیا گفتگوها اثری بر سیاستها دو طرف داشته اند یا خیر؟ پاسخ داده است: تاریخ دانان هستند که خواهند گفت آیا این گفتگوها موجب تغییر سیاستها شده اند یا خیر.
- کاخ سفید می گوید: « مجاری روشن » برای ارتباط میان دو طرف وجود دارند اما مجرائی که ایندپندت توصیف کرده است، در شمار آنها نیست.

## \* گروه مذاکره کننده، از سوی

خامنه ای هستند:

◀ وقتی مدت ۵ سال است که مذاکره می شود، یعنی این که پیش از نصب احمدی نژاد به ریاست جمهوری و در دوره خانمی مذاکره می شده است. اما:

- در دوره خاتمی، سفیر سوئیس در تهران و صادق خرازی طرحی برای گفتگوی رسمی ایران و امریکا تهیه کردند و به تصویب خامنه ای رساندند و وزارت خارجه سوئیس آن را برای وزارت خارجه امریکا فرستاد و مورد اعتنای بوش و حکومت او واقع نشد و به حکومت سوئیس نیز تشر زده شد که این طور کارها به شما چه ربط دارد؟ در انتخابات قلابی اخیر نیز، یکچند از سران حزب سیاسی مسلح (فیروز آبادی رئیس ستاد مشترک قوای مسلح و...) اصلاح طلبان را متهم کردند که طرح سازش با امریکا را تهیه و کوشیده اند « مقام معظم رهبری » را با آن موافق کنند و نباید گذاشت به مجلس راه پیدا کنند. دو سال و نیم است که دیگر خانمی رئیس جمهوری نیست. پس گروه مذاکره کننده به او و حکومت او ربطی ندارند.
- خوانندگان انقلاب اسلامی بیاد می آورند که در دوره خاتمی، نشریه این خبر را انتشار داد که گروهی در واشنگتن از سوی خامنه ای مذاکره

می کنند. از جمله آنها، شهریار روحانی است. نشانی هائی که اینک پیکرینگ بدست می دهد معلوم می کنند که گروه همان گروه است.

## \* رایس می گوید: در اجلاس وزیران خارجه کشورهای همجوار عراق، قرار دیداری با وزیر خارجه ایران ندارد:

◀ به گزارش آسوشیتد پرس (۱۷ آوریل)، کاندولزا رایس، وزیر خارجه امریکا، گفته است: قرار دیدار با وزیر خارجه امریکا، در فرصت اجلاس وزیران خارجه کشورهای همجوار عراق، گذاشته نشده است.

او گفت: در دیدار هفته آینده، در کویت، از ایران خواهد خواست به حمایت خود از گروههای شیعه عراق پایان دهد. اما این خواست را در گفتگوی مستقیم با وزیر خارجه ایران ابراز نخواهد کرد.

## صف بندیها در خاورمیانه:

زور آزمائی ایران و سوریه از یک سو و عربستان و اسرائیل و امریکا از سوی دیگر، بر سر لبنان و فلسطین و عراق:

## \* نقش عربستان در ترور مقنیه و

به گلوله بستن اتومبیل سفارت عربستان در آتن:

◀ استرانفور (۸ آوریل) اطلاعات شگفت انگیزی در باره نقش عربستان در ترور عماد مقنیه و اثر آن بر روابط ایران و عربستان و سوریه و عربستان و حزب الله و عربستان انتشار داده است. دارای این نکات:

- در ۱۲ فوریه، عماد مقنیه، در دمشق کشته شد. خبرگزاری فارس خبر داده است که اداره اطلاعات سوریه دوست دختر سوریه ای یک مقام اطلاعاتی عربستان را دستگیر کرده و در بازجویی، او اعتراف کرده است دو خودروئی که در ترور عماد مقنیه بکار رفته اند، به دستور آن مقام و توسط او خریداری شده اند.
- به ما (خبرگزاری فارس) نیز گفته شده است که سرپرستی عملیات با شخص شاهزاده بندر بن سلطان، سفیر سابق عربستان در امریکا و مقام امنیتی ارشد عربستان سرپرستی کرده است.
- ترور مقنیه بخشی از زور آزمائی ایران و عربستان در درجه اول بر سر لبنان و عراق و در درجه دوم بر سر فلسطین است. بدیهی است که این زور آزمائی با سرنگون کردن رژیم صدام توسط امریکا شروع نشده است: رقابت میان دو کشور از زمان ایجاد جمهوری اسلامی ایران در ۱۹۷۹ شروع شده است. عربستان بدین خاطر که زیارتگاه مسلمانان جهان در این کشور است و برای خود، در دنیای عرب رقیبی نمی بیند، خود را رهبر دنیای اسلام می شمارد. و ایران خود را رقیب عربستان بر سر رهبری دنیای اسلام می داند.



عربستان شیعه بودن ایران را ضعیفی برای ایران و قوتی برای خود می انگارد. متحد اصلی امریکا در منطقه نیز هست. اما ایران رژیم سعودی را دارای مذهبی وهابی می داند که اقلیت بسیار ناچیزی در کشورهای سنی مذهب است و این امر که رژیم فاسد سعودی وابسته به امریکا و مروج این مذهب است را ضعف بزرگ ترستان می داند و خود را در موقعیت رهبری دنیای اسلام تصور می کند.

• نتیجه اینست که دو جبهه بوجود آمده اند که در برابر یکدیگر، صف آرایی کرده اند: ایران و سوریه و لبنان. تا سقوط رژیم صدام، عراق مقابل ایران بود. اما اینک ایران می کوشد با تقویت موقعیت خود در عراق، این کشور را نیز وارد این جبهه کند.

در برابر، عربستان می کوشد جبهه ای در برابر این جبهه ایجاد و در لبنان، برضد حزب الله لبنان پیروزی بدست آورد. در باره لبنان و فلسطین، منافع عربستان و اسرائیل همسو هستند. ایجاد جبهه ای که اسرائیل هم در آن نقش داشته باشد، کاری است که پرنس بندر بدان مشغول است. از این رو است که ایران او را سرپرست عملیات ترور عماد مقنیه می داند.

### \* ژنرال آصف شوکت، رئیس اطلاعات ارتش سوریه در خانه خود زندانی شد. از جمله متهم است به نقش داشتن در قتل مقنیه:

◀ استرافتفور ( ۱۱ آوریل ) زندانی شدن ژنرال آصف شوکت، رئیس اطلاعات ارتش سوریه را در خانه خود، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است: • شوکت در مرکز نزاع بر سر قدرت بود و این نزاع می توانست رژیم بعث سوریه را بی ثبات کند. با برکناری و زندانی شدنش در خانه، رژیم سوریه می تواند خود را آماده مقابله با خطر حمله اسرائیل به سوریه بکند.

خبر برکناری شوکت را عبدالحمید خدام، معاون رئیس جمهوری در دوره حافظ اسد انتشار داده و در ۶ آوریل، المستقبل انتشار داده است. خدام اینک به فرانسه پناهنده شده است.

• سرتیپ حافظ مخلوف، پسر عموی بشار اسد، جانشین او شده است. همسر شوکت نیز از خانواده اسد است. بدین ازدواج است که او مورد اعتماد شد و مدارج ترقی را طی کرد. با وجود این، رقیب سرسخت او ماهر الاسد، برادر بشار اسد و رئیس گارد جمهوری است.

انقلاب اسلامی: رژیم بعث سوریه همانند رژیم صدام، رژیمی متکی به روابط شخصی و تار عنکبوتی قدرت است.

• شوکت نقش محوری را در ترور مقنیه داشته است. حزب الله لبنان نقش او را در ترور مقنیه کلیدی می داند و خواستار تحقیقات از او بمثابة مظنون اول است.

• برکناری ژنرال شوکت یک پیروزی برای بشار اسد و موجب تقویت رژیم او است و به او امکان می دهد اولاً خود را از قید ترور حریری، نخست وزیر پیشین لبنان، برهد. زیرا با شوکت همه آنهایی که مظنون به دست داشتن در آن قتل بودند، برکنار شده اند و ثانیاً فراغ بال پیدا می کند برای مقابله با تهدید اسرائیل و مقابله با جبهه عربستان - اسرائیل.

## « مذاکره محرمانه »

۲- ادامه دادن به مسلح کردن گروههای غیر قانونی عراق که مردم عراق را گرفتار ناامنی و وحشت کرده اند و سبب می شوند مردم عراق برضد ایران شوند.

هرگاه ایران انتخاب اول را بعمل آورد که انتخاب صحیحی است، امریکا روابط صلح آمیز میان عراق و ایران را مورد تشویق قرار خواهد داد. اما اگر انتخاب غلط را بعمل آورد، امریکا از منافع خود و قوای خود و عراق دفاع خواهد کرد.

و او افزوده است: عراق محل تقارب دو تهدید بزرگی شده است که در آغاز قرن جدید متوجه امریکا هستند: ایران و القاعده.

• با وجود این که بوش القاعده و ایران را در کنار یکدیگر، تهدیدی می شمارد که متوجه امریکا هستند، با ایران باب گفتگو را باز می گذارد.

و با توجه به این که ژنرال پتروآس، فرمانده قوای امریکا در عراق نیز سخنان مشابهی را بر زبان می آورد، سخنان بوش تهدیدی جدی است:

هرگاه ایران انتخاب دوم را بعمل آورد، بشدت تنبیه خواهد شد.

• با آنکه دور سوم گفتگوهای رسمی در باره عراق انجام نگرفت، اما گفتگوهای غیر رسمی در باره عراق ادامه دارند. این که در ۷ آوریل، مقتدی صدر گفت ممکن است جیش المهدی را منحل کند، حاکی از پیشرفت این گفتگوها است.

در حقیقت، سود ایران در اینست که با حکومت بوش معامله کند. زیرا از ریاست جمهوری او ۹ ماه بیشتر نمانده است و او و نیز مک کین، نامزد حزب جمهوریخواه، نیاز به موفقیت در عراق دارند.

• اما وضعیت در عراق، بدون همکاری ایران، بهبود نمی یابد. پس اگر بهبود یافته است، بدان معنی است که ایران همکاری کرده است. وقتی در پرتو تأکید حکومت بوش بر بهتر شدن وضعیت در عراق در دو انتخابی می تگریم او به ایران پیشنهاد می کند، به این نتیجه می رسیم که بوش و حکومت او می خواهند معامله نهائی را با ایران انجام دهند.

اینک باید منتظر واکنش ایران شد. هرگاه واکنش مساعدی نشان دهد، بدان معنی است که خواهان حل و فصل نهائی مسائل فی مابین است.

◀ اما لوموند ( ۱۱ آوریل ) سخنان بوش را خطاری بس شدید اللحن ارزیابی می کند و بر آنست که بوش به ایران اخطار کرده است که هرگاه انتخاب دوم ( مسلح کردن گروههای عراقی و...) را بعمل آورد، در جنگ با ایران تردید نخواهد کرد.

روزنامه خاطر نشان می کند که این بار اول نیست که بوش ایران را به

توسل به زور تهدید می کند. بعد از حادثه خلیج فارس ( نواری که به استناد آن، امریکا مدعی شد سر نشینان زورق سریع السیر ایران کشتی های جنگی عراقی را تهدید به غرق کردن، کرده بودند )، در ماه ژانویه، او ایران را تهدید به جنگ کرد و به قوای امریکا در عراق اجازه داد، برای محافظت از خود در قبال تحرکات ایران، دست به اسلحه ببرند.

سخنان ۱۰ آوریل بوش در باره ایران، دو برداشت پیدا کرده است:

◀ استرافتفور ( ۱۱ آوریل ) نخست سخنان بوش را نقل کرده است: ایران دو انتخاب پیش رو دارد:

۱- زندگی در صلح با همسایه خود و برخورداری از اقتصادی نیرومند و پیوندهای فرهنگی و مذهبی و یا

### \* حکومت مالکی از رژیم ایران عصبانی است و مشاور امنیتی مالکی می گوید: ایران و سوریه به عراق مرگ وارد می کنند:

◀ بنا بر اطلاع حاصل از عراق، حکومت مالکی، در جریان جنگ بصره، بر مدارک مهمی از مداخلات رژیم مافیاهای نظامی - مالی در عراق دست یافته است. نقش سپاه قدس در سازمان دادن به جیش المهدی و چند و چون جریان اسلحه و پول از ایران به عراق اینک بر حکومت مالکی معلوم است و رابطه این حکومت با رژیم ایران تیره گشته است.

◀ تانناک ( ۲۴ آوریل برابر ۵ اردیبهشت ) قول مشاور امنیتی مالکی نخست وزیر عراق به شرق الاوسط را این طور نقل کرده است: موفق الربیعی، مشاور امنیت ملی دولت عراق در اظهارات گستاخانه ای که روزنامه «الشرق الاوسط» به نقل از او منتشر کرده، مدعی شد ایران و سوریه «مرگ» را به عراق صادر می کنند.

ایران هم از جیش المهدی و هم از القاعده برای اجرای سیاست پیچیده خود بهره می برد و هدف این کشور آن است که یک حکومت شیعی فرقه ای پیرو آن در عراق حاکم شود و این امر هرگز به وقوع نخواهد پیوست؛ چراکه شیعیان عراق عربند و به عرب بودن خود می بالند.

انقلاب اسلامی: بحرانه در منطقه و جبهه بندیها، همراه است با سخنان تحریک آمیز احمدی نژاد از سوئی و تکذیب مسلح کردن گروههای عراق از سوی دیگر و ادامه « بن بست اتمی » و جبهه سازی و تهدید به جنگ:

## اجماعی از کشورهای عرب و اسرائیل در برابر ایران؟! - تهدید به جنگ:

انقلاب اسلامی: در قسمت اول این فصل، خبرها و نظرها در باره « پرونده اتمی ایران » و در قسمت دوم، جبهه سازی و تهدید به جنگ را می خوانید:

## آژانس می خواهد در باره جهت یابی فعالیت اتمی به تولید بمب اتمی با ایران صحبت کند - امتیاز و مجازات - ایران هرگز به سلاح اتمی دست نخواهد یافت:

### \* گفتگوهای ۶ کشور در شانگهای و نقشی که چین می خواهد در گشودن « بن بست اتمی » ایفا کند:

◀ رویتر ( ۱۶ آوریل ) گزارش کرده است که گفتگوهای دیپلماتی ۶ کشور در شانگهای، بندر بزرگ چین، در تاریخ ۱۶ آوریل، بر سر این بود که آیا می باید به ایران امتیازهای بیشتری پیشنهاد تا ایران دست از غنی سازی اورانیوم بردارد یا خیر.

چین که میزبان نمایندگان ۵ کشور دیگر بود، بر آنست که با کوشش برای پایان دادن به « بن بست اتمی ایران »، نقش اولی را ایفا کند بدون این که نقصانی در واردات نفت خود از ایران، پدید آید.

• شن دیگلی که استاد دانشگاه شانگهای است و کارشناس سیاستهای اتمی است، می گوید: با توجه به محدوده ای که حکومت چین می خواهد در آن عمل کند، مشکل می نماید که بتواند موفق شود. معادله منافع تغییر نمی کند و چین موقعیت یک ساحر را ندارد تا با سحر مشکل را حل کند.

• بین گانگ، متخصص خاورمیانه در آکادمی علوم اجتماعی چین، می گوید: چین در مقام میزبان، پیشنهادهایی را برای متقاعد کردن ایران به ۵ هیأت نمایندگی پیشنهاد خواهد کرد.

• گواو اکسیان گانگ، دیپلمات چینی که در تهران خدمت کرده است و اینک در مؤسسه علوم سیاسی است، می گوید: چین نگران آنست که در صورت توانا شدن ایران به تولید سلاح هسته ای، مسابقه تسلیحات اتمی در بگیرد. در همان حال، چین از قطع روابط کردن با ایران نیز نگران است زیرا ایران سومین تأمین کننده نیاز چین به نفت است.

### \* گفتگوهای دیپلماتی کشور و نماینده اروپا در شانگهای، به توافق میان آنها نیانجامید:

◀ رویتر ( ۱۶ آوریل ) گزارش می کند که گفتگوهای دیپلماتی ۶ کشور و نماینده اروپا، در همین روز و در شانگهای، به توافق نیانجامید:

• گفتگوها در باره پیشنهاد مجموعه جدیدی از امتیازها به ایران بود. اما پیش از آن، احمدی نژاد گفته بود: ایران در ازای امتیازها، از غنی سازی اورانیوم دست بر نخواهد داشت.

دستیار وزیر خارجه چین، هی بافتی، در باره حاصل چندین ساعت گفتگو گفت: دیپلماتها نتوانستند بر سر امتیازهای جدید که می باید به ایران پیشنهاد کنند به توافق کامل برسند. ما می توانیم بگوئیم با محتوای اصلی موافقت کنیم اما تمامی مسائل حل نشدند.

دیپلماتهای شرکت کننده در سطح مدیرکلای وزارتخانه های کشورهای خود بودند. آنها نتیجه گفتگوها را به وزرای خود گزارش خواهند کرد. وقتی طرح تهیه و به ایران پیشنهاد خواهد شد ما از این کشور خواهیم خواست پاسخ مثبت به آن بدهد.

• یک مقام کاخ سفید به رویتر گفت: پیش بینی نمی کنیم که ۶ کشور تغییرهای مهمی در امتیازاتی بدهند که در سال ۲۰۰۶ به ایران پیشنهاد شد. بسیاری از کشورهای می بندارند اگر ما امتیازهای بیشتری منظور و به ایران پیشنهاد کنیم بهتر می توانیم توضیح بدهیم چه هدفی را تعقیب می کنیم و چه می خواهیم و ایرانیها به متوقف کردن غنی سازی اورانیوم علاقه نشان خواهند داد. ما در سطح

در صفحه ۶



بهرتر کردن تاکتیک گفتگو می کنیم .  
 • اتحادیه اروپا از دهها کشور دعوت به اجتماع و تجدید ارزیابی از کار برد تکنولوژی اتمی و تولید چند جانبه سوخت اتمی کرده است . ایران تنها کشوری است که به این اجتماع دعوت نشده است .

**\* امتیازهایی که باید به ایران پیشنهاد شوند و نیز تشدید مجازاتها موضوع گفتگوهای دیپلماتها در شانگهای بوده اند:**

◀ خبرگزاری فرانسه (۱۶ آوریل) گزارش کرده است که در شانگهای ، دیپلماتهای ۶ کشور و نماینده اروپا بر سر این بحث می کردند که تنها به مجازات بسنده نکنند و امتیازهایی را هم به ایران پیشنهاد کنند تا مگر بحران فرو بخوابد . البته به مجازات ایران و تشدید آن نیز نظر دارند . سخنگوی وزارت خارجه آمریکا ، سن مک کومارک ، می گوید: در شانگهای تشدید مجازات ایران نیز موضوع گفتگو شده است . بنابر این شرکت کنندگان در گفتگو هم امتیازهایی که باید به ایران پیشنهاد شوند و هم تشدید مجازاتها پرداخته اند .  
 یک هفته بعد از این که احمدی نژاد از آماده کار کردن ۶۰۰۰ سانتریفوژ سخن گفت، نمایندگان ۶ کشور و نماینده اتحادیه اروپا در شانگهای به گفتگو نشستند . کشورهای غرب به ایران هشدار داده اند هرگاه به اجرای برنامه اتمی خود ادامه دهد، مجازاتهای سخت تری در باره اش اعمال خواهند شد .

**\* مقامات آمریکا بر این نظرند که مجازاتهایی که در باره ایران وضع و اجرا شده اند، مؤثر بوده اند - تحریم بانک مرکزی ایران!:**

◀ به گزارش رویتر (۱۷ آوریل) مقامات حکومت بوش، در مقام دفاع از روش خود در قبال فعالیتهای اتمی ایران، می گویند:  
 • مجازاتهای آمریکا بر ایران مؤثر شده اند . زیرا موجب انزوای این کشور در دنیای پول و تجارت شده اند . مجازاتها آن اندازه مؤثر نشده اند که ایران از ادامه دادن به فعالیتهای اتمی خویش باز ایستد . اما حکومت آمریکا امید وار است که مجازاتها ایران را بر آن می داند که در « محاسبات خود تجدید نظر کنند » . اینک ایران مجبور است وقت و پول بیشتری صرف کند برای انجام خریدهای خود و نقل و انتقال پول .  
 • جفری فلتن ، دستیار وزیر خارجه در امور خاورمیانه ، در کمیته امور خارجه مجلس نمایندگان گفته است : مجازاتها اثر داشته اند . و آمریکا همچنان بر اینست که مشکلی که ایران ایجاد کرده است، از راه دیپلماسی حل شود .  
 خزانه داری آمریکا فهرستی از بانکهای دولتی ایران و شرکتهایی که در کار خرید تکنولوژی اتمی و موشکی هستند ترتیب داده و معامله با آنها را بر امریکاییان ممنوع کرده است . آمریکا یک چند از شرکتهای را نیز متهم به رساندن پول به گروههای عراقی و گروه های دیگر در

**« مذاکره محرمانه »**

**\* البرادعی : پیشرفت ایران در غنی سازی اورانیوم کند و سانتریفوژها از مدل‌های قدیمی هستند :**

◀ به گزارش رویتر ( ۱۷ آوریل ) البرادعی ، مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی ، در برلین گفته است : پیشرفت ایران در غنی سازی اورانیوم کند و سانتریفوژهایی که بنازگی نصب شده اند از مدل‌های قدیمی هستند . ایران بین ۳۳۰۰ تا ۳۴۰۰ سانتریفوژ های P-1 دارد . این سانتریفوژها در سالهای ۱۹۷۰ ساخته می شدند . او همچنین اصرار می ورزد ایران غنی سازی اورانیوم را تا زمان حل و فصل مشکل از راه مذاکره با غرب، به حال تعلیق در آورد . ایرانیها سانتریفوژهایی از نوع قدیمی دارند . میزان پیشرفت کند است . زیرا با توجه به این که ۳۰۰۰ سانتریفوژ داشته اند و اینک ۳۳۰۰ تا ۳۴۰۰ سانتریفوژ دارند ، پیشرفشان سریع نیست . من همچنان از ایران می خواهم به رویه کنونی خود ادامه ندهد . زیرا ما نخست نیاز به انجام توافق داریم و این توافق پیش از آنکه ایران در غنی سازی جلوتر برود، باید انجام بگیرد .  
 اما می گوید سانتریفوژهای پیشرفته ای را مورد آزمایش قرارداده است که اورانیوم را دو تا سه بار سریع تر از سانتریفوژ های P-1 غنی می کنند .

**\* دیپلماتهایی که بر روی پرونده اتمی ایران کار می کنند، در ۳ آوریل، به رویتر گفته اند که ایران یکچند سانتریفوژ جدید در اختیار گرفته است اما هنوز بکارشان نیانداخته است .**

هنوز ایران می باید نشان بدهد که توانائی بکار انداختن همآهنگ شمار بزرگی از سانتریفوژها را برای تولید اورانیوم غنی بمیزان کافی دارد . تحلیل گران بر این نظر هستند که هدف ایران اینست که بتدریج، سانتریفوژ های P-1 را با سانتریفوژهای جدید جایگزین کند . سانتریفوژهای جدید P-2 را ایران از بازار سیاه می خرد .

**\* بانک تأمین سوخت اتمی:**

به گزارش رویتر (۱۷ آوریل):  
 • البرادعی ، بخاطر شرکت در کنفرانس ۳۲ کشور به برلین رفته است . این کنفرانس به موضوع تولید چند جانبه سوخت اتمی می پردازد . او گفت : امیدوارم تا پایان سال جاری، پیشنهادهای مشخصی در این باره ارائه کنم . او گفت آژانس نیاز به ایجاد یک بانک سوخت اتمی دارد . این بانک نیاز به سرمایه اولیه ای به مبلغ ۱۵۰ میلیون دلار دارد . از آن ، ۱۰۵ میلیون دلار در اختیار آژانس قرار گرفته است و امیدوار است که ظرف سال ، سرمایه تأمین شود .

**\* آژانس بین المللی انرژی اتمی می خواهد در باره فعالیتهای اتمی ایران در قلمرو تولید سلاح هسته ای با ایران گفتگو کند :**

◀ به گزارش رویتر ( ۱۸ آوریل )، مقام دوم آژانس بین المللی انرژی اتمی بنا دارد فعالیتهای اتمی در

راستای تولید سلاح هسته ای را نیز موضوع گفتگو با ایران کند . سازمانهای اطلاعاتی غرب بر آند که ایران فعالیتهای هسته ای محرمانه با هدف تولید سلاح هسته ای دارد .

اولی هینونن ، معاون آژانس بین المللی انرژی اتمی، در ماه فوریه ، گزارشی در باره اینگونه فعالیتهای ایران به شورای حکام آژانس داد . اما اینک آژانس در پی تحقیق در باره وجود واقعی اینگونه فعالیتهای است تا که محلی برای انکار نماند .  
 در هفته آینده تیمی به سرپرستی اولی هینونن به ایران خواهد رفت تا با مقامات ایران دیدار و در باره وجود اینگونه فعالیتهای گفتگو کند .

ایرنا گزارش می کند از قول جواد ودیعی ، معاون دبیر شورای امنیت ملی که ایران، ظرف دو روز گفتگو، کمال همکاری را با هیأتی که آژانس روانه ایران می کند، به عمل خواهد آورد . البرادعی، مدیر کل آژانس می گوید گفتگو و تحقیق در باره این فعالیتهای از اهمیت تعیین کننده ای برخوردار است . زیرا جامعه بین المللی می خواهد اطمینان پیدا کند که ایران برنامه تولید بمب اتمی در دست اجرا ندارد .

قرار بود گفتگوها هفته پیش در وین، میان البرادعی و آقا زاده انجام بگیرد اما ایران بناگهان قرار گفتگو را لغو کرد .

**\* اولمرت ، نخست وزیر اسرائیل ، : ایران هرگز یک قدرت اتمی نخواهد شد :**

◀ به گزارش خبرگزاری فرانسه (۱۷ آوریل) ، به مناسبت اظهار احمدی نژاد در روز ارتش ( ایران قوی ترین کشور روی زمین است ) ، اولمرت ، نخست وزیر اسرائیل ، به روزنامه ماریف گفته است : ایران هرگز یک قدرت اتمی نخواهد شد . من می توانم بگویم ، بنا بر معلوماتم و بر اساس آنچه می دانم و می خوانم ، کوششهای جامعه بین المللی به نتیجه خواهند رسید و ایران یک قدرت اتمی نخواهد شد . جامعه بین المللی کوششی عظیم بکار می برد در جلوگیری از مجهز شدن ایران به بمب اتمی و اسرائیل ، بدون آنکه این کوشش را رهبری کند، در آن شرکت دارد .

هفته پیش از آن، وزیر زیر بنای ملی ، بنیامین بن - الیتر، به ایران هشدار داده بود حمله ایران به اسرائیل ویرانی ایران و ملت ایران را به بار خواهد آورد . اولمرت با اشاره به این تهدید ، گفته است : بعلت کوشش جامعه بین المللی نیازی به تهدیدی از اینگونه نیست .

**\* هیأت آژانس به ایران رفت و ایران قبول همکاری کرد و جلسه ۶ کشور در باره ایران در ماه مه تشکیل خواهد شد :**

◀ در ۲۲ آوریل، آژانس بین المللی انرژی اتمی اعلام کرد که با ایران توافقی را منعقد کرده است . بنا بر آن، ایران به پرسشهای آژانس در این باره که فعالیتهای اتمی ایران بخشی به

تولید سلاح اتمی اختصاص دارد، پاسخ خواهد داد .

◀ در ۲۲ آوریل، سرگی لاورو، وزیر خارجه روسیه اظهار کرد که گفتگوهای ۶ کشور در باره برنامه اتمی ایران، در ماه مه، در لندن ، دنبال خواهند شد . بنظر او ترجیح دارد گفتگوها در ۱ و ۲ مه انجام شوند . زیرا در این تاریخ، میانجی های صلح در خاورمیانه، در این شهر ، اجتماع خواهند کرد .

**\* بوش و گوردن برون در قبال برنامه اتمی ایران موضع مشترک دارند و مک کین می گوید باید بر ایران بیشترین فشار را وارد کرد :**

◀ به گزارش آسوشیتد پرس ( ۱۷ آوریل )، بوش، رئیس جمهوری آمریکا گفته است : قائل شدن به اینکه ایران غنی سازی اورانیوم را در حد سوخت اتمی نگاه می دارد و اندازه غنی سازی را به اندازه لازم برای تولید بمب اتمی بالا نمی برد، از ساده اندیشی است . اگر ایران راست می گوید و قصدی جز تولید سوخت اتمی ندارد ، چرا برنامه اتمی محرمانه داشت ؟

او در باغ گل سرخ ، در کنفرانس خبری باتفاق گوردن برون، نخست وزیر انگلستان ، این اظهارات را بعمل آورد .

او افزود: من ایران را در رأس دولتهای غیر قابل اعتماد می دانم . اگر هم امروز فعالیتهای اتمی آنها محدود به تولید سوخت باشد، درآینده ، آن را تغییر خواهند داد .

این که بگویم عیب ندارد بگذاریم ایرانیها بر فن غنی سازی اورانیوم دست بیابند زیرا آنها قول می دهند که جز استفاده صلح آمیز از آن نمی کنند ، از ساده اندیشی است .

• براون که برای دومین بار، در مقام نخست وزیر انگلستان، به واشنگتن رفته است، از موضع بوش در قبال ایران، حمایت کرد . او گفت : من با مقامات کشورهای اروپا در باره بیشتر کردن مجازاتها بر ضد ایران ، در گفتگو هستیم . مجازاتها می باید شامل تحریم سرمایه گذاریها و خرید گاز مایع نیز بگردند . آمریکا نیز مشغول فعالیت برای به تصویب شورای امنیت رساندن مجازاتهای شدید تری بر ضد ایران است .

◀ به گزارش رویتر ( ۱۶ آوریل)، مک کین، نامزد ریاست جمهوری از حزب جمهوریخواه، گفته است : هرگاه به ریاست جمهوری انتخاب شوم، بیشترین فشار دیپلماتیک و اقتصادی را به ایران وارد خواهم کرد .

او افزوده است : مشکل است مردم آمریکا از متقاعد کرد که می باید بر ضد ایران وارد جنگ شد . اما بر این باورم که باتفاق ملت‌هایی که همان ارزشها و اصول را دارند که ما داریم ، می توانیم فشار دیپلماتیک و تجاری و مالی عظیمی را به ایران وارد کنیم .

هرگاه او تصمیم بر حمله به ایران بگیرد، او محکم ترین دلایل را می باید اقامه کند . زیرا جنگ با عراق به دلیل اشتغال رژیم عراق به تولید سلاح کشتار جمعی بود و این سلاح یافت نشد .



## جنگ با ایران نزدیک است؟! - پدید آوردن اجماع بر ضد ایران - آزمایش اسرائیل و...:

\* به خلاف ادعای بوش که بنا دارد بگذارد دیپلماسی بحران اتمی ایران را حل کند، او در تدارک جنگ با ایران است:

◀ جیم میرس Meyers ( نیوز ماکس ۱۴ آوریل ) مقاله ای انتشار داده است حاوی این اطلاعات:

• یک عضو هیات رهبری جامعه یهودیان امریکا به نیوز ماکس گفت: حمله نظامی به ایران، یکی از گزینه های موجود در روی میز نیست بلکه در حال تدارک شدن است. اسرائیل خود را برای خسارات عظیمی آماده می کند که خواهد دید. اسرائیل در حمله به ایران شرکت نمی کند اما انتظار آن را دارد که هدف حمله متقابل ایران بگردد. این منبع همچنین گفت: سفر دیکر چنی به کشورهای خاورمیانه، بقصد آماده کردن زمینه حمله به ایران بود.

• در هفته گذشته، اسرائیل دست به وسیع ترین تمرین های نظامی تاریخ خود زد و وزیر زیر بنای ملی، بنیامین بن - الیزر، به ایران اخطار کرد: « حمله ایران به اسرائیل واکنش سریع اسرائیل را ببار می آورد که ملت ایران را نابود می کند ». او پیشگویی کرد که در جنگ آینده صدها موشک بر اسرائیل خواهند بارید اما ایران از قدرت ما نیک آگاه است.

کارشناسان استراتژی غیر از موشکهای دور برد ایران، سازمانهایی که ایران می تواند از آنها بر ضد اسرائیل استفاده کند را نیز مورد توجه قرار داده اند. حماس از فلسطین و حزب الله از لبنان می توانند دست به عملیات تروریستی در اسرائیل بزنند و یا نظامی به اسرائیل بکنند.

تمرین های نظامی اخیر اسرائیل که در آنها، بکار بردن اسلحه شیمیایی بر ضد قوای اسرائیل لحاظ شد، آماده سازی پیشاپیش برای مقابله با اینگونه حمله ها بوده اند.

• دمشق اسرائیل را متهم می کند که در تدارک حمله به سوریه است. بنظر دولت سوریه، این حمله در فاصله اول مه تا آخر ژوئن، انجام خواهد شد.

نخست وزیر پیشین اسرائیل، بنیامین نتان یاهو به خبرنگاران خارجی گفته است که اسرائیل بدان نیاز دارد که خود را آماده مقابله با تهدید ایران کند. بطور خصوصی، او گفته است: من ترجیح می دهم اسرائیل دست به حمله پیشگیرانه به ایران بزند هرگاه امریکا این حمله را به عمل نیاورد.

• روزنامه ها آرتس، اطلاع می دهد که اسرائیل تکران انتقال تکنولوژی و مواد و تجهیزات اتمی به ایران از سوی کره شمالی است. انتقال تکنولوژی و مواد و تجهیزات اتمی به ایران امکان می دهد برنامه سری تولید سلاح اتمی خود را اجرا کند.

• بنا بر قول منابع اطلاعاتی، حکومت بوش، حالا دیگر، گزارش سازمانهای اطلاعاتی حاکی از این که ایران از اواخر سال ۲۰۰۳، از اجرای برنامه تولید بمب اتمی چشم پوشیده است، بی مبنی و مطرود می داند.

## « مذاکره محرمانه »

غیر نظامی را دیده اند و بالاخره ۱۰ درصد از آنها خود مجروح شده اند. در نیروی زمینی و بین تشنگاران دریایی امریکا، بیشترین درصد بیماری اضطراب پس از حادثه، با افسردگی است. سربازهای زن و اسپانولی زبانها آسیب پذیرتر از بقیه هستند. اما عامل مشترک بیماری این سربازان، شرکت مستقیم در عملیات جنگی است. بیش از ۵۰ درصد از این سربازان در صدد درمان نیستند زیرا از آن بیم دارند که برای پیدا کردن شغل، مشکل پیدا کنند. محققین مخارج درمان این بیماران برای مدت دو سال پس از بازگشت از جنگ را ۳/۸ میلیارد یورو برآورد کرده اند. یکی از نویسندگان این تحقیق می گوید اگر این بیماران درست و سریع درمان نشوند، عواقب متعددی خواهد داشت: استعمال مواد مخدر، خودکشی، مشکل زناشویی، بیکاری، عواقبی که نه برای شخص و نه برای جامعه خوب است.

## \* اسرائیل به آزمایش ضد موشک برای مقابله با موشکهای ایران پرداخته است:

◀ تلویزیون الجزیره ( ۱۵ آوریل ) خبر داده است که اسرائیل ضد موشکی را آزمایش می کند که می تواند موشکی را رد یابی و منهدم کند که بسوی اسرائیل شلیک می شود. آزمایش ضد موشک « Sparrow » یک روز بعد از آن به عمل آمد که وزیر خارجه اسرائیل در قطر گفت: ایران نماد افراطیهای خاورمیانه و تهدیدی برای تمامی منطقه است.

آزمایش ضد موشک اسرائیل بعد از آن انجام شد که یک مقام ارشد وزارت دفاع اسرائیل تأیید کرد که امریکا با اسرائیل در تکمیل سامانه ( سیستم ) ردیابی زود هنگام موشکهای دوربرد و بکار افتادن ضد موشک مأمور انهدام آن، همکاری کند. اسرائیل از امریکا تقاضا کرد این همکاری را بکند و امریکا نیز پذیرفت.

در آزمایش، ضد موشک توسط یک هواپیمای جنگی اسرائیل رها شد و مأموریتش این بود که یک موشک شهاب - ۳ از نوع پیشرفته آن را منهدم کند.

اهود باراک، وزیر دفاع اسرائیل گفت: ما باید آماده شویم و اگر نیاز افتاد وارد عمل شویم، نه این که به سخن گفتن از خطر اکتفا کنیم.

## \* سفر مشاور امنیتی بوش به اسرائیل برای گفتگو با نخست وزیر اسرائیل در باره برنامه اتمی ایران:

◀ خبرگزاری فرانسه ( ۱۵ آوریل ) خبر داده است که استفان هادلی، مشاور امنیتی رئیس جمهوری امریکا، برای گفتگو با اهود اولمرت، نخست وزیر اسرائیل، به اسرائیل سفر کرده است. یک مقام ارشد حکومت اسرائیل گفت که دیدار انجام می گیرد اما او حاضر نشد در باره موضوعاتی توضیح بدهد که موضوع گفتگو می شوند.

خبر دیدار مشاور امنیتی بوش زمانی انتشار یافت که محمد رضا آشتیانی، معاون فرماندهی ارتش ایران هشدار داد که ایران اسرائیل را از صفحه روزگار حذف خواهد کرد. سخنگوی سفارت امریکا اسرائیل گفت: هادلی با مقامات اسرائیل در باره موضوعات مورد علاقه دو کشور، از جمله ایران، گفتگو خواهد کرد. او با وزیر دفاع و مقامات ارتش اسرائیل نیز گفتگو خواهد کرد.

گفتگو ها بر سر تهیه برنامه اجتماعی برای تهیه استراتژی مشترک در قبال ایران است. این اجتماع، ظرف دو هفته آینده در واشنگتن تشکیل خواهد شد.

## \* اسرائیل امیدوار است اجماعی از کشورهای عرب برای مقابله با خطر اتمی ایران بوجود آید:

◀ رویتر ( ۱۳ آوریل ۲۰۰۸ ) از دویژ گزارش کرده است که زبیب لیونی، وزیر خارجه اسرائیل که برای اولین بار از قطر دیدن می کند، امیدوار است شانس برای بوجود آوردن اجماعی از کشورهای عرب بر ضد مقاصد اتمی ایران وجود داشته باشد. کشورهای عرب از مجوز شدن ایران به سلاح اتمی بیم دارند.

وی برای شرکت در فروم بین المللی به دهه رفته است. لیونی، در مصاحبه با الوطن، ایران را تهدیدی برای منطقه و جهان توصیف کرده و گفته است ما نمی توانیم مجوز شدن ایران به سلاح اتمی را روا بینیم.

او نظر موافق قطر نسبت به گفتگوی همه طرفهای نزاع خاورمیانه را ستود و آن را فرصتی دانست برای آنکه اسرائیل و کشورهای عرب جبهه ای بر ضد بلند پروازیهای اتمی ایران تشکیل دهند.

بازداشتن ایران از تولید سلاح هسته ای بسود اسرائیل و ملت های عرب است و گویای آنست که اسرائیل و کشورهای مسلمان منطقه با تهدید مشترکی روبرو هستند و بنا بر مقابله با آن را دارند.

قطر، همانند کشورهای دیگر منطقه خلیج فارس تکران افزایش نفوذ ایران شیعه و برنامه غنی سازی اورانیومش هست.

زیر عنوان « گفتگو و صلح » فروم دموکراسی، رشد و بازرگانی آزاد » تشکیل می شود و وزیر خارجه اسرائیل در آن سخنرانی می کند.

مقامات اسرائیل می گویند: در دهه ، او با امیر و نخست وزیر این شیخ نشین دیدار و گفتگو می کند اما روشن نیست که آیا با دیگر رهبران عرب نیز ملاقات می کند یا خیر.

## \* حادثه ای در خلیج فارس و توصیه فرمانده نیروی دریایی امریکا در خلیج فارس به فرماندهی نیروی دریایی سپاه:

◀ به گزارش رویتر ( ۱۷ آوریل، دریا سالار گاری روگد Roughhead، فرمانده نیروی دریایی امریکا در خلیج فارس، گفته است: نیروی دریایی سپاه بهتر است با کشتی های دیگر روش ارتباط گیری بهتری را

درپیش بگیرد تا که از بروز حادثه ها جلوگیری به عمل آید.

بنظر او، رفتار نیروی دریایی سپاه حرفه ای نیست و با حفظ صلح در خلیج فارس چندان سازگاری ندارد. امریکا می گوید: در ماه ژانویه قایق های نظامی ایران به سه کشتی جنگی امریکا نزدیک شدند و آنها را تهدید به منفرج شدن کردند. ایران تکذیب می کند و می گوید یک ارتباط رادیویی معمولی بوده است.

فرمانده نیروی دریایی امریکا می گوید: دوست دارم بینم نیروی دریایی سپاه، بیشترین اهمیت را به چند و چون ارتباط گیری، نه تنها با نیروی دریایی امریکا، بلکه هر کشتی دیگری، را بدهد. چنان که مقاصد و تحرکاتشان بر کشتی یا کشتی های طرف ارتباط، روشن بگردد.

تنش میان امریکا و ایران در خلیج فارس شدید است. در این ماه، حادثه دیگری روی داد: سه زورق نیروی دریایی سپاه به یک کشتی گشتی امریکا با سرعت تمام نزدیک شدند و تنها بعد از آتش گشودن به قصد اخطار متوقف شدند. سخنگوی ناوگان پنجم امریکا می گوید: کشتی جنگی نخست کوشید با این قایق ها ارتباط رادیویی برقرار کند و چون پاسخ دریافت نکرد، اخطار کرد.

باید یادآور شد که سنای امریکا سپاه پاسداران را یک سازمان تروریستی خوانده است و با توجه به این امر که خلیج فارس گذرگاه کشتی های نفت کش است ( روزانه ۱۷ میلیون بشکه )، می باید از بروز هر حادثه ای جلوگیری کرد.

انقلاب اسلامی: خبرها می گویند که یک طرف ماجرا، گردانندگان حزب سیاسی مسلح هستند:

## گردانندگان حزب

### سیاسی مسلح

۲ -

## ۱۰ - سردار دکتر محمود احمدی نژاد

از جمله سردارانی است که در جنگ تحمیلی در کنار برخی از سرداران قرار داشت. وی بعدها به لشکر ویژه سپاه که سپاه قدس نام دارد رفت و در برخی از ترورهای خارج از کشور، از جمله ترور قاسملو و فاضل رسول و قادری، در وین، دخیل شد.

او بعدها به استانداری اردبیل رسید و بعد از آن به شهرداری تهران و هم اکنون در مقام ریاست جمهوری ایران قرار گرفته است. با بر سر کار آمدن وی، دست سپاه برای ورود به کلبه ارگانها و سازمانها بازتر شد و جهت باری وی بسیاری از سپاهیان وارد مجلس و حکومت شدند.

با بر سر کار آمدن وی تقریباً کلیه افرادی که او به شهرداری تهران برده و صاحب مقام کرده بود، به مقاماتی بلند از استانداری تا وزارت و شهرداری و معاونت در بسیاری از سازمانها و ادارات رسیدند که در زیر اسامی یکچند از آنها آورده می شوند: • علی سعیدلو، معاون سابق شهردار و وزیر پیشنهادی نفت که نتوانست از مجلس رای اعتماد بگیرد، چندی است به عنوان معاون اجرایی رییس جمهور فعالیت خود را آغاز کرده است.



• مهدی هاشمی، معاون سابق امور استان‌های شهرداری تهران نیز که نتوانست برای تصدی وزارت رفاه رای مناسب کسب کند، معاون عمرانی وزیر کشور شده است.  
• محمدجواد محمدی‌زاده که معاون سابق خدمات شهری شهرداری بود به عنوان استاندار خراسان رضوی منصوب شده است  
• شیخ الاسلام رییس دفتر احمدی‌نژاد در شهرداری استاندار هرمزگان شده است.  
• اسفندیار رحیم مشایی که ریاست سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران را به عهده داشت، در مقام رییس سازمان جهاتگردی و میراث

فرهنگی کار خود را آغاز کرده است.  
• حسین علایی مسئولتشریفات ریاست جمهوری شده است. وی قبلاً مسؤولیت مدیر کلی روابط عمومی شهرداری را به عهده داشت.  
• علی‌آبادی هم که معاون عمرانی و فنی شهرداری تهران بود، به عنوان معاون رییس‌جمهور و رییس سازمان تربیت بدنی فعالیت خود را آغاز کرده است.

• داوود مددی فردی است که از شهرداری تهران که به حکومت آمده و سرپرستی وزارت رفاه را عهده‌دار شده است. وی قبلاً رییس سازمان سرمایه‌گذاری شهرداری تهران بود.

• مهرداد بذرباش، مشاور جوان سابق شهرداری تهران در مسؤولیت جدید خود یعنی مشاور رییس‌جمهور در امور جوانان و رییس گروه مشاوران جوان ریاست جمهوری به ایفای نقش می‌پردازد. به همراه وی نزدیک به ۲۰ نفر از اعضای گروه مشاوران جوان شهرداری نیز به حکومت آمده و مشاوران جوان وزرا و معاونان رییس‌جمهور شده‌اند.

• دکتر ابوالحسن فقیه، معاون مدیرکل روابط عمومی شهرداری تهران به سمت سرپرست سازمان بهزیستی منصوب شده است.

• علی‌اکبر اشعری، مدیر مؤسسه همشهری و مشاور فرهنگی شهردار تهران که وزیر پیشنهادی احمدی‌نژاد برای وزارت آموزش و پرورش نیز بود. پس از عدم توفیق در کسب رای اعتماد مجلس به عنوان رییس کتابخانه ملی معرفی شد.

• محمدعلی فتح‌اللهی، مشاور سابق شهردار نیز به عنوان معاون دفتر رییس‌جمهور انتخاب شده است.

• قربانی از مدیران شهرداری تهران به عنوان استاندار آذربایجان غربی معرفی شده است.

• جوان‌فکر از دیگر نیروهایی بود که در دوره مسؤولیت احمدی‌نژاد در شهرداری، مشاور مطبوعاتی وی بود و در دور جدید فعالیت کابینه به عنوان مشاور مطبوعاتی رییس‌جمهور شده است.

• احمد خادم‌المله از نیروهای با سابقه ایرنا و از دوستان نزدیک جوانفکر نیز که مدت کوتاهی با ستاد احمدی‌نژاد همکاری داشت، مدیر عاملی خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا) را عهده‌دار شده است.

• مسعود زریبافان علاوه بر عضویت در شورای شهر، عنوان دبیری هیات وزیران را بر عهده گرفته و نسرین سلطان‌خواه از دیگر اعضای شورای شهر جایگزین زهرا شجاعی در مرکز مشارکت امور زنان شده است.

این سردار سپاه که رییس جمهوری شده است در کنار همکاران خود در شهرداری، زندان بانان را مقام‌های مختلف به کار گرفته است. از جمله:

• صولت مرتضوی، مدیر کل امور اداری سازمان زندانها، اولین کسی بود که از این سازمان به بدنه وزارت کشور تزیق شد و استانداری استان خراسان جنوبی را بر عهده گرفت.  
• مرتضی بختیاری، رئیس سابق سازمان زندانهای کشور، که تنها چند ماهی از انتقال وی به سازمان زندانهای استان خراسان نگذشته بود به استاندار استان اصفهان منصوب شد  
• قوام نوذری از مدیر کلی دفتر فنی مهندسی سازمان زندانها به استانداری استان زنجان رسید  
• محمد رضا محسنی، مدیر کل سازمان زندانهای استان خراسان، به استانداری لرستان منصوب شد  
• عباس رهی، معاون فرهنگی این سازمان، به استانداری استان مازندران منصوب شد  
• مظفر الوندی نیز از مدیر کلی روابط عمومی سازمان زندانها به استانداری استان همدان رسید.

### ۱۱ - سردار محمد حجازی فرمانده قبلی نیروی بسیج:

سردار حجازی سالها در مسئولیت فرماندهی بسیج در کلیه سرکوب‌های خیابانی از جمله حمله به دختران و پسران و دانشجویان و کارگران و معلمان دست داشته و در این سرکوبها از همین نیروهای دشمن شناس استفاده کرده است.  
وی از جمله مخوف‌ترین فرماندهان سپاه می‌باشد که در جریان سرکوب‌های بعد از ۱۸ تیر به همراه دیگر سرداران قصد کودتا و سرنگونی خاتمی را داشتند. برای شناختن طرز فکر و رفتار او، نمونه‌هایی از سخنان او را می‌آوریم:  
«... دشمن به منظور دلسرد کردن مردم اشکالات موجود را برجسته می‌کند؛ بنابراین قبل از کسب آمادگی نظامی، دشمن‌شناسی وظیفه هر بسیجی است. ... دشمن به واسطه عقده‌هایی که نسبت به کشور و مردم ما دارد، سعی در غیرمنطقی نشان دادن نیروهای بسیجی دارد.»

البته همه این حرف‌ها به نوعی اعتراف به جایگاه بالای جمهوری اسلامی ایران و بسیج است. آنان خود می‌دانند که اگر بخواهند علیه این نظام عملی انجام دهند، با مشت پولادین و آهنین بسیج مواجه می‌شوند و تا این مانع را از سر راه خود برندارند، نمی‌توانند کاری انجام دهند.»

وی، با اشاره به گردان‌های عاشورا و الزهرا(س) گفته است: این گردان‌ها با شکل‌دادن یک سازمان گسترده برای دفاع از منافع ملی توانایی‌ای را در بین بسیجیان ایجاد کردند که امروز سپاه تصمیم گرفته از این نیروها استفاده کند و این امر مدال افتخاری برای بسیج است. البته نیروهای بسیجی که وارد سپاه می‌شوند با همه پایه و اساسی که در بسیج برای آنها فراهم شده باید در کسب توانمندی‌های بیشتر تلاش کنند. این توانمندی که یک گردان از نیروهای مردمی داوطلب شکل بگیرد در هیچ جای دنیا نیست و همین توانمندی‌ها باعث و منشاء برگرداندن شدن چشم طمع ابرقدرت‌ها از ایران شده است.»

### ۱۲ - «سردار دکتر» رحیم صفوی

## «مذاکره محرمانه»

فرمانده سابق سپاه کسی که در جریان ۱۸ تیر اعلام کرده بود که خط قرمز نظام خیابان انقلاب به پایین به سمت بیت رهبری است. موضع‌گیری که گویای طرز فکر او بود و از او ماند، تهدید به بریدن دست‌ها و قطع کردن زبانهای و زدن گردنهای مخالفین است.

وی در آخرین روزهای فرماندهی خود، زمانی که شایعه حمله آمریکا به ایران رواج داشت در جلسه‌ای محرمانه گفته بود که برخی از فرماندهان سپاه را به دلیل اینکه نمی‌خواهیم مانند لشکر گارد ریاست جمهوری عراق شویم، دستگیر کرده ایم و در پی یافتن برخی‌های دیگر هستیم که امکان همکاری با آمریکا را دارند.

این «سردار دکتر» در جریانات کردستان و ترکمن صحرا و بعد از جنگ با سیاستهای خشن مورد انتقاد برخی از سرداران بود تا زمانی که سپاه را وارد مسائل اقتصادی کرد و از قبل آن توانست بسیاری از فرماندهان سپاه را به نان و نوایی برساند. وی در ابتدای سال ۸۶ گفت: «... امسال را سال دفاع همه جانبه نام نهاده‌ایم» «فرمانده کل» سپاه با اشاره به شرایط سیاسی، امنیتی و اقتصادی منطقه، محیط امنیت جهانی را ناپایدار، سیال و نامطمئن ارزیابی کرد و گفت: «سپاه باید برای هرگونه شرایطی در چارچوب ماموریت‌های خود، آمادگی کامل داشته باشد. به این منظور امسال را سال دفاع همه جانبه نام نهاده‌ایم.»

و از سخنان او است این سخن: «... هر کس می‌خواهد سرباز امام زمان (عج) باشد ابتدا باید سرباز خوبی برای نائب ایشان باشد. بنابراین همانطور که جان خود را فدای امام(ره) می‌کردیم اکنون نیز جان خود را فدای رهبری می‌کنیم»

### ۱۳ - «سردار دکتر» محمد باقر قالیباف

از فرماندهان ابتدای اجنگ بود که به دلیل حضور پر فروع در سرکوب مردم به سرعت «مدارج ترقی» را طی کرد. امروزه، شاید مردم در او به چشم اصلاح طلب بنگرند. اما او همان کسی است که دستور سرکوب کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی را صادر کرد. در حالی که به آنان گفته بود حاضر به صحبت کردن با آنها است اما او که شهردار بود به نیروهای انتظامی دستور سرکوب آنها را داد. او همان فرماندهی است که در زمان ریاست وی بر نیروی انتظامی بسیاری از رد صلاحیت‌ها با نظر فرماندهان زیر نظر او صورت گرفته بود. در انتخابات مجلس هشتم، او با «سرداران» محسن رضایی و علی لاریجانی ائتلاف کرد و بعد از انتخابات نیز گفت: از سیاست حالم بهم می‌خورد!

شکست در انتخابات ریاست جمهوری بعد از اینکه از سوی خامنه‌ای مورد حمایت قرار گرفت و در آخرین روزها مورد بی‌مهری و سلب حمایت شد و احمدی‌نژاد را رئیس جمهوری کردند، وی را بسیار ناراحت کرد. اما انتخاب وی به شهرداری تهران به دستور خامنه‌ای تنها یکی از

کارهایی بوده که خامنه‌ای برای رفع دلخوری او انجام داده است. برای روشن شدن طرز تفکر قالیباف در اینجا نام گروه ویژه انتخاباتی وی را معرفی می‌کنیم:

۱ - ستاد انتخاباتی قالیباف:  
• «سردار سرتیپ» نقدی فرمانده سابق اطلاعات ناجا که با تمام دهها فقره قتل و تجاوز به زنان و دختران مردم مدت کوتاهی تحت تعقیب قرار گرفت و در مجلس ششم اسم او در ارتباط با همین جرائم چندبار تکرار شد.  
۲ - سردار رضایی فرمانده فعلی اطلاعات ناجا  
۳ - گردانندگان دفتر فیلترینگ سایت‌ها در دفتر قاضی مرتضوی  
۴ - محبی، از مجریان قتل‌های سیاسی که رژیم «قتلهای زنجیره‌ای» نامیدشان و بازجوی دهه ۶۰

۵ - کشاورز، بازجوی وبلاگ نویسان  
۶ - میثم، از تربیت شدگان زیر دست اسدالله لاجوردی و مجریان قتل عام ۶۷  
۷ - تیموری، بازجوی دهه ۶۰  
۸ - صادق، بازجوی دهه ۶۰  
۹ - فاضلی، بازجوی دهه ۶۰  
۱۰ - حسینی بازجوی دهه ۶۰ و از مسئولین پرونده توده ایها  
۱۱ - سید مجید، سربازجوی مخوف دهه ۶۰  
و...

### ۱۴ - سردار محمد رضا نقدی

یکی از سرداران معاود که به نام شمس رهبری معروف شده بود. وی از نیروهای قدس سپاه پاسداران بود که وارد نیروی انتظامی شد و در مسئولیت معاونت حفاظت اطلاعات این نیرو مشغول به کار بود. در این مقام، وی دست به کارهایی زد که هیچ دشمن خارجی در حق مردم خود نمی‌کند. وی مسئول دستگیری و شکنجه‌های غیر اخلاقی شهرداران تهران به دستور رزینی، قاضی جنایت‌پیشه، در زیر زمین زندان خیابان وصال بود.

و او همچنین مسئول حمله به دو وزیر حکومت خاتمی یعنی عبدالله نوری و مهاجرانی با همکاری حسین الله کرم و دارو دهنه حزب الله بود. او، در واپسین دوره تصدی این مقام، کار سرقت مسلحانه از خانه سرمایه‌داران را رهبری میکرد و تا جایی پیش رفت که به جرم دهها تجاوز و قتل به همراه برخی از مأموران اطلاعاتی و انتظامی و امنیتی دستگیر شد. ولی به دستور «رهبر فرزانه» آزاد گشت.  
بعد از آزادی، او مسؤولیت ستاد تبلیغاتی «سردار» قالیباف را در جریان انتخابات ریاست جمهوری، بر عهده گرفت. اما قالیباف بدستور خامنه‌ای مأمور به شکست خوردن شد. بعد از انتخاب احمدی‌نژاد به ریاست جمهوری از سوی او به معاونت وی در ستاد مبارزه با کالای قاچاق و ارز رسید که به دلیل مزاحمت با باند دیگری که از حمایت بیشتری برخوردار بود، از این مقام معزول شد.

### ۱۵ - «سردار» محسن رفیق‌دوست

از سرداران ارشد سپاه پاسداران و قاتلان اصلی ۴ تن از سران ترکمن صحرا است. وی بعد از آن جریان، به دلیل اینکه رییس جمهوری دستور بازداشت وی را صادر کرده بود از کشور گریخت. بعد از کودتای

خرداد ۶۰، صاحب مقام شد. زمانی به وزارت سپاه پاسداران رسید و سپس سرپرست بنیاد مستضعفان شد: رفیق دوست، به دلیل برداشت‌های غیر قانونی از سپاه به بنیاد مستضعفان فرستاده شد. در آن بنیاد نیز به دلیل در اختیار قرار دادن اموال آن بنیاد به دوستان و نزدیکان، از کار نیز برکنار شد.

برادر این «سردار» معروف سپاه در همان سالهایی که او مسئول بنیاد مستضعفان بود به دلیل اختلاس ۱۳۲ میلیارد تومان از بانک، به دادگاهی که محسنی از رییس آن بود برده شد. ولی امری باور نکردنی روی داد و آن این که شخص دیگری به جای وی اعدام شد. او به حبس ابد محکوم شد ولی در زندان به مقام مسئول خرید زندان رسید و بعدها هم آزاد شد.

### ۱۶ - «سردار» رضا سیف‌اللهی

از سرداران اولیه سپاه که با نزدیک شدن به دانشجویان پیرو خط امام وارد سفارت آمریکا شد و از آنجا کلیه اطلاعات را به سپاه می‌داد.

وی از جمله کسانی بود که در جریان کودتای سال ۶۰ در کنار محسن رضایی قرار داشت و از آن‌های فعل کودتاچیان و از مأموران سرکوب مردم معترض به کودتا و استبداد بود.

توطئه چینی‌های وی و محسن رضایی از سوی اطلاعات سپاه پاسداران با هاشمی رفسنجانی در کتاب خاطرات این «آیت الله» (عبور از بحران) مضبوط هستند.

### ۱۷ - «سردار» فرهاد نظری

سردار معروف نیروی انتظامی که در حمله به خوابگاه دانشگاه تهران دخیل بود. او یکی از سرداران سرکوبگر نظام است که در آن ماجرا، به دستور مستقیم شیخ محمد بزدی، رئیس «وقت قوه قضائیه، اجازه ورود نیروهای سرکوبگر انصار حزب الله را به خوابگاه دانشگاه داد و آن فاجعه را بیار آورد.

بعد از ایلغار خوابگاه دانشگاه، او در دادگاهی محاکمه شد و طبق معمول بدون اینکه اتهامات وارده بر وی تأیید شود آزاد گشت و تنها یک سرباز به جرم دزدیدن یک ماشین صورت تراشی محکوم به پرداخت خسارت شد!

### ۱۸ - «سردار دکتر» علی شمخانی

از سرداران ارشد سپاه پاسداران می‌باشد که در جریان جنگ فرمانده سپاه خوزستان شد و بعد به دلیل شرکت در کودتای سال ۶۰ به مقامات بالایی رسید. از جمله فرماندهی نیروی دریایی. در حکومت خاتمی نیز به عنوان وزیر دفاع مشغول به کار بود.

افراد تحت فرمان او، برای انجام کودتا، به جای شرکت در جنگ، بدون اطلاع فرمانده کل قوا، به تهران آمدند و در سرکوب مردم تهران شرکت داده شدند.

در حال حاضر، شمخانی از کسانی است که معتقد است برخی بدون اینکه به جبهه رفته باشند و با در انقلاب شرکت داشته باشند دم از اصولگرایی و انقلابی بودن می‌زنند. وی در کنار محسن رضایی و دیگر «سرداران» مؤتلف مخالف احمدی‌نژاد و حکومت او است.





۱۹ « سردار » ضیایی فر

فرمانده اطلاعات نیروی انتظامی است. او کسی است که در شهریور ماه سال پیش، اظهار کرد کشور در وضعیت بحرانی قرار دارد و این شش ماه آینده باید از کشور به خوبی مراقبت کرد تا مبادا دچار مشکل شویم

۲۰ - « سردار دکتر » محمد رئوفی نژاد

از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران که فرمانده لشکر کرمان بود و در حال حاضر از سوی احمدی نژاد به استانداری کرمان منصوب شده است. وی از جمله سردارانی بود که علیه خاتمی نامه نگاری کرده بود و در جمع دیگر سرداران وی را تهدید به کودتا و مقابله کرده بودند. وی که پاسدار است و به مقام استانداری رسیده است، در اظهاراتی بی سابقه، پیش از خطبه های نماز جمعه، گفته است:

« مردم افرادی را انتخاب کنند که در راستای دولت نهم و رویکرد اصولگرایی و رویکرد ولایتمداری باشند. یکی از صحنه های سرنوشت ساز و مهم و با اهمیت که در پیش رو داریم انتخابات هشتم مجلس شورای اسلامی است. مردم باید با حضور گسترده خود در این صحنه سرنوشت ساز و مهم که شرکت در آن از تأکیدات مقام معظم رهبری می باشد، افرادی را انتخاب کنند که مجلسی، ولایی، خدمتگزار باشد.

مردم باید افرادی را برگزینند که با مواضع قاطع در مقابل استبداد جهانی بایستند و مجلسی که تعامل جدی در راستای خدمت رسانی به میهن اسلامی دارد انتخاب کنند

لازم است به ماجرائی که در زمان فرماندهی لشکر این استاندار در کرمان روی داد، اشاره ای بشود. زیرا وی در آن زمان در فرماندهی لشکری قرار داشت که برخی از فرزندان خانواده های وابسته به آن لشکر در این قتل ها شرکت داشتند.

روزنامه انتخاب در گزارشی که از نحوه ارتکاب قتل های زنجیره ای در کرمان به چاپ رسانده در مورد شیوه قتلها نوشته است که قربانیان در آب خفه شده و به وسیله حیوانات وحشی تکه تکه شده اند. یکی از قاتلان اعتراف کرده است که یکی از قربانیان را سنگسار کرده اند.

به نوشته این روزنامه یکی از افرادی که توانسته است از جنگ قاتلان جان سالم به در برد می گوید علت اینکه او را نکشته اند این بوده که سه بار استخاره کرده اند اما هر سه بار استخاره خوش نیامده است.

با اینکه قاتلان انگیزه خود را بر خورد با فساد اعلام کرده اند روزنامه انتخاب به نقل از مقامی آگاه نوشته است که هیچ دلیلی دال بر فساد اخلاق قربانیان به دست نیامده است. ...قتل های زنجیره ای کرمان توسط نیروهای بسیج در دوران سردار رئوفی بوده است. بنا بر گزارشها، متهمان پرونده مأموران یکی از نهادهای امنیتی بوده اند و محاکمه شان به صورت غیر علنی و پشت درهای بسته انجام می گیرد.

گزارشها حاکی از این است که فرزند یکی از مقامهای استان که از او با عنوان سردار "ر، ک" یاد می شود نیز در میان متهمان است اما حاضر نشده است در دادگاه حضور یابد.

« مذاکره محرمانه »

متهمان گفت: گروه متهمان به قتل، در ششمین آدم ربایی، پسر جوانی به نام هادی را طعمه قرار دادند که پس از ربودن، وی را آزاد کردند. ما هادی را به بازجویی خواستیم تا گروه رباینده را شناسایی کنیم. در این بازجویی متوجه شدیم چند تن از ربایندهاگان همراه خود موبایل داشته اند و حدس زدیم این موبایلها متعلق به قربانیان است بنابراین بعد از استعلام از مخابرات تهران و گرفتن پرینت تماسهایی که با شماره موبایلهای مقتولان گرفته شده بود، متوجه شدیم بیش از ۲ هزار تماس تلفنی با این موبایلها انجام شده که بیشتر آنها با مرکز کنترل فرماندهی ناجا و با شخصی به نام محمد حمزه مصطفوی بوده است. بنابراین این فرد را بازداشت کردیم و او را مورد بازجویی قرار دادیم. اما محمد حمزه در جریان بازجویی هیچ اعترافی نکرد. بعدها و بعد از برکناری فرمانده نیروی انتظامی کرمان، برای ماست مالی کردن پرونده یکی از دوستان سردار رئوفی نژاد به فرماندهی نیروی انتظامی رسید. « سردار » دارای فرمانده جدید نیروی انتظامی کرمان به خیرنگاران گفته است: من با سردار رئوفی هم رزم وهم سنگر بودم و بنده ارادت خاصی به ایشان دارم. و در جریان پرونده قتلها کمال همکاری را با ایشان خواهم کرد.

...قاتلین در اعترافات خود گفته اند که خانم و آقای ملایری را به اشتباه به قتل رسانده اند. یکی از آنها گفته است: یک روز که ما به همراه چهار نفر از دوستانمان در حال گشت زنی بودیم (البته با ماشین و دستبند وسایل امکانات ستاد امر به معروف ونهی از منکر) در پارک نشاط با یک خانم و آقای برخورد کردیم که به ظاهر دوست به نظر می رسیدند و ما آنها را به جرم اینکه روابط نامشروع با هم دارند بازداشت کرده و این زوج جوان که چند روزی از جشن نامزدی آنها می گذشت بدون کوچکترین مقاومتی همراه ما آمدند این زوج جوان که فکر می کردند بعد از مراجعت به ستاد امر به معروف و روشن شدن قضیه آزاد خواهند شد نمی دانستند چه در انتظار آنها می باشد. ما آنها را همراه خود به یکی از باغات اطراف کرمان برده و دختر جوان را در حوض آب انداخته و بر روی کمرش نشسته و او را خفه کردیم و او مانند یک انسان بخت برگشته دست و پا می زد و سر پسر جوان را برای مدتی در آب تکه داشته و خفه کردیم ... سردار جورکش در یک جلسه خصوصی گفته است نیروی انتظامی و شخص بنده به دلیل نوع رفتار و عقاید در دوران خدمت در کرمان چندین بار با سپاه در مورد مسائل مختلف درگیر شدم و بنده و دوستانم همیشه با ستادهای امر به معروف و سایر ارگانهای وابسته به سپاه و خودسریهای آنها در شهر مخالف بودم و آنها سعی در حذف بنده کردند و حتی یک سری موتور سوار که در شهر اقدام به ضرب و شتم مردم و مغازه داران می کردند از طرف همین افراد اجیر شده بودند و در آخرین مورد که چندین نفر بیگانه به قتل رسیدند و بنده سعی در بر ملا کردن اصل قضیه داشتیم آنها با توجه به نفوذی که در رده های بالای نیروی انتظامی و بیوت دارند توانستند حکم امیری تبار درباره نحوه بازداشت

عزل و بازنشستگی بنده را از مقامات بالا بگیرند. ... اسم دو تن از افراد اصلی این گروه نیز از لیست خارج شده است (فرزند « سردار » کرمی از اعضای ارشد سپاه پاسداران و فرزند سلطانی از فرماندهان سپاه کرمان). حال این سردار استاندار جدید که در جنایات روی استانداران زمان شاه را سفید کرده است دستور دخالت در انتخابات را می دهد.

ادامه دارد

دولت مافیایها - جنگ ۸ ساله همچنان موضوع روز - تغییر «وزیر» و نارضائی از «انتخابات» و...:

احمدی نژاد از «انتخابات» ناراضی است و به «تعویض وزیر کشور» موفق شد:

\* احمدی نژاد از نتایج انتخابات ناراضی است و تغییر وزیر کشورش، در پی تقلب شورای نگهبان در انتخابات:

« بنا بر اطلاع واصل از تهران، احمدی نژاد از نتایج انتخابات سخت ناراضی است. علت نیز یکی شکست فزاینده بار نزدیکان او در انتخابات و دیگری اقلیت شدن جابندگان او حتی در میان « اصول » گرایان است. با توجه به نامه اعتراض احمدی نژاد به حداد عادل، مجلس دو نامزد ریاست مجلس دارد ( حداد عادل و لاریجانی ) که هر دو مخالف او هستند. دلخواه احمدی نژاد اینست که مرتضی آقا تهرانی، از شاگردهای مصباح یزدی، رئیس مجلس شود. • عدم رضایتش از نتایج انتخابات، به نزع او و پور محمدی شدت بخشید: نخست، سخنگوی او، الهام گفت: قرار بر تغییر دو وزیر، یکی وزیر کشور و دیگری وزیر دارائی و اقتصاد است. بعد، گفته شد خامنه ای تغییر وزیر کشور را تصویب نکرده است. الهام در نامه به احمدی نژاد، آمادگی خود را برای کناره گیری اظهار کرد. اما سرانجام، هم قرار بر رفتن پورمحمدی شد و هم جانشین او، معین شد. رضا جعفری، او اینک، رئیس دیوان محاسبات و از مداحان احمدی نژاد است. او کسی است که در حضور احمدی نژاد گفته است: « در سوریه در شهر تاریخی بصرای که اسم آن را بعضا ممکن است ننشیده باشید، یکی از مسلمانان به من گفت که من معتقدم اگر بنا بود بعد از پیامبر، پیامبری بیاید، آن احمدی نژاد بود! »

\* در دشتستان، شورای نگهبان بقصد تحمیل یک پاسدار به نمایندگی، انتخابات را باطل کرد و مردم دست به شورش زدند:

« در « انتخابات » دشتستان، جوان شیر کدخدا پور، از اصلاح طلبان، انتخاب شد. رقیب او، عطار زاده، از اطلاعات سپاه، شکست خورد. شورای نگهبان انتخابات را باطل کرد. مردم بشوریدند و به بانکها و مؤسسات دولتی حمله کردند.

در این منطقه که تابع استان بوشهر است، اطلاعات سپاه دست کم سه جوان را کشته است. مدعی است قصد شورش مسلحانه را داشته اند. اما حقیقت اینست که این سه تن دانشجو بوده اند و اسلحه نیز نمی داشته اند. استان بوشهر در دست سپاه است.

\* مهدوی کنی به قلابی بودن انتخابات و دروغ زنی خود اعتراف می کند:

انقلاب اسلامی: شرح زیر برای این نشریه فرستاده شده است: « شاید روانشناسان بهتر بتوانند ابعاد مختلف این نوع اقرار به دروغگویی ها را روشن کنند. ولی به روشنی گویای این واقعیت است که قدرت، این آقایان را کور کرده و اساس سیاست خود را بر دروغ قرار داده و شاید هم حالا فکر میکند عین صداقت است که آنچه گذشته است را با افتخار بیان میکند. آری نامبرده در گردهمایی علما و ائمه جماعات تهران میگوید: « من در هیچ انتخاباتی در جمهوری اسلامی (( که آن را گاهی عبادت میدانند)) شرکت نکردم به جز دور اول زمان ریاست جمهوری مقام معظم رهبری که به طور صوری با تعدادی دیگر از آقایان نامزد شدیم و بعد هم یک روز قبل از انتخابات انصراف دادم ». فاجعه بارتر اینکه در جمع این همه به اصطلاح علما و ائمه یکی نبود که بگوید آقا چرا به مردم دروغ گفتید و به دروغ خود را نامزد انتخابات کردید که آن انتخابات را مثلا طبیعی و آزاد جلوه دهید؟! حتما اگر از او چنین سئوالی شود، به راحتی میگوید مصلحتی بود و توجیه میکند. همانطور که رهبر معظمش هم بهمین شکل دروغ بعد از دروغ می فرماید. جالب اینجاست که خود در همین سخنرانی می گوید " به احمدی نژاد گفتیم ما را ابزار فرض نکنید ". باز هم آقا شما خودت خودت را ابزار کردی. مگر به طور صوری کاندیدا شدن چیزی غیر از ابزار شدن است؟ آری متأسفانه این آقایان دروغ گستر، خود و خدای خود و اطرافیانشان را ابزار قدرتی کرده اند که دانسته یا ندانسته در خدمت بیگانه قرار گرفته است و همه شان ابزار دست اجنبی واقع شده اند.



## احمدی نژاد اعتراف می کند دولت در دست مافیاهاست

انقلاب اسلامی : احمدی نژاد در قم سخنانی را بر زبان آورد که اعتراف صریح بودند بر این واقعیت که دولت در بند اختاپوش مافیاهاست. در حقیقت، رژیم مافیاهای نظامی - مالی است. از دور دوم ریاست جمهوری خاتمی، تسلط مافیاهای نظامی - مالی بر دولت را نخست نشریه انقلاب اسلامی بود که از برده بیرون انداخت. لیلاز، چکیده سخنان احمدی نژاد را باز نوشته است :

« سعید لیلاز نوشته است : « رئیس جمهوری بار دیگر تقریباً همه قوای سه گانه و دیگر نهادها را تلویحاً به همراهی با مافیای رانت خوار فاسدی منتهم کرد که نمی گذارد وزیر پیشنهادی او در مجلس رای اعتماد بیاورد، جلوی پرداخت مالیات را می گیرد، مدیران منصوب و منسوب رییس دولت را به نافرمانی فرا می خواند، شایعه می سازد، نورم می آفریند، توطئه می کند، همراه استخبارات ضربه زدن به دولت است، برای تضعیف دولت مسکن می خرد (و لابد نمی فروشد)، در انحصار سیگار دست دارد، بر گمرکات کشور که تحت نظر دولت است اختاپوس وار خیمه افکنده است و سلطان بلامنازع رسانه هاست، تحت هر شرایطی به دولت ضربه می زند، پشت سر او غیبت می کند، با دشمن کشور همکاری می کند و ... »

رییس دولت دائماً از این مافیای شکایت می کند، فقط یک کار ساده را انجام نمی دهد و آن معرفی مافیایی است که اگر مبنای سخن احمدی نژاد در قم را ملاک قرار بدهیم، مانند غده «لجام گسیخته» سرطانی همه اجزای حکومت و دولت را جز شخص رییس جمهوری در میان گرفته است. این مافیا، مثلاً به گفته احمدی نژاد ۱/۵ تریلیون تومان یعنی دو درصد از ۸۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی افزوده شده توسط بانک مرکزی در ۲/۵ سال گذشته را به بخش مسکن سرازیر کرده اما نام ندارد. »

بر این نوشته باید افزود قول خود احمدی نژاد : گفته اند نفت و بانک در اختیار ما است احمدی نژاد را بیچاره می کنیم. انقلاب اسلامی : اگر او اسم نمی برد، رجا نیوز که طرفدار او است، اسم می برد :

## قاچاق سیگار در دست محسن رضائی است و علت اصلی دستگیری زارعی عضویتش در شبکه قاچاق بوده است :

« احمدی نژاد گفته است : آقایی که هنوز هم در یکی از مراکز است و زیاد هم مصاحبه می کند و ادعاهای خیلی گنده می کنه و تحلیل های عجیب و غریب، این آقا را صدا زده و گفته تو می خواهی سیگار وارد کنی؟ گفته بله. گفته است پنج میلیارد دلار ( انقلاب اسلامی : دفتر احمدی نژاد رقم را تصحیح کرد : ۵ میلیارد تومان ) باید بدهی به فلان آقا. گفته است برای چی باید بدهم؟ گفته مگر نمی خواهی سیگار وارد کنی؟ گفته بله می خواهی وارد کنم و عوارض قانونی را می پردازم و سیگار مورد قبول بهداشت را وارد می کنم. گفته است تخیر نمی شود تا تو این پول را ندهی امکان ندارد بتوانی سیگار وارد کنی. این فرد هم نپرداخته است. رییس دخانیات آمد پیش من و گفت فلان آقا مرا صدا کرده و گفته چرا می خواهی به این فرد مجوز وارد

کردن سیگار بدهی؟ تو حق نداری به این مجوز ورود سیگار بدهی. والا با تو برخورد می کنیم. »

« رجا نیوز توضیح می دهد : شخص مورد اشاره رئیس جمهور، محسن رضائی است. وی همچنین با العقیلی، قاچاقچی بزرگ ایرانی الاصل مقیم دبی نیز زدوبند داشته و پس از آنکه شرکت دخانیات در دولت نهم، امتیاز واردات سیگارهای کنت و دانهیل را از سوی این قاچاقچی، لغو کرد، این نظامی سابق، رازنی ها و فشارهای متعددی برای بازگشت

این تصمیم ولو در کوتاه مدت انجام داد که در نهایت ناکام ماند « زارعی فرمانده نیروی انتظامی تهران بعنوان فساد جنسی و ربودن زنان و تجاوز جنسی به آنان دستگیر شده است، اما اینکه گفته می شود که این جرم پوش جرم اصلی او بوده که شرکت در شبکه قاچاق، بعنوان یکی از کارگردانان این شبکه است. در ۴ اردیبهشت، شایعه سکنه زارعی در زندان انتشار یافت. »

« در ۲ اردیبهشت، لاله افتخاری، نامزد نمایندگی در دور دوم « انتخابات » که اصول گرا است، گفته است : « با گفتن اسامی مفسدین، آن ها که پول بیت المال را پس نمی دهند. در این کشور مفسدانی وجود دارند که شهرام جزایری اتکست کوچک آنها هم نمی شود و من راه مبارزه را فقط منحصر در این نمی دانم. »

## احمدی نژاد به حداد عادل اعتراض می کند که چرا قانون اساسی را نقض کرده است :

« حداد عادل به این عذر که احمدی نژاد، بموقع قانون مصوب مجلس را امضاء و ابلاغ نکرده است، خود این کار را کرده است. احمدی نژاد، در ۳ اردیبهشت، به حداد عادل، « رئیس » مجلس نامه نوشته و به او اعتراض کرده است :

« متأسفانه بار دیگر با اقدام غیرقابل تفسیر جنابعالی و به بهانه عدم ابلاغ قوانین مجلس شورای اسلامی فرصت جدیدی برای تداوم فشار و ایراد اتهامات بی اساس به دولت توسط بدخواهان فراهم و موجب تعجب همگان شد. اینک مطابق اصل ۱۱۳ قانون اساسی موارد زیر را متذکر می گردد :

۱- طبق اصل ۱۲۳ قانون اساسی امضاء و ابلاغ قوانین از وظایف اختصاصی رییس جمهور است و رییس جمهور طبق اصل مزبور پس از ابلاغ قوانین از سوی مجلس در مورد توشیح و ابلاغ قوانین مورد نظر نیز اقدام نموده است که معاونت حقوقی رییس جمهور سوابق موضوع را برای شما ارسال کرده است. بنابراین اقدام شما در این خصوص نقض آشکار اصل ۱۲۳ قانون اساسی است.

۲- این اقدام شما مستلزم نسبت دادن استتکاف و خودداری رییس جمهور از ابلاغ قوانین است که مطابق مستندات ارائه شده به جنابعالی، نسبتی کاملاً ناروا است. کافی بود با مراجعه به سوابق و بایگانی مجلس شورای اسلامی، رونوشت ابلاغ قوانین را ملاحظه می نمودید.

اینک چند سوال مطرح است : ۱- علت تعجیل در این اقدام خلاف قانون چیست؟ فرض که مطلع شدید که قانونی از ۹ ماه قبل ابلاغ نشده است؛ آیا شایسته نبود که سه دقیقه وقت نیز برای یک مکالمه ساده تلفنی و سوال از مسؤول مربوطه در معاونت حقوقی رییس جمهور اختصاص

## « مذاکره محرمانه »

می یافت و این بدعت ناروا در روابط قانونی و حقوقی کشور پایه گذاری نمی شد. راستی این همه عجله برای چیست؟

۲- مسؤولیت افتراء (استتکاف و خودداری از اجرای قانون اساسی) به رئیس جمهور و زمینه سازی برای هجمه به او به عهده چه کسی است و چگونه باید به تخلف شما رسیدگی شود و این آسیب چگونه قابل جبران است؟

۳- بی اعتنائی به قانون اساسی و تخلف از آن به وسیله رییس مجلس قانونگذاری چگونه قابل تفسیر و توجیه است و آیا ضربه به ارکان قانونگذاری کشور محسوب نمی شود؟

انقلاب اسلامی : احمدی نژاد به حداد عادل می نویسد « بار دیگر ... » یعنی این که او دفعات دیگر هم به احمدی نژاد ضربه زده است و نزاع این دو تازه شروع نشده است .

\* دانش جعفری، « وزیر » برکنار شده : پرداختن به رقیبان و بازیچه مشتی نادان شدن، روبه ایست که احمدی نژاد در پیش گرفته و اقتصاد کشور را به این حال و روز انداخته است :

انقلاب اسلامی : کامل اظهارات دانش جعفری در سایت انقلاب اسلامی آمده است . در این جا ، چند جمله گویا از او را نقل می کنیم :

« دولت به دلایل متعدد با حوزه پیرامونی خودش دچار مساله می شد و این فضای سنگین بر کار دستگاه های مثل وزارت امور اقتصادی و دارایی سایه افکنده بود. مسائلی که هنوز هم بسیاری از آنها حل نشده است. مشکل با مجلس. مشکل با مجمع تشخیص مصلحت. مشکل با اشخاص خاص. مشکل با روزنامه ها. مشکل با نامزدهای رقیب در انتخابات قبلی ریاست جمهوری. مشکل با نامزدهای بالقوه در انتخابات دهم. و دهها مساله دیگر که قابل ذکر نیست. این مسائل هر کدام به تنهایی کافی بودند که حرکت تند و سریع و پرشتاب را از دستگاه های اجرایی بگیرند.

پیش از حمله ارتش رژیم صدام به ایران، چه کسی می گفت کسی به ایران حمله نمی کند ؟

انقلاب اسلامی : نخست قول یکی از آلهای طولانی کردن جنگ و پایان آن را در شکست بخوانید :

« سردار » غلامعلی رشید در شماره پیش این شخص معرفی شد : « سردار سرلشکر دکتر « غلامعلی رشید یکی از مرموز ترین فرماندهان سپاه از ابتدای انقلاب تا به حال و از جمله افرادی است که در سپاه به کارهای اطلاعاتی و امنیتی مشغول است . غلامعلی رشید جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و از ارشد ترین فرماندهان سپاه پاسداران است که خامنه ای اعتمادی وافر به وی دارد .

او پنجشنبه شب ( ۲۲ فروردین ) در برنامه «محرمانه» تلویزیون شرکت و دروغهایی را بهم بافته است: در ماه های منتهی به تجاوز عراق، تحولات منطقه، تحرکات صدام و مواضع قدرت های بزرگ، دست کم احتمال تعرض به ایران را مطرح می کرد. با

این حال، بنی صدر که در آن هنگام، حکم فرماندهی کل قوا را هم دریافت کرده بود، در بازدیدی از شهرهای مرزی مصاحبه کرد و گفت: جنگ علیه ایران نخواهد شد و حتی از برگزاری مانور و رزمایش هم خودداری کرد. در حالی که اگر چنین کارهایی انجام می شد، قاعدتا در بروز جنگ تحمیلی کارساز بود.

وی گفت: حتی پس از حمله ارتش یعنی صدام هم او تا بیست روز نشست شورای عالی دفاع را تشکیل نداد. اساساً تا وقتی بنی صدر بود، ما پیروزی نداشتیم و از وقتی امام او را از فرماندهی کل قوا برکنار کردند و مجلس هم رای به عدم کفایت سیاسی او داد، پیروزی های رزمندگان ما آغاز شد.

وی با بیان ناگفته هایی از امام خمینی (ره) اظهار داشت: امام با دید باز خود، حتی پیش از پیروزی انقلاب، جنگ را پیش بینی کرده و به فرزندانش مرحوم حاج آقا مصطفی گفته بودند که اگر ما بتوانیم بر شاه پیروز شویم، احتمالاً جنگی را بر ما تحمیل خواهند کرد. جانشین ستاد کل نیروهای مسلح در پاسخ به پرسش مجری برنامه درباره نامه فرمانده وقت سپاه پاسداران به هاشمی رفسنجانی گفت: این نامه را آقای رضایی نوشته و در اختیار آقای هاشمی گذاشتند و ما آن را ندیدیم.

وی در عین حال، اظهار داشت: در اواخر جنگ امام می فرمودند: «جنگ جنگ تا رفع کل فتنه» و رزمندگان می گفتند: «جنگ جنگ تا پیروزی» و آقای هاشمی هم می گفتند: « ادامه جنگ تا یک عملیات سرنوشت ساز».

ایده ایشان این بود که ما به گونه ای بجنبیم که در یک عملیات بزرگ و سرنوشت ساز پیروزی بزرگی به دست آوریم و سپس جنگ پایان یابد. گویا، خدمت امام هم این مساله را مطرح نموده و امام هم تبسم کرده بودند. البته گویا در آن مقطع، ایشان علاوه بر فرمانده سپاه، سه نامه دیگر از مسئولان سازمان برنامه و بودجه، مسئولان فرهنگی کشور و مسئولان وزارت خارجه گرفته بودند که آنها هم از نظر اقتصادی، آمادگی مردم و نیز وضعیت دیپلماسی، مطرح کرده بودند که امکان ادامه جنگ نیست.

سردار رشید ادامه داد: فرماندهان جنگ در آن مقطع به آقای هاشمی گفتند، با امکانات موجود، حتی همان پیروزی سرنوشت ساز را هم نمی توان به دست آورد. البته ما معتقد بودیم جامعه و مردم و نیز اقتصاد کشور، توان دو سه برابر کردن پشتیبانی خود از جنگ را دارد و البته در آن صورت، ما می توانستیم در شش ماه نخست بصره، شش ماه دوم کرکوک و در شش ماه سوم، حتی بغداد را در صورت موافقت مقامات کشور بگیریم. اما در آن هنگام، عراق شصت لشکر داشت و سپاه و ارتش با هم ۲۲ لشکر. با این حال، در کل جنگ، ما نود بار علیه عراق آفند کردیم و عراقی ها تنها دو بار: یکی در آغاز جنگ و دیگری در بهار سال ۶۷.

وی گفت: به هر روی، پیگیری های آقای هاشمی با گرفتن این نامه ها، باعث شد مسئولان نظام در آن مقطع به جمع بندی پذیرش قطعنامه و پایان جنگ برسند.

انقلاب اسلامی : سخنان این شخص یک اعتراف و آن پایان یافتن جنگ در شکست است و دو دروغ بزرگ :

۱- می گوید : بنی صدر می گفته است کسی به ایران حمله نمی کند و حتی حاضر نشده است اجازه دهد قوای نظامی مانور بدهند . « سردار » رشید نمی داند که دروغ پوش حقیقت است . حقیقتی که دروغ او می پوشاند اینست : یک مقامی می گفته است ارتشی ها دروغ می گویند هیچکس به ایران حمله نخواهد کرد. آیا آن کس بنی صدر بوده

است یا خمینی ؟ به یقین بنی صدر نبوده است. با این دلایل ۱/۱ - بنی صدر یک دلیل از دلایل نامزد شدن در انتخابات ریاست جمهوری را خطر حمله نظامی به ایران می شمرد : از جمله در سرمقاله انقلاب اسلامی ، زیر عنوان « رژیم بعثی و انقلاب اسلامی » ( ۱۳ آبان ۱۳۵۸ ) همان واقعیتی را ، پیشاپیش مافیاهای نظامی - مالی است. از دور دوم ریاست جمهوری خاتمی، تسلط مافیاهای نظامی - مالی بر دولت را نخست نشریه انقلاب اسلامی بود که از برده بیرون انداخت . لیلاز ، چکیده سخنان احمدی نژاد را باز نوشته است :

« سعید لیلاز نوشته است : « رئیس جمهوری بار دیگر تقریباً همه قوای سه گانه و دیگر نهادها را تلویحاً به همراهی با مافیای رانت خوار فاسدی منتهم کرد که نمی گذارد وزیر پیشنهادی او در مجلس رای اعتماد بیاورد، جلوی پرداخت مالیات را می گیرد، مدیران منصوب و منسوب رییس دولت را به نافرمانی فرا می خواند، شایعه می سازد، نورم می آفریند، توطئه می کند، همراه استخبارات ضربه زدن به دولت است، برای تضعیف دولت مسکن می خرد (و لابد نمی فروشد)، در انحصار سیگار دست دارد، بر گمرکات کشور که تحت نظر دولت است اختاپوس وار خیمه افکنده است و سلطان بلامنازع رسانه هاست، تحت هر شرایطی به دولت ضربه می زند، پشت سر او غیبت می کند، با دشمن کشور همکاری می کند و ... »

رییس دولت دائماً از این مافیای شکایت می کند، فقط یک کار ساده را انجام نمی دهد و آن معرفی مافیایی است که اگر مبنای سخن احمدی نژاد در قم را ملاک قرار بدهیم، مانند غده «لجام گسیخته» سرطانی همه اجزای حکومت و دولت را جز شخص رییس جمهوری در میان گرفته است. این مافیا، مثلاً به گفته احمدی نژاد ۱/۵ تریلیون تومان یعنی دو درصد از ۸۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی افزوده شده توسط بانک مرکزی در ۲/۵ سال گذشته را به بخش مسکن سرازیر کرده اما نام ندارد. »

بر این نوشته باید افزود قول خود احمدی نژاد : گفته اند نفت و بانک در اختیار ما است احمدی نژاد را بیچاره می کنیم. انقلاب اسلامی : اگر او اسم نمی برد، رجا نیوز که طرفدار او است، اسم می برد :

« حداد عادل به این عذر که احمدی نژاد، بموقع قانون مصوب مجلس را امضاء و ابلاغ نکرده است، خود این کار را کرده است. احمدی نژاد، در ۳ اردیبهشت، به حداد عادل، « رئیس » مجلس نامه نوشته و به او اعتراض کرده است :

« متأسفانه بار دیگر با اقدام غیرقابل تفسیر جنابعالی و به بهانه عدم ابلاغ قوانین مجلس شورای اسلامی فرصت جدیدی برای تداوم فشار و ایراد اتهامات بی اساس به دولت توسط بدخواهان فراهم و موجب تعجب همگان شد. اینک مطابق اصل ۱۱۳ قانون اساسی موارد زیر را متذکر می گردد :

۱- طبق اصل ۱۲۳ قانون اساسی امضاء و ابلاغ قوانین از وظایف اختصاصی رییس جمهور است و رییس جمهور طبق اصل مزبور پس از ابلاغ قوانین از سوی مجلس در مورد توشیح و ابلاغ قوانین مورد نظر نیز اقدام نموده است که معاونت حقوقی رییس جمهور سوابق موضوع را برای شما ارسال کرده است. بنابراین اقدام شما در این خصوص نقض آشکار اصل ۱۲۳ قانون اساسی است.

۲- این اقدام شما مستلزم نسبت دادن استتکاف و خودداری رییس جمهور از ابلاغ قوانین است که مطابق مستندات ارائه شده به جنابعالی، نسبتی کاملاً ناروا است. کافی بود با مراجعه به سوابق و بایگانی مجلس شورای اسلامی، رونوشت ابلاغ قوانین را ملاحظه می نمودید.

اینک چند سوال مطرح است : ۱- علت تعجیل در این اقدام خلاف قانون چیست؟ فرض که مطلع شدید که قانونی از ۹ ماه قبل ابلاغ نشده است؛ آیا شایسته نبود که سه دقیقه وقت نیز برای یک مکالمه ساده تلفنی و سوال از مسؤول مربوطه در معاونت حقوقی رییس جمهور اختصاص



خمینی برای گزارش تدارک عراق بقصد حمله به ایران، به خمینی نوشته است ( کتاب نامه ها، صفحه ۱۵۶):

« یک ماه پیش، همین فرماندهان را به خدمت فرستادم اطلاعات حاصله در باره توطئه امروز را به عرض رساندند. بعد، به این جانب فرمودید، به این اطلاعات پاور نمی فرمائید. و امروز، راست از آب درآمده اند و احتمال یک درگیری گسترده از مرز ترکیه تا مرز پاکستان احتمالی قوی است. در این وضعیت پرخطر، پی در پی از این جا به آنجا رفته ام تا از سوئی محیط مردمی را نسبت به دولت جمهوری اسلامی علاقمند تر سازم و از سوی دیگر وضعیت نیروهای مسلح را با دقت بررسی کنم.»

و ۳ روز بعد از این تاریخ، حمله قوای عراق از مرزهای کرمانشاه و ایلام و خوزستان به ایران آغاز شد.

۲- دروغ دوم اینست که می گوید خمینی در نجف به فرزند خود گفته است: اگر ما بتوانیم بر شاه پیروز بشویم احتمالاً جنگی را بر ما تحمیل خواهند کرد. این ادعا ساختگی است زیرا خمینی در خواب نیز نمی دید رژیم شاه برآفتد. به این دلیل که جنبش همگانی مردم شروع شده بود و او هنوز جرات اعلامیه دادن را نمی یافت. توجیهش این بود که بسا جنبش دنباله پیدا نکند و او سنگ روی یخ شود. تاریخ اولین اعلامیه او نشان می دهد، برغم مراجعه ها به او، زمانی طولانی لازم شد که او بر تردید خود غلبه کند. کسی که این احتمال را می داد گروگانگیری را « انقلاب دوم » نمی خواند و با وجود اینکه در روزهای اول بعد از سقوط شاه، رژیم صدام کس نزد او فرستاد و از رفتار خود پوزش خواست و آمادگی خود را برای همه گونه همکاری اظهار کرد، پیشنهاد آن رژیم رد نمی کرد و دست عوامل خود را برای تحریکات به امید سقوط زود رس صدام، باز نمی گذاشت. ارتش را متلاشی نمی کرد و در کنار دولت منصوب خود، دولت شخصی نمی ساخت و...

مسئولیت خمینی بسیار سنگین است و همه آنها که زمینه حمله عراق را به ایران فراهم کردند و آلت انگلستان و آمریکا و اسرائیل در طولانی شدن جنگ بمدت ۸ سال شدند، به کشور خود خیانت کرده اند.

**نظریه پردازهای خشونت و ولایت فقیه بر ضد دانشگاه: جواد آملی از « لاشه علم » و مصباح یزدی دانشگاه را اسلامی نمی داند:**

**\* جواد آملی امام جمعه قم علوم دانشگاهی را « لاشه علم » می خواند:**

◀ جواد آملی، در دیدار با ستاد برگزاری همایش «اخلاق پزشکی مبتنی بر مبانی اسلامی»، گفته است: متأسفانه این فن و علمی که امروزه در دانشگاه ها به دانشجویان تدریس می شود لاشه ای از علم است. باید با معرفی و شناخت جهان بینی الهی، دانشجویان را با پدید آورنده علوم آشنا نمود تا لاشه علم از دانشگاه ها جدا شود.

باید دانشگاه ها را اسلامی کنیم تا بتوانیم با این مشکل مبارزه کرده و علوم اسلامی را در تمام مسائل پیاده کنیم. برخی ها احساس می کنند وقتی موضوع اسلامی شدن دانشگاه ها مطرح می شود یعنی باید دانشگاه ها نمازخانه، دعای توسل و کمیل و یا جدا نمودن دختر و پسر از یکدیگر باشد که این تنها ۲۰ درصد به اسلامی شدن دانشگاه ها کمک خواهد کرد. منظور از اسلامی کردن دانشگاه ها

اسلامی کردن متون دانشگاه است که به آن توجه نشده است. اگر متون درسی دانشگاه اسلامی شد، دانشگاه ها نیز اسلامی شده و دیگر کسی به سکولار و لاشه علم روی نمی آورد.

**\* مصباح یزدی: در کلاس درس دانشگاه جز بدگویی از نظام و بعضاً بدگویی از اسلام، دانشجویان چیز دیگری یاد نمی گیرند:**

◀ در ۳۰ فروردین، مصباح یزدی گفته است: نسل آینده در معرض خطر است که نه آداب قدیمی و سنتی و نه ارزش های اسلامی بر تربیت آنها حاکم است و با این فرهنگ غربی و تلویزیون و دروس دانشگاهی تربیت شدند و در کلاس دانشجویان غیر از بدگویی به نظام و بعضاً به اسلام چیز دیگری یاد نمی گیرند. باید سعی کنیم این نسل جوان را تقویت کرده و در تربیت دینی آنها نقش داشته باشیم.

**\* طرز فکر احمدی نژاد دست پرورده امثال آملی و مصباح یزدی در باره علم، به روایت شاگرد او:**

من از دانش آموختگان دانشگاه علم و صنعت هستم و چند واحد را با آقای احمدی نژاد گذرانده ام. ایشان آن زمان یکی از اعضای کلیدی کانون بسیج اساتید بود که به همراه تعدادی دیگر از اساتید که در شورای قبلی تهران و کابینه فعلی حضور داشته اند و دارند همفکر بود.

حجت الاسلام دکتر ع.ا. از اساتید دانشکده معارف که برادرشان هم اخیراً وارد کابینه شده اند، از این حلقه فکری می باشند و اینجانب با ایشان نیز چند واحد درس معارف گذرانده ام. هدف از این مقدمه این بود که کمی با طرز فکر این گروه (براساس برداشت خودم) مواردی را به عرض شما و سایر خوانندگان برسانم و با همفکری و دانسته های سایرین بررسی بیشتری صورت پذیرد:

۱- یکی از مواردی که در کلاس معارف و توسط استاد به صورت موجد مطرح میشد این بود که تمام علوم بشری، غیبی و هرآنچه دانستی در جهان هست و تمامی قوانین بشری و الهی همه در متون اسلامی در درجه اول قرآن و پس از آن در روایات موجود است و مسلمان می بایستی با جستجو و تحقیق در این متون به پیشرفتهای علمی در تمامی زمینه های علوم شامل انسانی، صنعتی، علوم پایه و ... دست یابند. (به درستی یا نادرستی این عقیده کاری ندارم)

به عنوان مثال ایشان اظهار می کرد که مدیریت باید برآمده از مفاهیم اسلامی باشد. همینطور اقتصاد و فیزیک و فلسفه و حتی کنترل پروژه. موضوعاتی را نیز به عنوان تحقیق به دانشجویان ارائه می داد و نمراتی را برای آن در نظر می گرفت و مشخص بود که موضوعات تعریف شده از این پیش سرچشمه گرفته بود. مثلاً موضوعاتی که کمی جای شگفتی داشت و ایشان علاقمند بود که درباره آنها تحقیق شود یکی تکنولوژی به کار رفته در قالی سلیمان بود و یا تکنولوژی وسیله ای که پیامبر با آن به معراج رفت و معتقد بود که تکنولوژی قالی سلیمان به مراتب پیشرفته تر از

**« مذاکره محرمانه »**

هوایماهای امروزی بوده و اگر در این مورد تحقیق شود و چند و چون آن پیدا شود می توان وسیله ای شبیه آن ساخت که به مراتب از تکنیک هوایما جلوتر است.

۲- این تفکر از بنیان با علوم طبیعی و انسانی که حاصل زحمات دانشمندان جهان می باشد مشکل دارد و از پایه تمام این علوم را منحرف و باطل و غلط می داند و بنابراین به الزامات آن پایبندی ندارد

۳- اینکه بسیاری از کارشناسان معتقدند که سیاستهای اقتصادی دولت منجر به تورم شده و ادامه این روند اوضاع را خرابتر نیز می کند و با توجه به قوانین مالی و اقتصادی جهان نتیجه این اقدامات منجر به تورم بیشتر خواهد شد ذکر این نکته ضروری خواهد بود که اصولاً سیاستگذار مقدمه حرف شما را قبول ندارد. بنابراین نتیجه گیری شما را نیز قبول نمی کند و می گوید که تبلیغات یا امپریالیزم ... باعث گرانی شده و اعتقادی ندارد که تزریق نقدینگی نتیجه اش تورم است زیرا این نظریات اقتصاددانان غرب است.

۴- نتیجه اینکه تا این طرز فکر اصلاح نشود باید بیشتر از اینها رشد قیمتها را مشاهده کنیم.

**انفجارهای شیراز و خرمشهر و دروغ سازهایی رژیم:**

**\* انفجار شیراز و دروغ امام جمعه تهران و صدا و سیما:**

انقلاب اسلامی: سایت این نشریه گزارش کوتاهی در باره انفجار در حسینیه ای در شیراز انتشار داد. در آن، خبر رسمی انفجار و علت آن تکذیب شد. بعد از آن، رسانه های درون کشور، این خبرها را انتشار داده اند:

◀ بنا بر اعلامیه دبیرخانه شورای امنیت کشور: علت اصلی حادثه دلخراش انفجار روز شنبه در محل حسینیه سیدالشهدای شیراز، انفجار ناشی از وجود برخی اقلام جنگی در نمایشگاه یادمان شهدا در محل حسینیه سیدالشهدا اعلام شده است.

◀ به گزارش شهاب نیوز پایگاه اینترنتی «ایلاف» که ظاهراً توسط تعدادی از شیوخ عربستان مورد حمایت قرار می گیرد اعلام کرد که یک گروه تروریستی وهابی مسئولیت بمب گذاری در کانون رهبویان شیراز را بر عهده گرفته است.

◀ در ۲۶ فروردین، دو روز بعد از انفجار، فرماندار شیراز گفته است: به گزارش یک سایت خبری و به گفته یک منبع مطلع از ماه ها پیش هشدارهای متعددی از سوی گروهک منافقین و فرقه بهائیت علیه پایگاه رهبویان شیراز و بالاخص حجت الاسلام انجوی نژاد داده شده بود و بارها این گروهک ها در تماس های مکرر این پایگاه بر طرفدار در شهر شیراز را تهدید کرده بودند. این منبع مطلع افزوده است که شخص حجت الاسلام انجوی نژاد نیز در لیست ترور منافقین بوده است.

از سوی دیگر به دلیل آن که حسینیه رهبویان و شخص انجوی نژاد به کرات علیه فرقه بهائیت سخن گفته، این پایگاه از سوی بهائیت به عنوان دشمن نخست خود معرفی شده و بارها برای مسئولان آن پیام های تهدیدآمیز ارسال کرده اند.

◀ سخنرانی انجوی نژاد مسئول کانون رهبویان وصال شیراز در باره این انفجار گفته است:

• خطبه نماز جمعه دیروز شیراز رو شما نگاه کنید و با خطبه نماز جمعه دیروز تهران مقایسه کنید. در شیراز با اینکه آقای حائری کامل در جریان ریز ماجرا هست حرف نمی زند بعد تو تهران خیلی راحت اظهار نظر می کنند که آقا نموم شد رفت سهل الانکاری بوده!!!!

• ببینید اون غرفه کذابی که میگن، سالمه الان افتاده تو حسینیه و بلافاصله بعد از انفجار، ما عقل داشتیم و از همه چیز عکس گرفتیم. چهار چوب بالای غرفه سالمه بنابراین از داخل این غرفه چیزی منفجر نشده. حالا پنج هزار تا کارشناس از دویت هزار تایی جهان بیان بکن که نبوده. اما عقل مارو که نمی توندند بایکوت کنند. بنابراین از داخل چیزی منفجر شده است. غرفه ای که پایه های پایینیش داغون شده و چهار چوب بالای اون سالمه و فقط شیشه هاش از بین رفته و حتی رنگش هم نرفته است. پس از داخل این غرفه چیزی منفجر نشده و خودشون هم بهش رسیدند. پس مساله انفجار از درون غرفه واحد شهداء منتفی است. بنابراین یک چیزی از بیرون اون غرفه بوده است.

• من متأسفم و واقعا متأسفم و خیلی متأسفم از اینکه وقتی یک نفر در ورزشگاهی ترفه می اندازد و سربازی کور می شود صد اوسیم ساعتها بهش می پردازد اما برای صدا و سیما مرکز متأسفم که از حماسه شما تنها دو تا دوازده ثانیه رو برای تشیع جنازه بخش کردند و اگر خدایی تکرده کسی قصد اهمال دارد ما از خداوند تبارک و تعالی می خواهیم و دعا می کنیم که هدایتش کند و ارزش خون این شهداء و دویت مجروح که برای آقایون اینقدر ارزش نداشت که حتی اجازه ندادند که تمام شبکه ها اعلام کنند و واقعا برای صدا و سیما خودمان متأسفم که اینگونه این قضیه رو بایکوت کرد

انقلاب اسلامی: بدین سان، مسئول حسینیه سخنان مقامات رژیم را تکذیب می کند. به سخن دیگر، انفجار عمدی بوده و نه حاصل سهل انگاری

**\* انفجار شدیدی که خرمشهر را به لرزه در آورد و داستان مین های جمع آوری نشده !!:**

◀ به گزارش تابناک ( ۲۶ فروردین ) : دقایقی پیش، انفجاری شدید خرمشهر را به لرزه درآورد. نزدیک ساعت ۹:۴۳ انفجار شدیدی خرمشهر را به لرزه درآورد. شدت انفجار به اندازه ای بود که در و پنجره های اماکن مسکونی و تجاری را به شدت لرزاند. به نظر می رسد منشأ این انفجار همچون گذشته مین های خنثی نشده باشد که تاکنون منجر به کشته شدن تعدادی از هموطنانمان شده است.

انقلاب اسلامی: اگر مین های منفجر نشده در شهر خرمشهر هنوز وجود دارند یعنی مستبدان حاکم مظهر کامل بی کفایتی و فساد هستند و کمتر اعتنائی به انسان ها و حیات آنها ندارند. اما چگونه ممکن است انفجار مین شهری را به لرزه در آورد؟ در باره این انفجار نیز رژیم به مردم دروغ می گوید.

انقلاب اسلامی: تورم عنان گسیخته است و احمدی نژاد می گوید عامل آن مافیایا هستند. اما مافیاهای نظامی - مالی او را ریاست جمهوری بخشیده اند و عامل اول تورم سیاست مالی و اعتباراتی دولت مافیایا است:

**عنان گسیخته ها: واردات، نقدینگی، تورم، نقدینه و...**

**\* حجم نقدینگی به ۱۵۵ هزار میلیارد تومان رسید:**

◀ در ۱ اردیبهشت اعتماد گزارش کرده است: حجم نقدینگی کشور در پایان اسفندماه سال گذشته به ۱۵۵ هزار میلیارد تومان رسید. یک منبع آگاه در این باره به خبرنگار «اعتماد» گفت: رسیدن نقدینگی به ۱۵۵ هزار میلیارد تومان در اسفندماه ۸۶ حاکی از آن است که این رقم در مقایسه با اسفند سال ۸۵ حدود ۲۱ درصد افزایش داشته است.

**\* به گزارش صندوق بین المللی پول: در تورم، ایران مقام اول را در منطقه و مقام پنجم را در جهان دارد:**

◀ بنا بر گزارش صندوق بین المللی پول، آنهم بر پایه آماری که رژیم در اختیارش می گذارد، نرخ تورم ایران در سال جاری بالاترین میزان در میان ۱۴ کشور منطقه خاورمیانه و پنجمین نرخ تورم بالا در میان ۱۸۳ کشور جهان خواهد بود.

نرخ تورم ایران در سال جاری به ۲۰/۷ درصد خواهد رسید که بالاترین میزان در خاورمیانه و پنجمین نرخ تورم بالا در میان کشورهای مورد ارزیابی قرار گرفته جهان (۱۸۳ کشور) خواهد بود.

**\* بانک جهانی دیگر به ایران وام نمی دهد. ایتالیا به اجماع اروپائیان بر سر مجازات ایران می پیوندد و ژاپن پول ایران را توقیف می کند:**

◀ در ۲۷ فروردین، اعتماد خبر داده است که بانک جهانی در یک اقدام تازه به طور رسمی اعلام کرد از پرداخت هر نوع وام جدید به ایران خودداری می کند.

◀ در ۲۲ آوریل، آسوشیتد پرس از رم گزارش کرده است: ایتالیا نیز به اجماع اتحادیه اروپا بر سر مجازات ایران بخاطر برنامه اتمیش می پیوندد. این حکومت هفته پیش مخالف بود اما دارد نظر خود را تغییر می دهد.

◀ در ۲۲ آوریل، ژاپن اعلام کرد که برابر قطعنامه سازمان ملل، مؤسسات پولی و بازرگانی ایران را که در اجرای برنامه اتمی ایران نقش دارند، از کار بازداشته و دارائیهایشان را توقیف کرده است. ۱۲ مؤسسه و ۱۳ شخص مشمول این مجازات شده اند.

◀ در ۲۳ آوریل، خبرگزاری فرانسه خبر می دهد که سوئیس نیز ۱۲ مؤسسه ایران را ممنوع معامله کرد.

در صفحه ۱۲



**\* در بخش نفت نیاز به ۵۰۰ میلیارد دلار سرمایه گذاری تا سال ۱۴۰۳ است حال آنکه رژیم در ۱۷ سال گذشته، تنها ۴/۵ میلیارد دلار سرمایه جذب کرده است!**

◀ به گزارش ایسا (۲۹ فروردین ۸۷) ، غلامحسین نوذری، « وزیر » نفت گفته است: کشور نیاز به ۵۰۰ میلیارد دلار برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های نفت، گاز و پتروشیمی تا سال ۱۴۰۳ دارد و تأسیس بانک تخصصی توسعه نفت بسیار ضرور است. تا سال ۱۴۰۳ میزان سرمایه‌گذاری باید حداقل ۷۰ درصد سرمایه‌گذاری صنعت نفت نسبت به رقم کنونی باشد، این در حالی است که ایران طی ۱۷ سال تا سال ۲۰۰۶ موفق به جذب ۴/۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری شده است. در واقع شاید بتوان گفت با توجه به لزوم تسریع در اجرای پروژه‌های صنعت نفت برای جدی‌تر شدن حضور ایران در بازار جهانی شاید تشکیل بانک تخصصی برای توسعه این صنعت آخرین راهکار ایران برای توسعه اقتصاد وابسته به نفت خود باشد. هرچند بانک داخلی صنعت و معدن نیز از سرمایه‌گذاری در اجرای پروژه فازهای ۱۵ و ۱۶ سر باز زده است.

انقلاب اسلامی: بنا بر قول « وزیر » سالانه ۳۱ میلیارد دلار می‌باید در نفت و گاز سرمایه‌گذاری شود. با وجود رسیدن بهای هر بشکه نفت به ۱۱۷ دلار، رژیم نه در سال گذشته و نه در سال جاری توان این اندازه سرمایه‌گذاری را ندارد. زیرا هزینه‌های دولت تمام در آمد نفت را می‌بلعد و باز هم کافی نیست. در سال ۸۶، بنا بر عملکرد بودجه سال ۸۶، بودجه دولت ۷ هزار میلیارد تومان کسری داشته است.

◀ در ۲۹ فروردین، به گزارش خبرنگار اقتصادی آفتاب، در ده ماهه نخست سال گذشته درآمدهای دولت مشتمل بر درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدها معادل ۲۲ هزار و ۹۷۶ میلیارد تومان شد که با احتساب ۳۴ هزار و ۱۸۸ میلیارد تومان پرداخت‌های هزینه‌ای و ۴۵۰ میلیارد تومان خزانه معین استانها، کسری تراز عملیاتی دولت در این مدت معادل ۱۱ هزار و ۶۶۶ میلیارد تومان شده است.

بنابراین گزارش، در همین مدت عایدی دولت از محل واگذاری دارائیهای سرمایه‌ای ۱۵ هزار و ۹۸۳ میلیارد تومان که با احتساب ۱۱ هزار و ۳۲۳ میلیارد تومان تملک دارائیهای سرمایه‌ای (هزینه‌های عمرانی)، خالص واگذاری دارائیهای سرمایه‌ای دولت در ده ماهه نخست سال ۸۶ معادل ۴ هزار و ۶۶۰ میلیارد تومان شده است. این گزارش حاکیست با در نظر گرفتن تراز عملیاتی و خالص واگذاری دارائیهای سرمایه‌ای دولت در مدت مذکور تراز عملیاتی و سرمایه‌ای (کسری بودجه) دولت بالغ بر ۷ هزار میلیارد تومان شده است.

**\* مصرف‌گندم و دیگر غلات در جهان بالا می‌رود و تولید آنها کاهش می‌یابد و قیمت‌هایشان افزایش می‌یابد و در ایران، واردات گندم و برنج، تولید داخلی و خودکفائی را تهدید می‌کند:**

## « مذاکره محرمانه »

### سلول شکنجه و از پاپ تا پاپ - کارگران و دانشجویان قربانیان تجاوز به حقوق انسان:

**\* وجود تیم شکنجه در کاخ سفید از پرده بیرون افتاد و پاپ بنه دیکت ۱۶ به امریکا رفت و کلمه ای در اعتراض به جنگ، به شکنجه و... بر زبان نیاورد:**

◀ به گزارش لوموند (۱۱ آوریل): طبق تحقیقی که ۹ آوریل از شبکه تلویزیون ABC پخش شد، در بهار ۲۰۰۲، بلافاصله بعد از اولین دستگیریهای افراد ال قاعده، یک تیم برای تعیین روشهای بازپرسی، در کاخ سفید، تشکیل شد. سه خبرنگاری که این تحقیق را انجام داده اند، از قول مقامات عالی رتبه که نخواهند در علن شهادت بدهند، می‌گویند: تیم تحت مسئولیت کندولیزا رایس که در آن زمان، مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور بوش بود، قرار داشته است. دیکت چنی و چهار نفر دیگر که امروز دیگر در پست خویش نیستند عضو این تیم بودند: دونالد رمسفیلد، وزیر دفاع، کالین پاول، وزیر امور خارجه، جون آشکرفت، وزیر دادگستری، و جورج تنت، رئیس سیا. این شش مقام که واشنگتن پست آنها را « مشاوران شکنجه در کاخ سفید» نامیده، در جلسات مخفی، در حد جزئیات استفاده از « تاکتیکهای بازپرسی های سخت» پیش رفته اند. این اعضا بازپرسها را « سازماندهی ذهنی» کرده و شکنجه های مختلفی را اجازه داده اند: کتک، بی‌خوابی، غرق کردن مصنوعی،

و روبروت باری در ۲۱ آوریل، مقاله ای در باره سفر پاپ بندیکت انتشار داده و در آن، از او پرسیده است: چون است که با وجود فاش شدن وجود تیم شکنجه در کاخ سفید، به آن اشاره نیز نکردید؟ از اعدام ها و جنگ چراسختی نگفتید؟

انقلاب اسلامی: طرفه این که این پاپ از قول الخوری نیز جعل کرد تا اسلام را دین خشونت گستری بخواند. و در همان، بخلاف پاپ ژان پل دوم - که مورد غضب بوش بود و نامه او نیز وقتی نهاد - این پاپ مورد استقبال رسمی و گرم قرار گرفت. بیهوده نیست که می‌گویند او روش حمایت از « جنگ تمدن ها » ( مسیحیان با مسلمان ) و تجدید جنگهای صلیبی را درپیش گرفته است.

### \* تجاوزها به حقوق ابتدائی کارگران:

◀ در ۲۰ فروردین ۸۷، سعید تریان (سختگوی سندیکا) و محمد ابراهیم نوروزی گوهری از اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، صبح امروز پس از حضور در پلیس امنیت عمومی تهران و ادای برخی توضیحات به دادسرای انقلاب منتقل شدند.

◀ ۲۵ فروردین ۸۷، ششمین روز اعتصاب گسترده کارگران نیشکر هفت تپه شوش بود. در اعتصاب امروز کارگران بخش تولید و تمامی بخشهای وابسته به آن، بخش کشاورزی و کارگران نی بر شرکت دارند. اعتصاب

امروز به صورت یکپارچه و گسترده می‌باشد. کارگران در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق معوقه اسفند ماه و بازائشهای سال گذشته دست به اعتصاب زدند. ◀ در ۲۵ فروردین ۸۷، پس از یک روز اعتراض خیابانی کارگران لاستیک البرز و مسدود کردن جاده تهران-اسلامشهر، پلیس ضد شورش برای ورود آسان به کارخانه، دیوارها و ساختمان نگهبانی کارخانه را تخریب کرد و پس از حمله و بازداشت کارگران معترض، برای پنهان ساختن این حرکت خشونت آمیز در عرض چند ساعت با کمک ماموران شهرداری دوباره دیوارهای تخریب شده را ساخت.

◀ در ۲۶ فروردین ۸۷، ۶ مامور آتش‌نشانی به جرم اقدام حمایتی از کارگران لاستیک البرز و خودداری از ریختن آب جوش بر سر کارگران در بازداشتگاه بسر می‌برند. ◀ در ۲۶ فروردین ۸۷، ۱۴۰ کارگر کارخانه لاستیک البرز بیش از ۴۸ ساعت بود که در پاسگاه احمدآباد مستوفی در بازداشت پلیس بسر می‌بردند. در ۲۸ فروردین، غیر از یک تن، بقیه کارگران آزاد شدند. ◀ در ۲۴ فروردین ۸۷، بیش از هزار کارگر قراردادی در شهرستان بروجرد با پایان قرارداد کاری به بهانه افزایش دستمزد از کار بر کنار شدند.

◀ در ۲۴ فروردین ۸۷ کارگران کارخانه آرد سقز با اتمام قرارداد کاری خود در سال جدید اخراج شدند. این کارگران طبق روال هر سال به بهانه افزایش دستمزد و اتمام قرارداد کاری از کار بر کنار می‌شوند تا نیروی کار جدید با مطالبات کمتر و غیر قانونی مجدداً بکار گرفته شوند. اخراج کارگران قراردادی در شهرستان سقز محدود به کارخانه آرد نبوده و در بسیاری از واحدهای تولیدی صنعتی با شدت در حال انجام است.

◀ در ۲۵ فروردین ۸۷، مدیریت شرکت پیمانکاری خدماتی «ظاهر نیرو» در قزوین با ممانعت از پرداخت حقوق کارگران، بیش از هزار کارگر قراردادی خود را اخراج کرد. «عبد علی کریمی» فعال کارگری در قزوین به دسترنج گفت: این تعداد از کارگران اخراجی که روزانه مجبور به انجام بیش از ۱۰ تا ساعت ۱۲ کار بودند در پایان هر ماه حداقل حقوق قانونی را در یافت میکردند.

◀ در ۲۵ فروردین ۸۷، بیش از ۷۰۰ کارگر قراردادی در استان خراسان جنوبی با اعلام نرخ دستمزد و اتمام قرارداد کاری اخراج شدند.

◀ در ۲۵ فروردین ۸۷، بیش از ۳۰۰ کارگر قراردادی شاغل در واحدهای تولیدی صنعتی اراک با اتمام قرارداد کاری و عدم تمدید قرارداد از سوی کارفرمایان اخراج شدند.

◀ در ۲۶ فروردین ۸۷، رجبعلی شهبواری، رئیس اتحادیه کارگران پیمانی و قراردادی کیشور، گفته است: از ۵۰ هزار کارگر قراردادی در سراسر کشور در روزهای آغازین سال ۸۷ شغل خود را از دست دادند.

### \* تجاوزها به حقوق انسانی دانشجویان:

◀ در ۲۲ فروردین ۸۷، دانشجویان به «یجاد بلوا و آشوب» در دانشگاه شیراز متهم شده اند:

۱) عباس رحمتی، مهندسی مواد  
۲) هادی عسگری، دکترای دامپزشکی  
۳) لقمان قدیری، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی  
۴) اسماعیل جلیل وند، کارشناس علوم سیاسی  
۵) کاظم رضایی، مهندس مکانیک

۶) محسن گوهری نیا، دکترای دامپزشکی  
۷) سعید کوشکی، کارشناسی فیزیک  
۸) عبدالله داوودبان، کارشناسی حقوق  
۹) محسن زرین کمر، دکترای دامپزشکی  
۱۰) آحسان هاشمی، علوم تربیتی  
۱۱) هادی الم لی، مهندسی شیمی  
۱۲) سعید خسرو آبادی، کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی  
۱۳) اکبر حسن پور، مهندسی مکانیک  
۱۴) رحیم سلیمانی، دکترای دامپزشکی  
۱۵) امین درستی، مهندسی مکانیک  
۱۶) سجاد فتاحی، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی  
۱۷) سعید خلغتری، مهندسی مواد  
۱۸) سعید آشنایی، مهندسی کشاورزی  
۱۹) سعید لطفی، کارشناسی حقوق  
۲۰) محتبی شیخیان، مهندسی مکانیک  
۲۱) رضا فولادی فر، کارشناسی علوم سیاسی

۲۲) یونس میر حسینی، کارشناسی حقوق  
۲۳) محمد رضا دهقان، مهندسی شیمی  
۲۴) هاشم حسین پور، کارشناسی روانشناسی  
۲۵) نسیم دالوند، کارشناسی جامعه‌شناسی  
۲۶) ندا ضعیفی، کارشناسی جامعه‌شناسی  
۲۷) ناهید افراسیابی، کارشناسی فقه و حقوق  
۲۸) سحر یزدانی پور، کارشناسی کتابداری  
۲۹) علی شیدایی، محبتی‌پخشنده  
۳۰) محبتی‌پخشنده

◀ در ۲۴ فروردین ۸۷، کمیته انضباطی دانشگاه علامه طباطبائی برای ۱۳ نفر از دانشجویان این دانشگاه احکام «تعلیق از تحصیل» صادر کرد. این احکام که به امضای «صدرالدین شریعتی» رئیس دانشگاه علامه رسیده، برای اکثر دانشجویان قطعی و برای تعدادی نیز بدوی است. بر این اساس امیر رئیسیان، مهران کساورز، فرهنگ سلامی، امیر یعقوب علی، شیما فرزادمنش، نگین فرازمنند و مهدی گلرو یک ترم از تحصیل محروم شده اند. همچنین عسل اخوان و صادق شجاعی با دو ترم تعلیق مواجه هستند. به علاوه چهار نفر از دیگر دانشجویان هم جمعا ۶ ترم از تحصیل تعلیق شده اند.

◀ در ۲۶ فروردین ۸۷، شعبه ۱۶ دادگاه انقلاب اسلامی زینب پیغمبرزاده، دانشجوی رشته جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، را به دو سال حبس تعلیقی محکوم کرد. این حکم دهم فروردین ماه به وی ابلاغ شده است.

◀ در ۲۷ فروردین، حکم سه دانشجوی دانشگاه امیرکبیر در مرحله دادگاه تجدیدنظر قطعی شد: دادگاه تجدیدنظر پس از رسیدگی به هر دو پرونده متهمان با اتهامات تبلیغ علیه نظام، اهانت به مقدسات و شراکت‌آزایی، متهم ردیف اول، مجید توکلی را به ۳۰ ماه حبس و احمد قصابان را به ۲۶ ماه حبس و احسان منصوری را به ۲۲ ماه حبس محکوم کرد.

◀ در ۲۷ فروردین ۸۷، چهار دانشجوی دانشگاه شیراز در مجموع ۸ ترم از تحصیل تعلیق شدند. سحر یزدانی پور، مدیر مسوول نشریه قاصدک، اسماعیل جلیل‌وند، مدیر مسوول نشریه عصیان، حمدالله نامجو، مدیرمسوول نشریه متن و ناهید افراسیابی، مدیر مسوول نشریه رهگذر از سوی کمیته انضباطی دانشگاه شیراز هر کدام به دو ترم تعلیق از تحصیل محکوم شدند.

◀ در ۲۹ فروردین ۸۷، شش دانشجوی عضو انجمن اسلامی دانشگاه رجایی به کمیته انضباطی احضار شدند: روح الله دماوندی، هادی صادقی، یاسر ربیعی، کیومرث فتحی، احمد کریمی و آرمان زاهدی شش دانشجویی هستند که باید در کمیته در صفحه ۱۳



«مذاکره محرمانه»

انضباطی حاضر شوند و به موارد انتهایی خود پاسخ دهند. در ۳۱ فروردین ۸۷ دانشجوی ۳۵ ساله مقطع دکترای شیمی دانشگاه شهید بهشتی بود. او هزینه تهیه رساله دکترای خود را نداشت و موضوع را به استاد خود گفت. استاد به او می گوید: پس برای چه زنده ای؟ او نیز در حضور دانشجویان سیانور می خورد و خودکشی می کند.

دانشجوی دیگری نیز در همدان خودکشی کرده است.

در ۳۱ فروردین ۸۷ حمیدرضا امیرخانی از فعالان دانشگاه فردوسی مشهد توسط کمیته انضباطی این دانشگاه به یک ترم محرومیت از تحصیل محروم شده و ممنوع الورد شد.

بنا بر اطلاع اصل در ۴ اردیبهشت، دانشجویان دانشگاه تبریز اعتصاب کرده اند. علت اعتصاب تجاوز راننده اتوبوس و کارمند امور آموزش به سه دختر دانشجو بوده است.

\* روزنامه نگاران قربانی تجاوز

به حقوق انسان:

در ۲۱ فروردین ۸۷ جلسه رسیدگی به اتهامات نوشین محمدی مدیرمسئول هفته نامه ندای جامعه چاپ کرمانشاه، با حضور اعضای هیأت منصفه مطبوعات، در شعبه ۱۱ دادگاه تجدید نظر استان کرمانشاه برگزار شد. اتهامات عنوان شده علیه هفته نامه را چاپ عکس مهم، نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی، تفرقه افکنی قومی و وابستگی به گروه های غیرقانونی همچون جبهه متحد کرد اعلام و شاکیان پرونده را مدعی العموم و اداره اطلاعات کرمانشاه عنوان کرد.

در ۲۲ فروردین ۸۷ وبلاگ اکبر اعلی بخاطر آخرین مقاله وی بررسی چرایی تغییرات کابینه نهم و پیامدهای آن تعطیل شد.

در ۲۲ فروردین ۸۷ سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در اقدامی بی سابقه اقدام به شکایت از چهار تن از خبرنگاران گروه اجتماعی روزنامه های اعتماد، اعتماد ملی، کارگزاران، سرمایه و تهران امروز کرده است. روزنامه های مذکور از جمله مطبوعات منتقد دولت نهم هستند، که علاوه بر روزنامه های اصلاح طلب، روزنامه تهران امروز (منتسب به شهردار تهران) نیز در بین آنها به چشم می خورد.

\* اعتراض ها!

در ۲۰ فروردین ۸۷ بنا بر اطلاعیه خانواده سعایی: مراسم ششمین سالگرد درگذشت دکتر بدالله سعایی که قرار بود روز پنجشنبه در حسینیه ارشاد برگزار شود به دلیل مخالفت مسوولان امنیتی برگزار نشد.

در ۲۸ فروردین به دعوت کمیته پیگیری بازداشت های خودسرانه جمعی از فعالان سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دانشجویی و کارگری روز سه شنبه ۲۷ فروردین ماه ۱۳۸۷ گرد هم آمدند تا از مقام زندانیان سیاسی و عقیدتی و همچنین خانواده های آنان تجلیل کنند. این جلسه که با پایان مرخصی عمادالدین باقی و بازگشت این فعال حقوق بشر به زندان همزمان شده بود، باعث شد تا کمیته پیگیری بازداشت های خودسرانه منزل عمادالدین باقی را برای برگزاری این نشست انتخاب کنند.

در ۳۰ فروردین ۸۷ جمعی از نمازگزاران مسجد قیای سنندج، پس از

اقامه نماز جمعه، اقدام به برپایی تجمعی در اعتراض به بازداشت امام جماعت این مسجد شدند. مردم حاضر در این تجمع با نیروهای لباس شخصی درگیر شده. با حضور نیروهای گارد ضد شورش و دستگیری تعدادی از شرکت کنندگان در این تجمع خاتمه یافت.

در ۲۰ فروردین ۸۷ هادی قابل دبیر و عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت دیروز برای اجرای حکم ۴۰ ماه حبس خود در اختیار زندان قم قرار گرفت.

\* دستگیریه و محکوم کردنها به

اعدام و زندان:

در ۱۷ فروردین ۸۷ علی گرانی از زندانیان سیاسی سابق و همسرشان خانم شهناز گرانی که در حدود ۵۰ سال سن دارند، در یکی از خیابانهای کرج توسط مامورین وزارت اطلاعات دستگیر شدند. مامورین وزارت اطلاعات این خانواده را در خیابان و در معرض دید مردم مورد ضرب و شتم قرار دادند و با پاشیدن گاز اشک آور به چشمانشان، به آنها دست بند زدند و آنها را با خود بردند. مامورین لباس شخصی وزارت اطلاعات این خانواده را به سلولهای انفرادی بند ۸ زندان گوهرداشت کرج معروف به بند سیاه انتقال دادند. از زمان دستگیری تا به حال از وضعیت آنها هیچ خبری در دست نیست.

در ۲۲ فروردین ۸۷ عباس خرسندی دبیرکل حزب دموکرات ایران، که در شهریور ماه ۸۶ در منزلش در فیروزکوه بازداشت و به بند ۲۰۹ زندان اوین انتقال یافته بود، از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به تحمل ۸ سال حبس تعزیری محکوم شد.

در ۲۳ فروردین ۸۷ در زندان گوهرداشت کرج روز سه شنبه ۲۰ فروردین ماه حکمی از طرف دادگاه انقلاب به آقای امیر حسین شحمت ساران دبیر کل جبهه اتحاد ملی ایران در زندان ابلاغ کردند. که او را به احکام غیر انسانی زیر محکوم کرده است.

۱. چهار ماه حبس تعزیری و ۲. سه ماه و یک روز حبس تعزیری و ۳. تحمل ۳۰ ضربه شلاق. این درحالی است که آقای ساران بیش از ۲ سال است که در زندان گوهرداشت کرج بسر می برد. ساران هیچگاه به دادگاه برده نشد و از تشکیل چنین دادگاهی هیچگونه اطلاعی ندارد!

در ۲۵ فروردین ۸۷ خانم رقیه عزیزاده همسر آقای عباس لسانی، زندانی سیاسی آذربایجانی، در ساعت یک بامداد شنبه ۲۴ فروردین ۱۳۸۷ از طرف اداره اطلاعات شهرستان اردبیل بدون ارائه حکم جلب دستگیر شده و تا کنون اجازه برقراری هیچ گونه تماسی با وکیل و خانواده را نداشته اند.

در ۲۶ فروردین بنابه گزارشات رسیده از زندان دستگرد اصفهان در روزهای اخیر ۲ جوان زندانی بخاطر عدم رسیدگی پزشکی به موقع جان خود را باختند. حسین اندیشه ۲۳ ساله، در تاریخ ۲۲ فروردین ماه به بند قرنطینه این زندان انتقال داده شد. او در روز جمعه ۲۳ فروردین دچار ناراحتی قلبی شد و از رئیس بند این زندان خواهش کرد تا داروی ناراحتی قلبی که مصرف می کرد را به او بدهند یا او را به بهداری زندان منتقل کنند. ولی با بی اعتنائی رئیس بند روبرو گردید و ساعاتی بعد به دلیل عدم رسیدگی پزشکی در بند قرنطینه جان باخت. همچنین یکی دیگر از زندانیان بنام حسن بابانی ۳۲ ساله بخاطر ناراحتی حاد که داشت با اسرار زیاد او را به بهداری زندان منتقل کردند. ولی وقتی که به آنجا منتقل گشت، پزشکی در آنجا وجود نداشت

نظام حاکم بر ایران،

"دولت امام زمان" یا

آلت فعل مافیاها؟

آقای خمینی کسانی را میخواست که عطش قدرت او را بر طرف سازند و در خدمت امپال او باشند. برای خود حق ویژه تا تعطیلی نماز و روزه، حتی توحید قائل بود و برای استقرار ولایت مطلقه اش، جانین خونریز و فاسدان را بر جان و مال مردم حاکم کرد و آنان را "سربازان" با نام و بی نام امام زمان خواند تا با سوء استفاده از اعتقادات دینی و قلبی مردم ایران، برای مجریان قدرتمداری و استقرار ولایت مطلقه خویش، مشروعیت نداشته را کسب نماید. متأسفانه نهاد هایی که لزومی بر وجود آنها نبود پس از انقلاب تشکیل شدند که به تصرف این "سربازان" در آمدند و در خدمت استبداد شدند. این افراد که غالباً از مخالفان و دشمنان نهضت ملی ایران و رهبر آن دکتر محمد مصدق و از موافقان و دوستاناران کاشانی و بهبهانی و فدائیان اسلام و دیگر عناصری از گروه بقایی مثل حسن آیت و ... بودند، باندی را تشکیل دادند که بر خود نام خط "امام" را نهاد و "امام" (آقای خمینی) سرمست از قدرت پرستی و کسب آن چون بدانها نیاز داشت لذا دست آنها را برای تجاوز به حقوق مردم باز گذاشت. بریدن از مردم و استبداد پیشه کردن نیازمند ابزار و وسایل خود از جمله امکانات مالی است. خط امامی ها از همان ابتدا در تدارک این کار

که او را تحت درمان قرار دهد و پس از یک ساعت انتظار در مقابل درب بهداری در روز شنبه ۲۴ فروردین ماه در گذشت. در ۳۱ فروردین ۸۷، دو مولوی عضو گروه جندالله که در درگیری شدید آذر ماه سال گذشته دستگیر شده بودند، در زندان زاهدان به دار مجازات آویخته شدند. مولوی «عبدالقدوس» و مولوی «محمد یوسف» از عناصر گروه مالک ربکی بودند که در روز ۲۲ آذرماه سال گذشته به همراه یازده تن دیگر به دست نیروهای امنیتی این استان دستگیر شدند.

در ۲۶ فروردین ۸۷ درخواست عفو وکیل مصطفی سلیمی فرزند عبدا... زندانی سقزی محکوم به اعدام، از سوی کمیسیون عفو و بخشودگی قوه قضاییه رد گردید. او در اوایل سال ۸۲ در نهبوند لرستان دستگیر و از سوی دادگاه انقلاب سقز به اتهام محاربه به اعدام محکوم شد.

در ۲۷ فروردین ۸۷، بنابه گزارشات رسیده از زندان دستگرد اصفهان، ۳ زندانی در زندان اصفهان اعدام شدند. و ۲ زندانی دیگر قرار است روز پنجشنبه اعدام شوند و همچنین در روزهای آینده قصد دارند که تعداد دیگری را اعدام نمایند.

زندانیانی که در ۲۷ فروردین اعدام شدند عبارتند از ۱ - رسول محمدی ۴۵ ساله و ۲ - غلام رحیمی ۶۰ ساله و ۳ - اسماعیل پنجه پور ۳۵ ساله. شهرام شاه منصور ۲۴ ساله و سید حسن موسوی ۲۵ ساله در ۲۹ فروردین اعدام شدند.

در ۲۷ فروردین ۸۷، صالح نیکبخت وکیل مدافع عبدالواحد (هیوا) بوتیمار، فعال کرد، گفته است: حکم اعدام موکلس که در دیوان عالی کشور نقض شده بود، دوباره در دادگاه انقلاب مریوان تایید شده است.

شدند. حسن آیت پیشنهاد اصلی در قانون اساسی مبنی بر ولایت فقیه را در مجلس خبرگان بررسی قانون اساسی مطرح کرد که به امضای آقای منتظری (که اعتراض او به برخی بی عدالتی ها او را نیز مورد غضب ولی فقیه کرد) و چند نفر دیگر رسیده بود. با کنار گذاشته شدن پیش نویس قانون اساسی که حاکمیت مردم را در بر داشت و تسویب قانون اساسی جدید و سپس با تقلب در انتخابات مجلس شورای ملی و حضور گسترده خط امامی ها در مجلس و تغییر نام آن از شورای ملی به مجلس شورای اسلامی و تانید آقای خمینی بر این اعمال، گام های دیگر علیه حاکمیت مردم برداشته شد. بنیاد های مالی خرد و کلان در اختیار افراد این باند قرار گرفت (از جمله بنیاد پهلوی که ابتدا بنیاد علوی و سپس امام شد) اما استبدادیون، در این کار خود، جانبداران استقلال و آزادی را مزاحم خود میدیدند.

نگاهی به کتاب نامه های آقای بنی صدر به آقای خمینی، تقابل این دو خط را به خوبی نشان میدهد. با کودتا علیه آقای بنی صدر و خروج او از حاکمیت، خط امامی ها که خود چندین گرایش بودند چاره ادامه کار و استقرار استبداد ولایی را در دو بعد خارجی: در زد و بند با بیگانگان، حتی اسرائیل و در داخل: فرو کردن هر چه بیشتر چنگال خود در بدنه اقتصادی کشور و تقسیم غنایم - ثروتهای ملی- و گسترش اختناق و تحدید آزادی های فردی و اجتماعی یافتند و بدان اقدام کردند. افرادی چون هاشمی رفسنجانی، موسوی اردبیلی، علی خامنه ای، عسگر اولادی، بادامچیان، هادی غفاری، بهزاد نبوی، رفیق دوست، محسن رضایی، مهندس موسوی، مهدی کروبی و... و

حزب جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و اعضای ریز و درشت مؤتلفه که امروز یا اصلاح طلبند و یا اصول گرا و یا گاه در هر دو جناح) از همان ابتدا رشته کار را بدست گرفتند و رشته های خود را تنیدند و هر کدام باند خود را تشکیل دادند و نیز به این امر واقف بودند که باید از دیگری برای روز مبادا به اندازه کافی اتو (مدرک) جمع آوری کرد و دم گاوای در دست داشت. از خرداد شصت بدین سو، قدرت و حاکمیت در ایران در دست این باندها در گردش بوده است و هر کدام به نوبت در خیانتها و جنایاتی که ملت ایران قربانی آن بوده است، نقش داشته اند ولی عمدتاً در تمام این سالها عوامل خارجی را در نابسامانی ها و ناهنجاریها که کشور ایران را دچار آن کرده اند دخیل میدانستند. اکنون پس از قریب سی سال، سرداران و افرادی از سپاه و بسیج که در آن جنایت ها و خیانت ها دخیل بودند امروز مدعیند و سهم خود از قدرت را به جد طلب مینمایند و حضور آقا زاده های کوچک و بزرگ، مافیای خط امامی ها زاد و ولد کرده و سهم خواهی و رقابت بر سر غارت ثروتهای ملی دعوی آنها را آشکار تر ساخته است. سخنان آقای احمدی نژاد در قم و فریاد او از دست مافیاهایی که اقتصاد و نفت و بانک های کشور را در اختیار دارند گویای فصل جدیدی از روابط بین خط امامی ها است. این برای اولین بار است که رئیس جمهور نظام که خود به

همت مافیاهای نظامی مالی بدین پست گمارده شده است، به صدای بلند فریاد میزند دولتی که او و خامنه ای و مداحانشان برگزیده امام زمان میخواندند و مدعی بودند لیست وزرای آن به رویت آن حضرت رسیده است، بازپچه و آلتی در دست مافیای بی است که حتی بالاترین مرجع اجرایی کشور جرات ندارد نامشان

را ببرد و مردم بسان مسابقه بیست سنوالی، باید منظور او را حدس و گمان بزنند. البته این هم یکی دیگر از ویژگی های نظام حاکم بر ایران است، چه آنان که در حکومتند و چه آنان که در انتظار حکومت نشسته اند، در انتقادات و اعتراضات خود ضمیر سوم شخص مجهول بکار میبرند! شاید به خاطر این باشد که گوینده می می داند و یا احتمال می دهد انتقاد شونده یا شونده گان دم گاوای از او در دست داشته باشد و یا داشته باشند و صراحت در کلام کار دست گوینده بدهد.

امروز افرادی چون آقای رمضان زاده و دیگر مدعیان اصلاح طلبی که فریادشان از چنگالهای فرو رفته در اقتصاد ایران بلند میشود و به ورطه سقوط کشانده شدن ایران نگرانیشان کرده است، اگر واقعا دغدغه ایران و زندگی ایرانیان را دارند، اگر خود از این خوان یغما بهره ای نبرده اند، باید صراحت کلام و جرات بیان حقایق را بیابند تا کلامشان نافذ باشد. صراحت کلام و شجاعت در بیان آقای احمد قابل در نقد از خویش و اعتراض به ظلم حاکمیت قابل تقدیر است. کسانی که واقعا دل به اصلاح امور در ایران دارند و بندی از تور تنیده مافیا در قیدشان نکرده چرا از تجربه درس نمی آموزند که ام الفساد موجود در ایران، استبداد و ولایت مطلقه است و تا این غده سرطانی جراحی نشود هیچ درمانی برای بیماری ایران نیست؟ چرا هنوز پس از سالیان سال که از کودتا علیه اولین منتخب مردم میگذرد، او را که اولین مقاومتها بر علیه استبداد آقای خمینی (به کتاب نامه های آقای بنی صدر به خمینی مراجعه کنید) و باز سازی نظام سلطانی و باند های مافیایی را سازمان داد، بی مناسبت و بامناسبت مورد حمله و تهاجم قرار میدهند؟ تقیصر او جز مبارزه با باند های مافیایی و هشدار نسبت به عاقبت و سرنوشتی که این باندها برای ایران و ایرانی رقم میزنند چه بوده و هست؟ آقایان خاتمی و دیگر اصلاح طلبان اگر گذشته ای که از سال شصت به بعد در آن نقش داشتند را به نقد نکشند چطور میشود در صداقتشان شک نکرد؟ اگر آن اعمال در راستای منافع ملی و حتی دینی این مردم بوده چرا باید امروز نظام در دست مافیای باشد و ایران و دین مردم در تار تنیده آنها گرفتار؟ راست این است: همان طور که آقای قابل نوشت شرکت و حتی سکوت در مقابل اعمال عمل ولایت مطلقه شرکت علیه امنیت ملی ایران بوده و هست. اینان حتی جرات و شهامت انتشار نامه آقای احمد قابل را نیافتند، چرا در مقابل ظلم و بی عدالتی که نسبت به دانشجویان، کارگران، زنان، معلمان و... اعمال

میشود عکس العمل بایسته و شایسته را نشان نمیدهند ولی نسبت به سرنوشت سیاسی خویش و اینکه به ولایت مطلقه التزام دارند و یانه اینقدر حساسند؟ بر آنان که از خوان نکبت مافیای قدرت در ایران برخوردار شده اند و این نکبت را نعمتی برای خود شمرده اند و رشته ای از این تار تنیده به این شبکه متصلشان کرده حرجی نیست که بنده قدرتنند. این بر جوان ترها و آتانی است که از نکبت مافیا ها در رنجند و در پی چاره ای هستند تا برای این سرطان که در همه ارکان کشور ریشه دوانده چاره ای بیابندیشند. اینک که سلول های سرطانی به جان هم افتاده اند، باید هشیار بود و فریب فریاد آبی دزد، آبی دزد دزدان را نخورد.



به بهانه رحمت آوردن به مردم و آنها را به نیکبختی و سعادت رساندن. به اهانت اینک بعضی از اینها منافق هستند، باید از سر راه مومنین برداشته شوند.

تو ای پیامبر وکیل مردم نیستی و ترا نشاید که عهده دار و اختیار دار آنان باشی و ما ترا نفرستاده ایم که وکیل مردم باشی. تو فقط وظیفه ات را که ابلاغ رسالت است برسان و ما خود برای کارگزاری و کفالت امور مردم کافی هستیم.

وقتی خداوند به رسول خود، تحت هر نام و بهانه ای وکالتش را بر امور مردم، از وی سلب می کند و او را از نزدیک شدن به آن به هر بهانه ای بر حذر می دارد، آیا مسلمانان نباید از خود بپرسند، چگونه چنین خدائی ممکن است، اشخاص دیگری را وکیل مردم قرار داده باشد؟

۵- پیامبر حقیق و نگاهبان بر مردم نیست حقیق در لغت به معنای نگاهبان، نگاهدار و مراقبت کننده آمده است. و خدا پیامبر را از این امر نیز بر حذر می دارد و می فرماید که برای نگاهبانی مردم و این امر فرستاده نشده است.

۵/۱- ممن یطع الرسول فقد اطاع الله و من تولی فمّا ارسلناک علیهم حقیقاً " هر که این پیغمبر را فرمان برد، خدا را فرمان برده است و هر کس پشت کند، ما ترا به نگاهبانی آنها نفرستاده ایم." ۹۲ ۲/۵- ... و ما جعلنا علیهم حقیقاً " ... ما ترا نگاهبان آنان قرار ندادیم. " ۹۳

۳/۵ در هر حال پیامبر حقیق بر مردم نیست

استجبوا لربکم من قبل ان یعی یوم لا مرد له من الله ما لکم من ملجاء یومئذ و ما لکم من نکریر فان اعرضوا فمّا ارسلناک علیهم حقیقاً ان علیک الا ابلیغ " [ای مردم] پیش از آنکه روزی بیاید که از جانب خدا بازگشت ندارد، پروردگارتان را اجابت کنید که در آن روز پناهگاهی ندارد و انکار کردن نتوانید. اگر روی یگردانند ما ترا به نگاهبان آنان نفرستاده ایم، و بعد تو جز ابلاغ نیست." ۹۴ در آیه ۴۷، خطاب به کفار و اتمام حجت با آنان است، سپس در آیه ۴۸ خداوند، خطاب را متوجه رسول خدا (ص) کرده است، تا به پیامبر اعلام نماید، مأموریتی که بر دوش وی نهاده شده، تنها تبلیغ رسالت است، نه بیشتر از آن. او را فرستاده تا دین خدا را به مردم ابلاغ کند و نه اینکه نگاهبان مردم، مسئول ایمان و اطاعت آنان باشد، تا خود را موظف بداند که آنها را از اعراض کردن باز بدارد و در این راه خود را به رنج و سختی اندازد تا شاید مردم بوی روی آورند.

پیامبر جبار نیست جبار به معنای زورگویی و سرکشی و به معنای سلطه داشتن بر مردم و یا هر نوع تسلطی است که کس و یا کسانی بوسیله آن بتوانند مردم را بر اجرای خواسته های خود مجبور سازند.

۱/۶ نحن اعلم بما یقولون و ما انت علیهم جبار فذکر بالقرآن من یخاف و عید. " ما به آنچه گویند، دانا تریم و تو نمی توانی مردم را به آنچه می خواهی مجبور کنی پس تنها با قرآن کسانی را تذکر بده که از تهدید خدا بیمناکند." ۹۵

در این آیه خداوند به پیامبر می گوید: تو بر آنچه می گویند صبر کن " صبر علی ما یقولون " و منتظر باش که ما می دانیم چه می گویند و تو بر آنها سلطه نداری تا بتوانی بر اجرای خواسته های خود مجبورشان سازی و در نتیجه به آنچه که دعوتشان می کنی، آن را انجام دهند. تو وظیفه خودت را انجام بده و کسانی را با قرآن تذکر بده که از تهدید من خوف دارند.

۲/۶ و تلک عاد جحدوا بآیات ربهم و عسورسله و اتبعوا امر کل جبار عنید " این عادیان بودند که آیه های پروردگار خویش را منکر شدند و پیغمبران او را نافرمانی کردند. هر ستمگر ستمگرگی را پیروی کردند." ۹۶

در این آیه خداوند از جمله قوم عاد را مثال می زند که دستورات هر جبار و زورگوی عییدی را که داشتند پیروی کردند و همین گوش به فرمان جباران و

ستمگران بودن، آنان را از پیروی حضرت هود و پذیرفتن دعوتش باز داشت. بنابر این کسانی که پیرو پیامبران هستند، لازمه اش این است که از جباران و زورگویان پیروی نکنند.

انسان وقتی به تاریخ مراجعه می کند، مشاهده می نماید که تمام منکران اصلی پیامبران دیکتاتوران، ستمگران، زورگویان و قدرت پرستان، تحت عناوین و نامهای گوناگون بوده اند و خواهند بود. امپراطوران، پادشاهان، قیصران، فرعونیان از آن جمله اند و اسفناک تر اینکه تحت نام نمایندگی دین خدا و اشاعه دین حق، پاپ ها و کلیسا قرنها و قرنها بر جان و مال و همه چیز مردم حاکم بوده اند و یا تحت نام خلیفه رسول خدا و یا ولایت فقیه حاکمیت مطلق قدرت و زور را بر مردم تحمیل کرده و مردم نیز غافل از این امر هستند که وقتی از آنان تبعیت و پیروی می کنند، در حقیقت جزء منکران پیامبران به حساب می آیند.

پیامبر بر مردم سلطه ندارد فذکر انما انت مذکر\* لست علیهم بمصیطر " پس تو ای پیامبر؛ ایشان را تذکر بده که وظیفه تو تنها همین تذکر است. وگر نه بر آنان تسلط نداری." ۹۷ خداوند به پیامبرش می گوید: حقیق را به آنها تذکر بده که وظیفه تو که پیامبر خدائی همین تذکر دادن است. به امید اینکه دعوتت را اجابت کنند، تو بر آنها تسلط نداری که با زور و اکراه و یا اجبار، آنها را به ایمان آوردن وادار کنی. آنها بایستی با طیب خاطر دعوتت را بپذیرند و نه با سلطه.

پیامبر فرمانروا و یا سلطان نیست ان عبادی لک علیهم سلطان و کفی بریک وکیلا " هماناترا بر بندگان من فرمانروایی (سلطانی) نیست و پروردگار تو برای کارگزاری آنها بس است." ۹۸ در آیه فوق کاملاً روشن است که مراد از " ان عبادی"، بندگان من اعم از مخلصین است که ابلیس آنها را مستثنی کرده ۸۷، و گفت، الا عبادک منهم المخلصین" و مقصود عموم مردم است. و نه طیف و گروه خاصی. وقتی می فرماید، "کفی بریک وکیلا" معنایش این است که برای قیام بر اداره نفوس و اعمالشان و برای نگهداری منافع و سرپرستی امورشان، خدا را بس است، زیرا وکیل بمعنای متکفل شدن بر امور دیگری است که قائم مقام او، در تدبیر و گرداندن چرخ زندگی است.

خداوند، فرمانروایی و سلطه شیطان را نیز بر بندگان خود نفی می کند، مگر آن تعدادی که خود شیطان را پیروی می کنند. ۱/۷- شیطان را بر بندگان فرمانروایی نیست

شیطان در روز قیامت به کسانی که او را ملامت می کنند که آنها را اغواء کرده است. پاسخ می دهد: " من سلطنتی بر شما نداشتم، تنها کار من این بود که شما را دعوت کردم، شما به اختیار خود اجابت کردید، پس مرا ملامت نکنید و خود را ملامت کنید." ۹۹

وقتی خداوند سلطنت و فرمانروایی شیطان را بر بندگانش نفی می کند، مگر آن دسته که خود شیطان را پیروی می کنند، می تواند اغواء و گمراه کند. بنابر این وقتی زورمداران و سلطه گران بر مردم سلطنت و حکومت می کنند. اولاً باید بدانند که خود، شیطان را پیروی می کنند و ثانیاً کسانی که بنام دین و خدا و رسولش، دیکتاتوری و تسلط خود را بر مردم تحمیل می کنند، اینان با وجودی که بنام دین عمل می کنند، از اصحاب شیطان و پیروان او هستند و ثالثاً دیگرانی که با وجود علم و آگاهی و توانائی سلطه، سلطه گران را برخورد می پذیرند آنها نیز، شیطان را پیروی می کنند و از اصحاب شیطان هستند.

نظر به اینکه سلطه و سلطه گری و با زور و قدرت بر مردم فرمانروایی کردن تحت هر نام و شکلی که باشد، عمل

شیطانی است و سلطه گران، اصحاب و پیروان شیطان هستند، خدای متعال پیامبر خود را از فرمانروایی و سلطنت بر مردم را تحت هر نامی، بر حذر می دارد. تا بدین جا، بنا به نص صریح قرآن معلوم شد که:

امر مردم بدست پیامبر نیست ایمان آوردن و یا نیاوردن مردم دست او نیست.

- هدایت کسان با او نیست و پیامبر مسئول هدایت شدن و یا نشدن مردم نیست.

پیامبر وکیل مردم تحت هر نام و بهانه ای نیست. پیامبر حقیق و نگاهبان مردم نیست. پیامبر جبار نیست و از جباران و زورگویان اطاعت نمی کند.

پیامبر سلطه بر مردم ندارد. پیامبر فرمانروا و یا سلطان و یا حاکم نیست.

پیامبر کافران و منافقان را اطاعت نمی کند و در برابر آزار آنها مقابله به مثل نمی کند.

ملاحظه می کنید که خداوند، تمام اموری را که آزادی و اختیار را از مردم سلب میکند و مانع می شود که اداره امور زندگی مردم، بدست خودشان اداره شود، از پیامبرش نفی می کند و به صراحت اجازه انجام چنین اموری را بوی نمی دهد. پس، هنگامی که پیامبر، اختیار هیچکدام از امور فوق را ندارد، این سوال مطرح است که پیامبر چه اختیارات و وظایفی دارد و مسئولیتش چیست و رسالتش چه اموری را در بر می گیرد؟

## ۲- حدود اختیارات پیامبر و رسالت در قرآن

بحث اصلی این است که آیا خداوند در قرآن کریمش وظایف و مسئولیت پیامبر و حدود اختیارات او را مشخص کرده است یا خیر؟ و در صورت داشتن اختیار، آیا اختیاراتش محدود است؟ که در اینصورت در فصل گذشته ملاحظه شد که خداوند، پیامبر را از نزدیک شدن به بسیاری از امور نهی فرموده است و اگر اختیارات پیامبر محدود به حدودی است، که هست، بنابر این، آیا آن حدود در قرآن کاملاً مشخص و معین شده است و یا اینکه خیر؛ محدود بودن وظایف و اختیارات نبوت و پیامبری به خواست و تشخیص خود پیامبران واگذار شده است و آنان به اختیار خویش، آن را تعیین می کنند؟

با توجه، به آیات بینات قرآن کریم که توضیح داده شد، جای شک و شبهه نمی ماند که وظایف پیامبران و بویژه پیامبر اسلام مشخص گردیده و به اختیار آن حضرت واگذار نشده است و از تجاوز به غیر آنچه که برایش مقرر داشته، بشدت از نزدیک شدن به آن نهی گردیده است.

در فصل گذشته این تحقیق، اموری که پیامبر از نزدیک شدن بدانها نهی شده است و یا عبارات دیگر از حیطة اختیار و مسئولیت رسول خدا (ص) خرج است، توضیح داده شد. در این فصل باز طبق روال گذشته با استعانت از قرآن کریم به وظایف رسالت و نبوت و اموری که جزء وظیفه و یا در مسئولیت پیامبر است، می پردازد.

وظایف و اختیارات رسالت و نبوت که در قرآن بوضوح تمام شرح آن آمده، بقرار ذیل است:

پیامبر رسان آشکار (نذیر مبین) نوید آور و بیم رسان (بشیر و نذیر) مبشر و منذر ابلاغ آشکار (بلاغ مبین) شاهد

الگو نیکو (اسوه حسنه) ۱- نذیر مبین - بیم رسان آشکار کلمه مبین به معنای آشکارکننده، روشن، واضح و هویدا است.

## امور خارج از محدوده رسالت و پیامبری در قرآن - ۴

نذیر در لغت به معنای بیم دهنده، ترساننده، هشداردهنده و اندازکننده است و این لفظ فقط در باره پیامبران آمده و نامی از نامهای پیامبر اکرم است، زیرا یکی از وظایف پیامبران این است که مردم را نسبت به اعمال ناروا و خلاف حقی که مرتکب می شوند، آنها را از نتایج اعمالشان آگاه می کند و از پیش به آنها بیم و هشدار میدهد.

۱/۱- و لقد ارسلنا نوحا الی قومه ائی لکم نذیر مبین\* ان لا تعبدوا الا الله ائی اخاف علیکم عذاب یوم الیم.

" براستی، نوح را بسوی قومش فرستادیم که من برای شما بیم رسانی آشکارم\* که جز خدای یگانه را نپرستید که من از عذاب روزی الم انگیز بر شما بیمناکم. " نوح با این بیان کوتاه "نذیر مبین"، به قومش می فرماید که رسالت من فقط این است که من نذیری مبین هستم و خیال نکنید که من همه کاره علم هستم، نه؛ من تنها پیام و رسالتی از ناحیه خدای تعالی برای شما دارم و آن این است جز خدای یگانه را نپرستید که در غیر این صورت شما را از نتیجه عملتان که در اثر پرستیدن خداهای متفرقه گوناگون حاصل می شود از عذاب دردناک آن شما را اندازمی دهم.

۲/۱- در گفتگوی نوح با قومش که در زیر می آید، علاوه بر اینکه خواسته قومش را از نوح نشان میدهد، نوح اختیارات و وظیفه اش را که هشدار دادن روشن، از عذابی که در پی دارند، به آنان گوش زد می کند:

"قوم نوح نیز پیغمبران را دروغگو شمردند\* وقتی که برادرشان نوح به آنها گفت: چرا نمی ترسید\* که من پیغمبری خیرخواه شمام\* از خدا بترسید و اطاعت کنید\* برای پیغمبری از شما مژدی نمی خواهم که مزد من جز بعهده پروردگار جهانیان نیست\* از خدا بترسید و اطاعت کنید\* گفتند: چگونه بتو ایمان بیاوریم که فرومایگان [زیر دستان] پیرویت کرده اند\* گفت: من چه دانم که چه می کرده اند\* که اگر فهم دارید، حسابشان جز بعهده پروردگار من نیست\* و من این مؤمنان را رها نخواهم کرد\* که من جز بیم رسانی آشکار نیستم." ۲

۳/۱- خداوند باز هدف رسالت نوح به قومش گذرد می کند

انا ارسلنا نوحا الی قومه ان انذر قومک من قبل ان یاتیه عذاب الم\* قال یا قوم ائی لکم نذیر مبین\* ان اعبدا لله و اتقوه و اطیعوه " ما نوح را بسوی قومش فرستادیم و گفتیم که قوم خود را قبل از اینکه عذابی دردناک فرایشان گیرد، انذار کن\* او به قوم خود گفت: ای مردم من برای شما بیم رسانی روشنترم\* و دعوت من این است که الله را بپرستید و از عذابش پروا نموده مرا اطاعت کنید." ۳

سوره نوح در حقیقت رسالت نوح را تفسیر می کند و می گوید که ما نوح را بسوی قومش فرستادیم و بوی وحی کردیم که قوم خود را قبل از اینکه عذابی الیم بسراغشان آید انذار کن و این سخن بر این دلالت دارد که قوم نوح به خاطر شرک و گناهان در معرض عذاب بوده اند و ائی لکم نذیر مبین، رسالت نوح را بطور اجمال و تفصیل بیان می کند.

۴/۱ اولم یتفکروا ما بصاحبهم من جنه ان هو الا نذیر مبین\*

" مگر نیندیشیده اید که مصاحب ایشان جنون ندارد. که او جز بیم رسانی آشکار نیست." ۴

خداوند در این آیه، به مشرکین و کفار خطاب که چرا فکر نمی کنید و از رسول خدا (ص)، به " مصاحب ایشان " تعبیر می کند، اشاره به این است که رسول خدا در تمام طول زندگی مصاحب ایشان و ایشان صاحب وی بوده اند، و اگر او دیوانه می بود در طول این مدت معلوم می شد، پس او هشداردهنده است و نه دیوانه.

۱/۶- قل انما العلم عند الله م انما انا نذیر مبین\*

" بگو علم تنها و تنها نزد خداست و اما من فقط بیم رسانی روشنترم." ۵ این آیه در پاسخ به این است که به پیامبر می گفتند: پس این وعده یعنی قیامت کی می رسد؟ پیامبر هم میگوید: غیر از خدای تعالی کسی از آن آگاهی ندارد و من جز اینکه ندیری آشکار هستم مسئولیت و اختیاری ندارم من تنها مأمورم به شما خبر دهم که به زودی بسوی خدا محشور می شوید و ام اینکه چه وقت محشور می شوید، نمی دانم.

علم غیب تنها در اختیار خداوند است و پیامبران را نیز بدان علم راهی نیست.

۱/۶- بل هو آیات بینات فی صدور الذین اوتو العلم و ما جحدوا بآیاتنا الا لظالمون\* و قالوا لو لا انزل علیه آیات من ربّه قل انما الایات عندالله و انما انا نذیر مبین\* " بلکه قرآن آیه هائی است روشن، در سینه کسانی که دانششان داده اند و جز ستمگران منکر آیه های ما نمی شوند\* گویند: چرا از جانب پروردگار معجزه ها باو نازل نشود، بگو همه معجزه ها نزد خداست و من فقط بیم رسان آشکارم." ۶

تنها وظیفه پیامبر انذار است و بس و ستمگران نه تنها منکر آیه های خداوند هستند بلکه مانع می شوند که آیات بینات خداوند به سمع دیگران برسد.

۱/۷- لا تمدن عینیک الی ما متعنا به ازواج منهم و لا تحزن علیهم و خفض جناحک للمؤمنین\* و قل ائی انا نذیر مبین\*

" دیدگان خویش را بان چیزهائی که نصیب دسته هائی از ایشان کرده ایم نگران مکن، به جایشان غم مخور و با مؤمنان نرمخونی کن\* و بگو من خودم بیم رسان آشکارم." ۷

در این آیه خداوند به رسولش هشدار و قوت قلب میدهد که نکند از اینکه بعضی ها که مال و منال و یا مقام و منصبی در جامعه دارند و بوسیله آن مانع انجام کارت می شوند، ترا نگران کند و از حالشان که چنین می کنند غم بخوری، پر و بالت را بر روی مؤمنان بگشای و به آنان بگو که من فقط بیم رسان هستم.

۱/۸- فاعلک تارک بعض ما یوحی الیک و ضائق به صدرك ان تقولوا لو لا انزل علیه کتو اوجاء معه ملک انما انت نذیر و الله علی کل شیئی وکیل\*

" شاید بعضی چیزها را که بتو وحی می شود رها کنی و سینه ات از آن تنگ شود، تا نگویند چرا گنجی باو نازل نمی شود، یا فرشته ای همراه او نمی آید، تو فقط بیم رسانی و همه امور بعهده خداست." ۸ این آیه علاوه بر اینکه هشدار دیگری به شخص پیامبر است که نکند بخاطر چیزهائی که در سینه دارد و منکرین به وی از او طلب می کنند، تمام و کمال آنچه به او وحی می شود را روشن به آنها نرساند. باو قوت قلب می دهد و رسالتش را به او گوشزد می کند: که تو فقط هشداردهنده ای و باقی امور دست خداوند است، پس وقتی وظیفه ات را به انجام رساندی جای نگرانی نیست.

۱/۹- خداوند در آیات متعدد دیگری وظیفه پیامبر را به او و مردم گوشزد می کند و به رسولش می گوید: تأکید کن که من، علم به گروه بالا را ندارم و من فقط هشداردهنده هستم. از مخاصمه فرشتگان در روز خلقت آدم به غیر از آنچه به من وحی می شود اطلاع دیگری ندارم.

" بگو من تنها بیم رسانم و هیچ معبودی به جز جدای واحد قهار نیست\* پروردگار آسمانها و زمین و آنچه بین آنهاست، خدائی عزیز و غفار است\* بگو مسئله توحید [ این خبری عظیم است\* که شما از آن روی برمی گردانید\* من هرگز علمی به گروه فرشتگان در آن روز که راجع به خلقت بشر مخاصمه می کردند ندارم\* من علم دیگری جز آنچه به من وحی می رسد، ندارم و فقط بیم رسانی آشکارم." ۹



### امور خارج از محدوده رسالت و پیامبری در قرآن - ۴

۱/۱۰ - قل یا ایها الناس انما انا لکم نذیر مبین\*  
را بیم رسانی آشکارم. ۱۰  
دعوت در این آیه، دعوتی است عمومی و همگانی.

۱/۱۱ - تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیراً\*  
بزرگست آنکه این فرقان را ببندد خویشت نازل کرد تا بیم رساند هشداردهنده جهاتیان باشد. ۱۱  
فرقان یعنی جداکننده و فرق گذارنده و اگر قرآن را خداوند فرقان نامید بدین جهت است که آیاتش بین حق و باطل جدانی می اندازد.

خبر بسیار در کسی، به خاطر کتابی که بر عبد خود محمد (ص) نازل کرد که فارق میان حق و باطل است، ثابت شد. این کتاب نجات دهنده عالمیان از ضلالت و سوق دهنده بسوی هدایت است.

این آیه روشن می سازد "لیكون للعالمین نذیراً"، که هدف از تنزیل قرآن بر عبدش این است که بیم دهنده برای همه عالمیان، از جن و انس است.

۱/۱۲ - هنوز آیات زیادی در قرآن وجود دارد که اعلام می دارد که پیامبر فقط انذار کننده است و مسنول هدایت و گمراهی و وکیل مردم نیست و فقط باید آنچه به او وحی می شود، به مردم برساند. ۱۲  
- نوید آور و بیم رسان (بشیر و نذیر)

در این بخش از آیات بیانات قرآن، خداوند علاوه بر وظیفه پیامبر که انذار بود، وظیفه بشارت را نیز بوی اعلام می کند: ۲/۱ - کتاب فصلت آیات قرآن عربیاً لقوم یعملون\* بشیراً و نذیراً فاعرض اکثرهم فہم لا یسمعون\*  
کتابی است که ابانتش از یکدیگر است.

کتابی است خواندنی عربی برای مردمی که علم داشته باشند\* بشارت آور و بیم دهنده است اما بیشترشان از آن روی گردانیده و نمی شنوند. ۱۳

منظور از نشنیدن به سمع قبول است و نه اینکه گوششان نمی شنود. و با توجه به آیاتی که در فصل دوم این تحقیق گذشت، منظور قرآن بویژه علمانی است که از ابانت قرآن آگاهی دارند اما بدان عمل نمی کنند و یا بوسیله تحریف آن را در خدمت منافع شخصی و یا گروهی قرار می دهند. ۲/۲ - یا اهل الکتاب قد جانکم رسولنا بیین لکم علی فترۃ من الرسل ان تقولوا ما جاءنا من بشیر و نذیر والله علی کل شیئ قدیر\*

ای اهل کتاب فرستاده ما، بدوران فترت پیغمبران، بسوی شما آمده که [حق را] برای شما روشن می کند تا نگویید: نوید آور و بیم رسان بما نیامده بود. برآستی نوید آور و بیم رسان شما آمده و خدا به همه چیز تواناست. ۱۴

فترت یعنی اینکه رسول ما بعد از مدتی که هیچ رسولی نفرستادیم، بیامد. در حقیقت می گوید این دین همان دین خودتان است که به آن متدین هستید الا اینکه آنچه از کتاب آسمانی خود پنهان کرده بودید (یعنی علمای شما از شما پنهان کرده بودند) برایتان بیان می کند. ۲/۳ - الا تعبدوا الا الله اننی لکم نذیر و بشیر\*

[و آن غرض واحد] این است که جز الله نپرستید که من از ناحیه او برای بشارت و انذار شما آمده ام. ۱۵  
این آیه نظیر آیات دیگر دعوت بشر است به توحید و بر پیامبر است که کتاب را که بیان توحید است بر مردم ابلاغ کند و اینکه خود پیامبر بشیر و نذیر است. ۲/۳ - انا ارسلنا بالحق بشیراً و نذیراً و لا تسئلن عن اصحاب الجحیم\*

ما ترا بحق بعنوان بشیر و نذیر [مژده رسان و بیم ده] فرستادیم و تو را از جهنمیان نمی پرسند. ۱۶

### تورم در دولت احمدی نژاد

و ادامه داد که "اقتصاد، ادامه سیاستها و روش مدیریت دوران شاه می باشد، وضعیت فعلی اقتصاد ایران مشابه سال ۱۳۵۲ می باشد. در آن زمان بر اثر جنگ اعراب و اسرائیل قیمت جهانی نفت از دو دلار به هشت دلار در هر بشکه رسید و درآمدهای نفتی ایران به شدت افزایش یافت.

در پی افزایش قیمت نفت، بخشی از این درآمد بصورت واردات وارد اقتصاد کشور شد و در مدت کوتاهی بازار ایران از کالاهای مصرفی خارجی پرگردید. شاه با دوبرابر کردن بودجه عمرانی دلارهای نفتی را به اقتصاد ایران سرازیر کرد. نتایج این تصمیم که متناسب با رشد اقتصاد ملی نبود، دو سه سال بعد با افزایش نقدینگی و تورم آشکار شد.

در دو سال گذشته اقتصاد ایران دوباره همان شرایط را تجربه کرده و با افزایش درآمدهای نفتی، دولت همان شیوه را در پیش گرفته است به طوری که نقدینگی به شدت افزایش یافته و تورم نیز از کنترل خارج شده است. البته دایره ای که آقای احمدی نژاد و مافیای مالی- نظامی در آن قرار گرفته از نظر پیچیدگی روابط قدرت، شبیه دولت شاه است و او نیز نمی تواند خارج از توقعات قدرت عمل کند.

دلایل مختلفی که باعث شتاب تورم در سال ۸۶ شده اند بدین شرح اند:  
۱ - بالا بردن قیمت بنزین  
۲ - بالا بردن حجم پول در کشور  
۳ - خالی کردن صندوق ذخیره ارزی و واردات بیش از حد کالا  
۴ - نبود تعادل بین ارضه و تقاضا در بازار

۵ - ضربه به تولید کننده داخلی در رابطه با کالاهای وارداتی  
۶ - ضربه سخت سیاستهای خارجی به اقتصاد در رابطه با مسئله انرژی هسته ای  
۷ - فشارهای مختلف به مردم در رابطه با طرح امنیت اجتماعی

۸ - رشد بیش از حد دیوانسالاری دولت  
این نگرانی وجود دارد که تولید داخلی به دلیل افزایش هزینه تولید و ناتوانی در رقابت با کالاهای وارداتی ارزان قیمت به شدت آسیب ببیند. این آسیب دیدگی در سال ۸۶ مشاهده شد و در سال ۸۷ عمق فاجعه بیشتر نمایان خواهد گردید. اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران به تازگی گزارش مفصلی در باره تورم منتشر کرده و در آن با ابراز نگرانی از تداوم رشد تورم از "A Threat to the Iranian Economy" به عنوان مهمترین دلایل رشد تورم نام برده است.

این گزارش که برای مقامات ارشد کشور و مدیران اقتصادی دولت نیز فرستاده شده، بر این نکته تاکید کرده که قرار بود نرخ تورم در سال گذشته به کمتر از ده درصد برسد و یک رقمی شود اما "۴۰ درصد افزایش نرخ داشته است". بر اساس این اطلاع در دو سال ۸۵ و ۸۶ تورم به گفته رژیم در بخش مسکن بیش از ۵۰ درصد بوده است.

"بهریسی نتایج شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران طی ۱۱ ماه اول سال ۸۶ که دولت انجام داده است، بیاتنگر این نکته می باشد که در این دوره، بیشترین درصد تغییر و افزایش نرخ به دو گروه مسکن و خوراکی ها مربوط می شود، گروه مسکن - شامل مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت ها - ۲۰/۶ درصد افزایش نرخ داشته است. بخش مسکن در ۱۲ ماه منتهی به بهمن ماه سال جاری نسبت به ۱۲ ماه منتهی به بهمن سال ۱۳۸۵ شاهد ۲۰/۲ درصد افزایش نرخ بوده است، ضمن این که این بخش در بهمن ماه سال جاری در مقایسه با ماه مشابه سال قبل نیز ۲۵/۱ درصد افزایش نرخ داشته است".

اساس این اطلاع در دو سال ۸۵ و ۸۶ تورم به گفته رژیم در بخش مسکن بیش از ۵۰ درصد بوده است. در دو سال گذشته باز به گفته رژیم در بخش خوراکیها و آشامیدنیها ۴۲ درصد تورم وجود داشته است. متخصصین اقتصاد، تورم سال گذشته را بیش از ۴۰ درصد تخمین می زنند.

باید توجه کرد که دولت بر اساس محاسبه ای که در مورد نرخ تورم می دهد نمی تواند تورم را کنترل کند و تورم را به شدت افزایش می دهد. در دو سال گذشته تورم در بخش مسکن بیش از ۵۰ درصد بوده است و در بخش خوراکیها و آشامیدنیها ۴۲ درصد تورم وجود داشته است. متخصصین اقتصاد، تورم سال گذشته را بیش از ۴۰ درصد تخمین می زنند.

باید توجه کرد که دولت بر اساس محاسبه ای که در مورد نرخ تورم می دهد نمی تواند تورم را کنترل کند و تورم را به شدت افزایش می دهد. در دو سال گذشته تورم در بخش مسکن بیش از ۵۰ درصد بوده است و در بخش خوراکیها و آشامیدنیها ۴۲ درصد تورم وجود داشته است. متخصصین اقتصاد، تورم سال گذشته را بیش از ۴۰ درصد تخمین می زنند.

حکومت ایران و مخصوصاً در زمینه اقتصاد، ادامه سیاستها و روش مدیریت دوران شاه می باشد، وضعیت فعلی اقتصاد ایران مشابه سال ۱۳۵۲ می باشد. در آن زمان بر اثر جنگ اعراب و اسرائیل قیمت جهانی نفت از دو دلار به هشت دلار در هر بشکه رسید و درآمدهای نفتی ایران به شدت افزایش یافت.

در پی افزایش قیمت نفت، بخشی از این درآمد بصورت واردات وارد اقتصاد کشور شد و در مدت کوتاهی بازار ایران از کالاهای مصرفی خارجی پرگردید. شاه با دوبرابر کردن بودجه عمرانی دلارهای نفتی را به اقتصاد ایران سرازیر کرد. نتایج این تصمیم که متناسب با رشد اقتصاد ملی نبود، دو سه سال بعد با افزایش نقدینگی و تورم آشکار شد.

در دو سال گذشته اقتصاد ایران دوباره همان شرایط را تجربه کرده و با افزایش درآمدهای نفتی، دولت همان شیوه را در پیش گرفته است به طوری که نقدینگی به شدت افزایش یافته و تورم نیز از کنترل خارج شده است. البته دایره ای که آقای احمدی نژاد و مافیای مالی- نظامی در آن قرار گرفته از نظر پیچیدگی روابط قدرت، شبیه دولت شاه است و او نیز نمی تواند خارج از توقعات قدرت عمل کند.

دلایل مختلفی که باعث شتاب تورم در سال ۸۶ شده اند بدین شرح اند:  
۱ - بالا بردن قیمت بنزین  
۲ - بالا بردن حجم پول در کشور  
۳ - خالی کردن صندوق ذخیره ارزی و واردات بیش از حد کالا  
۴ - نبود تعادل بین ارضه و تقاضا در بازار

۵ - ضربه به تولید کننده داخلی در رابطه با کالاهای وارداتی  
۶ - ضربه سخت سیاستهای خارجی به اقتصاد در رابطه با مسئله انرژی هسته ای  
۷ - فشارهای مختلف به مردم در رابطه با طرح امنیت اجتماعی

۸ - رشد بیش از حد دیوانسالاری دولت  
این نگرانی وجود دارد که تولید داخلی به دلیل افزایش هزینه تولید و ناتوانی در رقابت با کالاهای وارداتی ارزان قیمت به شدت آسیب ببیند. این آسیب دیدگی در سال ۸۶ مشاهده شد و در سال ۸۷ عمق فاجعه بیشتر نمایان خواهد گردید. اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران به تازگی گزارش مفصلی در باره تورم منتشر کرده و در آن با ابراز نگرانی از تداوم رشد تورم از "A Threat to the Iranian Economy" به عنوان مهمترین دلایل رشد تورم نام برده است.

این گزارش که برای مقامات ارشد کشور و مدیران اقتصادی دولت نیز فرستاده شده، بر این نکته تاکید کرده که قرار بود نرخ تورم در سال گذشته به کمتر از ده درصد برسد و یک رقمی شود اما "۴۰ درصد افزایش نرخ داشته است". بر اساس این اطلاع در دو سال ۸۵ و ۸۶ تورم به گفته رژیم در بخش مسکن بیش از ۵۰ درصد بوده است.

"بهریسی نتایج شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران طی ۱۱ ماه اول سال ۸۶ که دولت انجام داده است، بیاتنگر این نکته می باشد که در این دوره، بیشترین درصد تغییر و افزایش نرخ به دو گروه مسکن و خوراکی ها مربوط می شود، گروه مسکن - شامل مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت ها - ۲۰/۶ درصد افزایش نرخ داشته است. بخش مسکن در ۱۲ ماه منتهی به بهمن ماه سال جاری نسبت به ۱۲ ماه منتهی به بهمن سال ۱۳۸۵ شاهد ۲۰/۲ درصد افزایش نرخ بوده است، ضمن این که این بخش در بهمن ماه سال جاری در مقایسه با ماه مشابه سال قبل نیز ۲۵/۱ درصد افزایش نرخ داشته است".

اساس این اطلاع در دو سال ۸۵ و ۸۶ تورم به گفته رژیم در بخش مسکن بیش از ۵۰ درصد بوده است. در دو سال گذشته باز به گفته رژیم در بخش خوراکیها و آشامیدنیها ۴۲ درصد تورم وجود داشته است. متخصصین اقتصاد، تورم سال گذشته را بیش از ۴۰ درصد تخمین می زنند.

باید توجه کرد که دولت بر اساس محاسبه ای که در مورد نرخ تورم می دهد نمی تواند تورم را کنترل کند و تورم را به شدت افزایش می دهد. در دو سال گذشته تورم در بخش مسکن بیش از ۵۰ درصد بوده است و در بخش خوراکیها و آشامیدنیها ۴۲ درصد تورم وجود داشته است. متخصصین اقتصاد، تورم سال گذشته را بیش از ۴۰ درصد تخمین می زنند.

باید توجه کرد که دولت بر اساس محاسبه ای که در مورد نرخ تورم می دهد نمی تواند تورم را کنترل کند و تورم را به شدت افزایش می دهد. در دو سال گذشته تورم در بخش مسکن بیش از ۵۰ درصد بوده است و در بخش خوراکیها و آشامیدنیها ۴۲ درصد تورم وجود داشته است. متخصصین اقتصاد، تورم سال گذشته را بیش از ۴۰ درصد تخمین می زنند.

باید توجه کرد که دولت بر اساس محاسبه ای که در مورد نرخ تورم می دهد نمی تواند تورم را کنترل کند و تورم را به شدت افزایش می دهد. در دو سال گذشته تورم در بخش مسکن بیش از ۵۰ درصد بوده است و در بخش خوراکیها و آشامیدنیها ۴۲ درصد تورم وجود داشته است. متخصصین اقتصاد، تورم سال گذشته را بیش از ۴۰ درصد تخمین می زنند.

باید توجه کرد که دولت بر اساس محاسبه ای که در مورد نرخ تورم می دهد نمی تواند تورم را کنترل کند و تورم را به شدت افزایش می دهد. در دو سال گذشته تورم در بخش مسکن بیش از ۵۰ درصد بوده است و در بخش خوراکیها و آشامیدنیها ۴۲ درصد تورم وجود داشته است. متخصصین اقتصاد، تورم سال گذشته را بیش از ۴۰ درصد تخمین می زنند.

توانند تامین کنند و اکثراً ضرر دهنده هستند. «با توجه به مطالعاتی که از سوی مرکز پژوهش های مجلس صورت گرفته در سال ۱۳۸۰ سهم بودجه شرکت های دولتی از بودجه کل کشور ۶۹/۹ درصد بوده و در سال ۱۳۸۱ در جهت خصوصی سازی این مقدار کمتر شده به ۶۷/۲ درصد رسیده و در سال ۱۳۸۲، ۵۹ درصد و در سال ۱۳۸۳ به ۵۴/۳ درصد رسید اما دوباره از سال ۱۳۸۴ رو به افزایش گذاشت و در سال ۱۳۸۴ به ۶۶/۱ درصد و در سال ۱۳۸۵ به ۷۱/۶ درصد رسید.»

در سال ۱۳۸۶ سهم بودجه شرکت های دولتی به ۷۳/۲ درصد رسیده است. بنا بر این بودجه بندی، تعدا شرکتهای دولتی چه بصورت مستقیم و غیر مستقیم بسیار گسترش یافته اند و کل اقتصاد ایران را به زانو در آورده اند.

اخبار گویای آن هستند که به گفته دولت بیش از ۴۲ میلیارد دلار واردات در کشور داشته ایم که نیمی از حقیقت است و به گفته کارشناسان بیش از ۶۰ میلیارد دلار امسال کالا وارد کشور شده است. نگاهی به بازارها و مراکز عمده فروشی کالاهای مختلف نشان می دهد تقریباً همه کالاها از پوشاک گرفته تا لوازم خانگی و از خوراکی تا لوازم ساختمانی، اجناس وارداتی بازار ایران را تصاحب کرده و به تدریج دانقه مصرفی مردم ایران را تقویت کرده اند. در بازار میوه فروشی قبل از عید هر گونه میوه خارجی یافت می شد فقط در دو سال گذشته حجم واردات میوه خارجی ۴ برابر شده است و در مقابل این میوه ها میوه داخلی که از طرف دولت در جهت بهبود نوع میوه کوشش نشده است بی رنگ و کم کیفیت نشان داده می شود.

فرآوردهای مورد مصرف روزانه و پوشاک و دارو و کرایه مسکن در واپسین روزهای سال ۱۳۸۶ شدت گران شد. انواع مواد اولیه زندگی شهروندان، از گوشت قرمز و مرغ و انواع ماهی و شیر، پنیر، سبزی خوردن، روغن مایع و جامد، سبب زمینی، خیار، پرتقال، سبب درختی، انواع حبوبات، تخم مرغ و برنج، اجاره مسکن، پوشاک، لوازم تحریر و هزینه ایاب و ذهاب بصورت میانگین ۱۰۸ درصد رشد تورم داشته اند. دولت بگونه ای دیگر تورم را محاسبه نموده است.

"بهریسی نتایج شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران طی ۱۱ ماه اول سال ۸۶ که دولت انجام داده است، بیاتنگر این نکته می باشد که در این دوره، بیشترین درصد تغییر و افزایش نرخ به دو گروه مسکن و خوراکی ها مربوط می شود، گروه مسکن - شامل مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت ها - ۲۰/۶ درصد افزایش نرخ داشته است. بخش مسکن در ۱۲ ماه منتهی به بهمن ماه سال جاری نسبت به ۱۲ ماه منتهی به بهمن سال ۱۳۸۵ شاهد ۲۰/۲ درصد افزایش نرخ بوده است، ضمن این که این بخش در بهمن ماه سال جاری در مقایسه با ماه مشابه سال قبل نیز ۲۵/۱ درصد افزایش نرخ داشته است".

اساس این اطلاع در دو سال ۸۵ و ۸۶ تورم به گفته رژیم در بخش مسکن بیش از ۵۰ درصد بوده است. در دو سال گذشته باز به گفته رژیم در بخش خوراکیها و آشامیدنیها ۴۲ درصد تورم وجود داشته است. متخصصین اقتصاد، تورم سال گذشته را بیش از ۴۰ درصد تخمین می زنند.

باید توجه کرد که دولت بر اساس محاسبه ای که در مورد نرخ تورم می دهد نمی تواند تورم را کنترل کند و تورم را به شدت افزایش می دهد. در دو سال گذشته تورم در بخش مسکن بیش از ۵۰ درصد بوده است و در بخش خوراکیها و آشامیدنیها ۴۲ درصد تورم وجود داشته است. متخصصین اقتصاد، تورم سال گذشته را بیش از ۴۰ درصد تخمین می زنند.

باید توجه کرد که دولت بر اساس محاسبه ای که در مورد نرخ تورم می دهد نمی تواند تورم را کنترل کند و تورم را به شدت افزایش می دهد. در دو سال گذشته تورم در بخش مسکن بیش از ۵۰ درصد بوده است و در بخش خوراکیها و آشامیدنیها ۴۲ درصد تورم وجود داشته است. متخصصین اقتصاد، تورم سال گذشته را بیش از ۴۰ درصد تخمین می زنند.

باید توجه کرد که دولت بر اساس محاسبه ای که در مورد نرخ تورم می دهد نمی تواند تورم را کنترل کند و تورم را به شدت افزایش می دهد. در دو سال گذشته تورم در بخش مسکن بیش از ۵۰ درصد بوده است و در بخش خوراکیها و آشامیدنیها ۴۲ درصد تورم وجود داشته است. متخصصین اقتصاد، تورم سال گذشته را بیش از ۴۰ درصد تخمین می زنند.

باید توجه کرد که دولت بر اساس محاسبه ای که در مورد نرخ تورم می دهد نمی تواند تورم را کنترل کند و تورم را به شدت افزایش می دهد. در دو سال گذشته تورم در بخش مسکن بیش از ۵۰ درصد بوده است و در بخش خوراکیها و آشامیدنیها ۴۲ درصد تورم وجود داشته است. متخصصین اقتصاد، تورم سال گذشته را بیش از ۴۰ درصد تخمین می زنند.

باید توجه کرد که دولت بر اساس محاسبه ای که در مورد نرخ تورم می دهد نمی تواند تورم را کنترل کند و تورم را به شدت افزایش می دهد. در دو سال گذشته تورم در بخش مسکن بیش از ۵۰ درصد بوده است و در بخش خوراکیها و آشامیدنیها ۴۲ درصد تورم وجود داشته است. متخصصین اقتصاد، تورم سال گذشته را بیش از ۴۰ درصد تخمین می زنند.

باید توجه کرد که دولت بر اساس محاسبه ای که در مورد نرخ تورم می دهد نمی تواند تورم را کنترل کند و تورم را به شدت افزایش می دهد. در دو سال گذشته تورم در بخش مسکن بیش از ۵۰ درصد بوده است و در بخش خوراکیها و آشامیدنیها ۴۲ درصد تورم وجود داشته است. متخصصین اقتصاد، تورم سال گذشته را بیش از ۴۰ درصد تخمین می زنند.

باید توجه کرد که دولت بر اساس محاسبه ای که در مورد نرخ تورم می دهد نمی تواند تورم را کنترل کند و تورم را به شدت افزایش می دهد. در دو سال گذشته تورم در بخش مسکن بیش از ۵۰ درصد بوده است و در بخش خوراکیها و آشامیدنیها ۴۲ درصد تورم وجود داشته است. متخصصین اقتصاد، تورم سال گذشته را بیش از ۴۰ درصد تخمین می زنند.

توانند تامین کنند و اکثراً ضرر دهنده هستند. «با توجه به مطالعاتی که از سوی مرکز پژوهش های مجلس صورت گرفته در سال ۱۳۸۰ سهم بودجه شرکت های دولتی از بودجه کل کشور ۶۹/۹ درصد بوده و در سال ۱۳۸۱ در جهت خصوصی سازی این مقدار کمتر شده به ۶۷/۲ درصد رسیده و در سال ۱۳۸۲، ۵۹ درصد و در سال ۱۳۸۳ به ۵۴/۳ درصد رسید اما دوباره از سال ۱۳۸۴ رو به افزایش گذاشت و در سال ۱۳۸۴ به ۶۶/۱ درصد و در سال ۱۳۸۵ به ۷۱/۶ درصد رسید.»

در سال ۱۳۸۶ سهم بودجه شرکت های دولتی به ۷۳/۲ درصد رسیده است. بنا بر این بودجه بندی، تعدا شرکتهای دولتی چه بصورت مستقیم و غیر مستقیم بسیار گسترش یافته اند و کل اقتصاد ایران را به زانو در آورده اند.

اخبار گویای آن هستند که به گفته دولت بیش از ۴۲ میلیارد دلار واردات در کشور داشته ایم که نیمی از حقیقت است و به گفته کارشناسان بیش از ۶۰ میلیارد دلار امسال کالا وارد کشور شده است. نگاهی به بازارها و مراکز عمده فروشی کالاهای مختلف نشان می دهد تقریباً همه کالاها از پوشاک گرفته تا لوازم خانگی و از خوراکی تا لوازم ساختمانی، اجناس وارداتی بازار ایران را تصاحب کرده و به تدریج دانقه مصرفی مردم ایران را تقویت کرده اند. در بازار میوه فروشی قبل از عید هر گونه میوه خارجی یافت می شد فقط در دو سال گذشته حجم واردات میوه خارجی ۴ برابر شده است و در مقابل این میوه ها میوه داخلی که از طرف دولت در جهت بهبود نوع میوه کوشش نشده است بی رنگ و کم کیفیت نشان داده می شود.

فرآوردهای مورد مصرف روزانه و پوشاک و دارو و کرایه مسکن در واپسین روزهای سال ۱۳۸۶ شدت گران شد. انواع مواد اولیه زندگی شهروندان، از گوشت قرمز و مرغ و انواع ماهی و شیر، پنیر، سبزی خوردن، روغن مایع و جامد، سبب زمینی، خیار، پرتقال، سبب درختی، انواع حبوبات، تخم مرغ و برنج، اجاره مسکن، پوشاک، لوازم تحریر و هزینه ایاب و ذهاب بصورت میانگین ۱۰۸ درصد رشد تورم داشته اند. دولت بگونه ای دیگر تورم را محاسبه نموده است.

"بهریسی نتایج شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران طی ۱۱ ماه اول سال ۸۶ که دولت انجام داده است، بیاتنگر این نکته می باشد که در این دوره، بیشترین درصد تغییر و افزایش نرخ به دو گروه مسکن و خوراکی ها مربوط می شود، گروه مسکن - شامل مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت ها - ۲۰/۶ درصد افزایش نرخ داشته است. بخش مسکن در ۱۲ ماه منتهی به بهمن ماه سال جاری نسبت به ۱۲ ماه منتهی به بهمن سال ۱۳۸۵ شاهد ۲۰/۲ درصد افزایش نرخ بوده است، ضمن این که این بخش در بهمن ماه سال جاری در مقایسه با ماه مشابه سال قبل نیز ۲۵/۱ درصد افزایش نرخ داشته است".

اساس این اطلاع در دو سال ۸۵ و ۸۶ تورم به گفته رژیم در بخش مسکن بیش از ۵۰ درصد بوده است. در دو سال گذشته باز به گفته رژیم در بخش خوراکیها و آشامیدنیها ۴۲ درصد تورم وجود داشته است. متخصصین اقتصاد، تورم سال گذشته را بیش از ۴۰ درصد تخمین می زنند.

باید توجه کرد که دولت بر اساس محاسبه ای که در مورد نرخ تورم می دهد نمی تواند تورم را کنترل کند و تورم را به شدت افزایش می دهد. در دو سال گذشته تورم در بخش مسکن بیش از ۵۰ درصد بوده است و در بخش خوراکیها و آشامیدنیها ۴۲ درصد تورم وجود داشته است. متخصصین اقتصاد، تورم سال گذشته را بیش از ۴۰ درصد تخمین می زنند.

باید توجه کرد که دولت بر اساس محاسبه ای که در مورد نرخ تورم می دهد نمی تواند تورم را کنترل کند و تورم را به شدت افزایش می دهد. در دو سال گذشته تورم در بخش مسکن بیش از ۵۰ درصد بوده است و در بخش خوراکیها و آشامیدنیها ۴۲ درصد تورم وجود داشته است. متخصصین اقتصاد، تورم سال گذشته را بیش از ۴۰ درصد تخمین می زنند.

باید توجه کرد که دولت بر اساس محاسبه ای که در مورد نرخ تورم می دهد نمی تواند تورم را کنترل کند و تورم را به شدت افزایش می دهد. در دو سال گذشته تورم در بخش مسکن بیش از ۵۰ درصد بوده است و در بخش خوراکیها و آشامیدنیها ۴۲ درصد تورم وجود داشته است. متخصصین اقتصاد، تورم سال گذشته را بیش از ۴۰ درصد تخمین می زنند.

باید توجه کرد که دولت بر اساس محاسبه ای که در مورد نرخ تورم می دهد نمی تواند تورم را کنترل کند و تورم را به شدت افزایش می دهد. در دو سال گذشته تورم در بخش مسکن بیش از ۵۰ درصد بوده است و در بخش خوراکیها و آشامیدنیها ۴۲ درصد تورم وجود داشته است. متخصصین اقتصاد، تورم سال گذشته را بیش از ۴۰ درصد تخمین می زنند.

باید توجه کرد که دولت بر اساس محاسبه ای که در مورد نرخ تورم می دهد نمی تواند تورم را کنترل کند و تورم را به شدت افزایش می دهد. در دو سال گذشته تورم در بخش مسکن بیش از ۵۰ درصد بوده است و در بخش خوراکیها و آشامیدنیها ۴۲ درصد تورم وجود داشته است. متخصصین اقتصاد، تورم سال گذشته را بیش از ۴۰ درصد تخمین می زنند.

باید توجه کرد که دولت بر اساس محاسبه ای که در مورد نرخ تورم می دهد نمی تواند تورم را کنترل کند و تورم را به شدت افزایش می دهد. در دو سال گذشته تورم در بخش مسکن بیش از ۵۰ درصد بوده است و در بخش خوراکیها و آشامیدنیها ۴۲ درصد تورم وجود داشته است. متخصصین اقتصاد، تورم سال گذشته را بیش از ۴۰ درصد تخمین می زنند.

باید توجه کرد که دولت بر اساس محاسبه ای که در مورد نرخ تورم می دهد نمی تواند تورم را کنترل کند و تورم را به شدت افزایش می دهد. در دو سال گذشته تورم در بخش مسکن بیش از ۵۰ درصد بوده است و در بخش خوراکیها و آشامیدنیها ۴۲ درصد تورم وجود داشته است. متخصصین اقتصاد، تورم سال گذشته را بیش از ۴۰ درصد تخمین می زنند.

http://enghelabe-  
eslami.com/ketab/hoguge\_bac  
har/hoguge\_bachar\_a4.pdf

۳. به فصل سوم از جلد چهارم کتاب زیر مراجعه کنید:

Norman Hampson, Histoire de la pensée européenne, 4. le Siècle des Lumières, Edition du Seuil, Paris 1972

۴. سامانه و نظام ترجمه های سیستم هستند. اما واژه سامانه در فارسی برای فارسی زبانان راساً و گویاتر است. زیرا در سامانه معنای «سامانی» و «رشد» وجود دارد در حالی که بسا فارسی زبانان از سیستم چنین معنایی را در نیابند.

۵. برای مثال، مرحوم سیداحمد خوانساری که از فقهای سنتی است در بحث راجع به اجرای حدود در عصر غیبت می گوید: «اجرای حدود، نیاز به نصب از سوی امام دارد، ولی چون ائمه نصب را «بی حاصل» و بی فایده می دانستند، به چنین کاری اقدام نکرده اند و به همین دلیل موضع آنان، خلاف حکمت نیست.» وی سپس درباره نماز جمعه و اداره حکومت نیز همین مینا را مطرح می کند و به دلیل «مکان ورود ظلم» در اجرای این احکام در عصر غیبت، عدم نصب متصدی را عاقلانه و موچه می داند. رک: سید احمد خوانساری، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، مکتبه الصدوق، تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۵ش، ج ۵، ص ۴۱۱

۶. برای مطالعه بررسی مجازات اعدام در اسلام به سر مقاله روزنامه انقلاب اسلامی در هجرت شماره های ۶۸۶، ۶۸۷ و ۶۸۸ به تاریخ آذر و دی ۸۶ در نشانی زیر رجوع کنید:

http://www.banisadr.com/ir/in dex.shtml

در نقد عمومی خاطر نشان کردم، در طول قرون، قرآن با بسیاری از بیان های قدرت تطبیق داده شده و تفسیرهای دلخواه این و آن بیان قدرت را یافته است. در حال حاضر نیز، هرگاه از دید این و آن بیان قدرت موجود در غرب (که همه در بن بست اند) در قرآن تکریمه شود، این تکریمه خواه بقصد تفسیر آن به تریبی که با بیان مطلوب تطبیق جوید و خواه به خاطر آن باشد که بتوان از طریق نقض پذیر نشان دادن متن راه برای بیان مطلوب مفسر باز شود تا فوراً احکام مطلوب را جانشین بیان قرآن و احکامش کند، عقلی که بدین شیوه در قرآن می تکریم، همچنان زندانی بیان قدرت است. امید که این نقد در آزاد کردن عقلها و تکریم آنها در قرآن، از دیدگاه آزادی سودمند افتد.

اینک می توایم برای پرسشها، بر وفق بیان آزادی، پاسخ بچوئیم. بحث در باره پرسش های ۱۲ گانه را به نوبت بعدی وامی گذارم.

۱. شاید برای بیش از ۱۰ میلیون از هموطنانمان که در ایران امروز، به حکایت آمار رسمی خود حکومت اسلامی زیر خط فقراند و با فقر و نداری هر روز با تمام وجود درگیرند جای تعجب باشد که در کشور پیشرفته ای مثل آلمان که بزرگترین صادرکننده کالا در دنیاست به اقرار خودشان هم اینک بیش از هفت میلیون انسان در روز غذای کافی برای خوردن ندارند که در میان این رقم نزدیک دو و نیم میلیون کودک وجود دارد. در حالی که در سال ۱۹۶۵ از هر ۷۵ کودک آلمانی یک نفر فقیر محسوب می شد در سال ۲۰۰۷ و به یمن سیاست های اقتصادی لیبرال تر از هر ۶ کودک آلمانی یکی در شرایط فقر به سر می برد. برای اطلاع بیشتر از این اوضاع به گزارش سال ۲۰۰۷ سازمان آلمانی برای کمک به کودکان (Deutsche Kinderhilfswerk) مراجعه کنید.

http://www.dkhw.de نیز برای اطلاع از ابعاد نزدیک شونده فاجعه مواد غذایی در دنیای به اصطلاح جهانی شده و پیامدهای خشونت بار آن هم بر جوامع فقیر و هم بر روابط میان دولت ها به ویژه در کشورهایی مثل هند و مصر و هائیتی به گزارش ها و سرمقاله های روز ۱۸ آوریل روزنامه نیویورک تایمز مراجعه کنید.

http://www.nytimes.com/2008/04/18/world/americas/18food.html

۲. در مطالعاتی که تاکنون در باره آموزه حق در بیان آزادی داشته ام ۱۵ ویژگی برای تشخیص حق ها از ناحق ها یافته ام. در قرآن، خدا حق است، هستی حق است و آزادی هم حق است اگر بر اصل موازنه عدمی فهمیده شوند. بر این اصل حق جایی ظهور دارد که قدرت (=زور) غایب است. در حقیقت بر این مینا ناحق می شود هر ساخته زوری. در این آموزه، حق از سنخ هستی است و به هر بودگی اطلاق می گردد که در آن هم هستی هر پدیده در خودش و هم روابط میان نهایت دارها با یکدیگر (انسان-انسان و انسان-سایر مخلوقات) و هم با بی نهایت (با خدا) بر اصل عدم زور (=در تعبیر قرآنی لاکراه) برقرار شده است. برای مطالعه بیشتر به متن کتاب حقوق انسان در قرآن، بخش سوم از صفحه ۵۱ به بعد مراجعه کنید.

شدند و گفتند هنوز در سامانه های حقوق قضائی غرب تمامی این اصول شاخته و مرعی نیستند. از آن پس، این تحقیق را ادامه داده و ۸ اصل دیگر یافته ام. اصل جبرانی و ترمیمی بودن کیفر یکی از این اصول است. هرگاه قضاوت طبق اصول راهنمای قرآن انجام بگیرد، قاضی حکم به مجازات غیر قابل ترمیم و جبران نمی دهد. یک دلیل از دلایل از خود بیگانه شدن بیان قرآن- که بیان آزادی است- در بیان قدرت، همین که اولاً، در نظام های به اصطلاح اسلامی شده ای مانند ایران تحت ولایت مطلقه فقیه و سودان از زمان استبداد جعفر نمیری، جرائم و مجازاتهایی که در قرآن وجود ندارند، بر جرائم و مجازاتهای آمده در قرآن افزوده شده اند و افزون بر این آیین دادرسی سخت گیرانه قرآن جای خود را به محاکمه بر اساس ظن و گمان قاضی سپرده است؛ ثانیاً، تنها به ساختن جرم و تشدید کیفرها پرداخته اند اما از رعایت اصول کلی راهنمای قضاوت، به ویژه اصول پیشگیری از جرم، آنچه که قرآن مقرر می دارد، خبری که نیست بلکه ضد آن رواج دارد. این موضوع را در مطالعه ای که چندی پیش در باره مجازات اعدام بود و در نشریه انقلاب اسلامی منتشر شد به طور تفصیلی بررسی کرده ام که دعوت می کنم آن را مطالعه فرمائید. (۶)

نقدهای بالا معلوم می کنند مقایسه هایی که سبب صدور حکمی از این نوع می شوند تا کجا صوری و بی پایه هستند. بسا این نوع صورت بندی ها، عقل مقایسه گر و عقلهایی را که چنین حکمی را می پذیرند، به تصدیق خلاف حقیقت وا می دارند، اما غفلت بزرگ چنین عقلی، غفلت از موضوعی ریشه ای به نام آموزه حقوق است. توضیح این که:

۳/۲ - پس مقایسه باید واقعی باشد، یعنی مقایسه باید مقایسه سامانه ها و نه بخشی از آنها، بخصوص از لحاظ خشونت زدائی و عدالت گستری، باشد.

۳/۳ - هرگاه سامانه در تمامی اش به عمل در نیاید، دستگاه قضائی و حقوق جزا و غیر آن، آلتی در دست اقلیت حاکم می شود. به تریبی که بخش بزرگی از مجازاتهای قدرت فرموده، در خارج از قلمرو قوه قضائیه اعمال می شوند. الان بی دلیل نیست که در ایران با رواج پدیده انتقام گیری های خصوصی و حتی برگزاری محاکمه و اجرای مجازات در خانه و خارج از دادگستری رسمی مواجهیم. وجود و گسترش انواع مافیایا در دستگاه قضائی اساساً یکی از نمادهای این دو گانگی خشونت گستر است.

۴. آنگاه که احکام جزائی بخشی از سامانه عمومی صلح آمیز جامعه می شوند و دستگاه قضائی مسئول خشونت زدائی و صلح اجتماعی از راه کاستن بار زور در رابطه ها می شود و از اصول راهنمای قضاوت در تشخیص جرم و تعیین مجازات پیروی می کند، اندیشه راهنمای بیان آزادی است.

زمانی که به تقاضای دو وکیل مدافع فرانسوی به نمایندگی از سازمانهای مدافع حقوق انسان، به تحقیق در باره حقوق انسان در قرآن و اصول راهنمای قضاوت در قرآن پرداختم و حاصل تحقیق در قرآن انتشار یافت، هنوز ۱۰ اصل راهنمای بیشتر در قرآن نیافته بودم. وقتی حاصل تحقیق به زبان فرانسه در اختیار آن دو حقوقدان قرار گرفت، در شگفت

شد. بهنگام پاسخ گفتن به پرسشها، به رابطه قدرت با سامانه باز می گردم. اینک بر منتقدان است که از خود بپرسند آیا از رابطه سامانه با قدرت غافل بوده اند یا خیر؟ و آیا توجه داشته اند که با جدا کردن «حدود» از اصول راهنمای قضاوت و حقوق انسان و از سامانه عمومی زندگی که در قرآن تبیین شده اند، سامانه پیشنهادی قرآن را بلکه بلا اجرا می کنند و در نظر مسلمانان و عموم انسان ها بخشی از سامانه را آرمانی دست نیافتنی و یا بی ارتباط با زندگی این جهانی و در نتیجه بخش دیگر را هم بلا اجرا می کنند؟ آیا توجه داشته اند که در نهایت سود کارشان به استبدادهای حاکم بر کشورهای مسلمان و قدرتهای مسلط می رسد؟

حتی در غرب که سامانه عمومی صفت لیبرال دارد و سامانه جزائی مدعی حقوق بشر است، به این دلیل که بار زور در روابط انسانها با یکدیگر در طول زمان بیشتر و خشونت زدائی جای خود را به خشونت گستری داده است، مسابقه جرم و مجازات و گسترش روز افزون آسیبها و نابسامانی های اجتماعی و روند افزایش کیفرهای سرکوبگر، گویای قدرت محور بودن نظام اجتماعی لیبرال و قابل اجرا نبودن سامانه در کلیت خویش است و عقل آزاد را از واقعیتهای زیر آگاه می کند:

۳/۲ - پس مقایسه باید واقعی باشد، یعنی مقایسه باید مقایسه سامانه ها و نه بخشی از آنها، بخصوص از لحاظ خشونت زدائی و عدالت گستری، باشد.

۳/۳ - هرگاه سامانه در تمامی اش به عمل در نیاید، دستگاه قضائی و حقوق جزا و غیر آن، آلتی در دست اقلیت حاکم می شود. به تریبی که بخش بزرگی از مجازاتهای قدرت فرموده، در خارج از قلمرو قوه قضائیه اعمال می شوند. الان بی دلیل نیست که در ایران با رواج پدیده انتقام گیری های خصوصی و حتی برگزاری محاکمه و اجرای مجازات در خانه و خارج از دادگستری رسمی مواجهیم. وجود و گسترش انواع مافیایا در دستگاه قضائی اساساً یکی از نمادهای این دو گانگی خشونت گستر است.

۴. آنگاه که احکام جزائی بخشی از سامانه عمومی صلح آمیز جامعه می شوند و دستگاه قضائی مسئول خشونت زدائی و صلح اجتماعی از راه کاستن بار زور در رابطه ها می شود و از اصول راهنمای قضاوت در تشخیص جرم و تعیین مجازات پیروی می کند، اندیشه راهنمای بیان آزادی است.

زمانی که به تقاضای دو وکیل مدافع فرانسوی به نمایندگی از سازمانهای مدافع حقوق انسان، به تحقیق در باره حقوق انسان در قرآن و اصول راهنمای قضاوت در قرآن پرداختم و حاصل تحقیق در قرآن انتشار یافت، هنوز ۱۰ اصل راهنمای بیشتر در قرآن نیافته بودم. وقتی حاصل تحقیق به زبان فرانسه در اختیار آن دو حقوقدان قرار گرفت، در شگفت

## قرآن در اندیشه

### موازنه عدمی

### بخش سوم

که نقض شد. گفت و گوی مکتوبی که با آقای منتظری در باره چگونگی توسعه مجازات اعدام به نام اسلام در اسفند ماه گذشته انجام شده است از واقعیت دیگری پرده بر می دارد. آقای منتظری در پاسخ به سوال آقای حسن رضائی در باره نحوه توجیه فقهی اعدام هایی که حتی در قلمرو فقه سنتی هم نمی گنجد و به ویژه بحث توسعه قلمرو افساد فی الارض و کاربرد آن در باره مخالفان سیاسی مسلمان، ما را از «فریب فقهی» بس حیرت انگیزی آگاه می کند: آقای منتظری در پاسخ خود توضیح می دهد که، در آن سالها، او بدون توجه به اینکه دادگاه های انقلاب چه نقشه ای در سر دارند نظر فقهی اش این بوده است که عنوان افساد در آیه محاربه (مانده آیه ۳۳) عنوان مستقلی است. معنای این نظر فقهی این است که علاوه بر جرم سنتی محاربه عنوان جزایی دیگری هم به نام مفسد فی الارض وجود دارد که بنابراین می توان برایش مجازات محاربه را تعیین کرد. وی در این پاسخ تصریح می کند که او نظرش را اصلاح کرد و قول خود را پس گرفت، اما آقای خمینی در عین حالی که خود حاضر نبود در پاسخ به رئیس قوه قضائیه وقت چنین فتوایی را بدهد، در جواب رئیس قوه نوشت: 'مجازید به نظر آقای منتظری عمل کنید'. و پس از صدور این جواز بود که شمار اعدامی ها تحت عنوان مفسد فی الارض روز افزون می شود. آقای منتظری متوجه امر می شود و توسط آقای احمد خمینی به آقای خمینی اعتراض می کند و اظهار می کند اجازه نمی دهم به استناد فتوای من افراد را اعدام کنید. ولی آقای خمینی به این اعتراض وقتی نمی نهد و به قضات پیام می دهد که: 'در عمل به فتوای کسی اجازه و رضایت او شرط نیست' و قاضی می تواند به فتوای پیشین وی عمل کند! آری بدین سان بود که دولت ولایت فقیه اسلام را بمثابة یک سامانه حقوق و خشونت زدائی بلا اجرا گرداند. این دولت بر «جزایات» که بخش عمده آن نیز مأخوذ از فقه یهود (از جمله سنگسار) و غیر آنست، اکتفا نکرد و از پیش خود جرم مستقلی به نام «فساد فی الارض» و صدها جرم دیگر تراشید که بنا بر تحقیقی سرانگشتی در مجموعه قوانین جزائی نظام ولایی هم اکنون بیش از ۱۰۰ عنوان جزائی تحت عنوان افساد فی الارض وجود دارد. خلاصه، دین استقلال و آزادی سال ۱۳۵۷ در این «جزایات» ناچیز

### سخنرانی، بحث و گفتگو

موضوع: استبداد و کارگر

سخنرانان: \*مژگان ثروتی: جامعه شناس و مسئول نمایندگی مونسستر کانون دفاع از حقوق بشر در ایران

دولت های پسا استعماری در فرآیند جهانی شدن نوین

\*جهانگیر گلزار: عضو هیئت تحریریه نشریه انقلاب اسلامی در هجرت

حق کارگر در نظام ولایت فقیه

زمان: ۲۶.۰۴.۲۰۰۸ ساعت ۱۵:۰۰ الی ۱۸:۰۰

مکان: آلمان، هانوفر، فاوست

C/O Kulturzentrum IIK  
Zur Bettfedernfabrik 1  
Hannover ۳۰۴۵۱

هماهنگ کننده: ناصر ودودی  
0163 20 777 42

کانون دفاع از حقوق بشر در ایران، نمایندگی هانوفر